تمثال حضرت ناصر الاسلام والمسلمين الحامی عن حوزة الدين

الحاج ميرزا محمد رحيم من اهالي بلبله تابع باكو

مؤلف كتاب (عزة الامس . ذلة اليوم)

ومؤسس (المكتب المرتضوى) و (دار القرائة المرتضويه) و (المكتبة العموميه المرتضويه) المجانيتين في النجف الاشرف ومكتب (الناحيه المقدسه) في السامره





حالته في الحضر سنة ۱۳۳۰

حالته في سفر الحج سنه ۱۳۲۷

بنام مكتب مبارك (مرتضوى) طبع گرديد

خطابه ايست كه حضرت مستطاب ناصر الملة والدين فخر الفقها والمجتهدين اقاى حاج ميرزا محمد رحيم بلبلهٔ بادكوبهٔ در اجتماع عمومى كه بعنوان مجلس فاتحه وختم سال فوت اقاى آية الله خراسانى قدس سره در ۲۰ ذيحجة الحرام سنة ۱۳۳۰ درمكتب مبارك مرتضوى كه از تاسيسات خودشان ميباشد تشكيل فرموده بود در محضر مقدس حجج اسلام وعامهٔ اهالى نجف اشرف قرائت فرموده وشاگردان مكتب مبارك هم دراين اجتماع بالايحه هاى دلسوز وخطابه هاى جانگداز كه مشتمل براظهار تأسف بر فوت حضرت اية اللهى قدس سره وبر تسليت وتعزيت حضرت ملاذ الاسلام والمسلمين حامى حوزة الدين المبين اقاى اقاميرزا مهدى اية الله زادهٔ خراسانى مدظله بود حضرات مستمعين را زياده از حد افسرده خاطر وپريشان نموده ووقوع ايران رادر مخاطرهٔ شديده ورسيدن ثلمهٔ بزرگ را بر اسلام بعداز فوت ان مرحوم بر حاضرين محسوس نمودند

اعلان

احدى تاكنون باين تفصيل ممالك ودول اسلاميه را ذكر نكرده احاطه بر اسامى خاصه بر جغرافياى اين ممالك كه اسامى غالبش بر سامعهٔ انسان غريب مى ايد كمال مهارت را دراين فن ميخواهد مسلمانانرا بانتشار جغرافياى اين بلاد از طرف اقاى بلبلهٔ مدظله بشارت ميدهيم

خطابه ایست موسوم به

عزت دیروز ذلت امروز

بسمه تعالی

عزت دیروز

اگر نظر بتاریخ اسلاف واجداد ونیاکان خود بکنیم می بینیم که دولت اسلام را دراندك زمان بواسطهٔ جهاد درسایهٔ شمشیر ازجهت قوت وشوکت وثروت ومعارف وتمدن ووسعه مملکت بدرجهٔ رساندند که موجب حیرت عالمیان گردید

بعدازا اینکه مجاهدین وتبعهٔ دولت علیه اسلام درداخلهٔ مملکت کوچك خودشان مدینهٔ منوره محصور بودند باان قلت عدد وکمی نفوس بهیئت قشون ملی درتحت سلاح رفته متفقا باعزم راسخ مثل ریح عاصف وبرق لامع باشمشیرهای برهنه ازهر سو مدینهٔ منوره بیرون تاخته باکمال رشادت وشجاعت و بانهایت جوش وخروش ودرغایت جوانمردی کمرهمت بمیان محکم بسته برفتح بلاد وتسخیر ممالك وخوابانیدن رایات شرك واعلاء کلمهٔ اسلام واسلامیان سرگرم

گشته ازطرف مشرق ماوراء النهر تادیوار چین لگد کوب سم ستورشان وازطرف غرب ازبحر المجاز (بوغاز جبل طارق) بخاك اسپانیول وپرتغال داخل وماوراء ان بلادرا ازبلاد فرنگ تانهر تورس و ۳۳ کیلومتری پاریس (پای تخت فرانسه) و قسم معظم (ازجزایر ایطالیا) و (سواحل شمالی وجنوبی بحر ابیض) و (ممالك مجارستان) و (اطریش) و (یونان) و (صرب) و (قره طاغ) و (افلاق) و (بغدان) و (بلغار) و (مملکت قریم) و (قفقاز) وحصهٔ از (لهستان) وقسمت بزرك ازروسیه را بتصرف خود در آوردند

بیرق های شرك را سر نگون واعلام ورایات مبارکه اسلام را که مزین بکلمهٔ توحید واقرار برسالت حضرت ختمی مرتبت علیه السلام بود ازساحل بحر اطلانتیك تادیوار چین که فقط بامتداد طولی قریب هزار وهشتصد فرسخ است قطار نصب نمودند

طوری حقایق اسلام وروح شریعت مطهره را نشر دادند که درزمان قلیل صدملیون نفوس ازمشرکین ونصاری را بطوع ورغبت خود داخل دین حنیف اسلام کرده در (جزایر قناریه) (ممالك مراکش) (الجزائر) تونس (طرابلس غرب) (مصر (صحرای لیبیا) (صحرای کبیر) بلاد نوبه)

(مصوع) (جزائردهلك) (حبشستان) (ممالك سودان)
خاصه (اقليم بحر ازرق) (اقليم بحر ابيض) (كورد فان)
(دارفور) (زغاوه) (دار فوتيت) (بحر الغزال)
(بحرالجبل) (اقليم بحيرات) (اوغانده) (دارو ونغه)
(روماشه) (ودای) (برغو) (قانم) (بورنو)
(باندا باندا) (فورلا) (دورا) (مندوه) (باكيرمى)
(اداماوه) (حوصه) (قانو) (غاندو) غورمه) (يوروبا)

جهة تخصيص بعضى ازبلاد وممالك بذكر باذكر يك لفظ عام
ومملكتيكه شامل همهٔ اينهااست اشاره به بعضى ازخصوصياتى است
كه عرض ميشود مثل پاى تخت اسلامى بودن ان بلاد يامجزى شدنش
ازممالك اسلامى يابقاء ساير نقاط دردست مسلمين يانظر به قسمت
ان مملكت است بحسب نفوذدول دراو ياغيران ازملاحظات كه در
بيان جغرافياى اين ممالك على سبيل الاجمال برقارئين كرام معلوم
خواهدشد زيراكه نظر باستدعاى بعضى ازاخوان ازاين جانب بجهة
عدم اطلاع غالب برادران ازاين ممالك وبلاد اشارهٔ اجاليه به
جغرافياى اين بلاد كرده منضم باين لايحه خواهم نمود همين قدر
بواسطهٔ كثرت اشغال فرصت مراجعهٔ درست ندارم فقط معلومات
حاضرهٔ خودرا بدون اينكه بزحمت مراجعه دوچارشوم ومساحت

(بنين) لاغوس) داهومى) اشانتى (ساحل الذهب)
(سالاغه) (ماسينا) بامباره) ماندينغ) سير الئونه)
(فوته جالون (لاقاته (ديافونو) فوته تورو) بوندو)
(سالوم (سنغال) غامبيه) قايور (جزيره سقطرى)
ممالك (صومال) زنگبار (تانغا نيغه) مانيما)
(قونغوى ازاد (موزنبيق (جزائرقوموره (مايوته)
(نومى به (ماداغسقار) ممالك (قافرستان (قاپ)
(هوتانطو)

سطحيه ومقدار نفوس واستقلال ياتبعيتشان را بااشاره براينكه در
كدام قطعهٔ دنيا واقع شده است بيان كرده درهنكام فرصت ومجال
انشاالله جغرافياى مفصل اين بلاد وممالك را براى تعليم واطلاع
وانتباه اولادان عزيز خودم شاكردان مكتب مبارك مرتضوى كه
انشاءالله درآتيه ازرجال عصر وازجان نثاران معروف اسلام
وازخادمان حقيقى مسلمين خواهندبود تاليف وطبع نموده ازدروس
رسمى مكتب قرارداده نور چشمان خودم شاگردان مكتب مرتضوى
هم اين دروس را ازمعلمين كرام خود در دجه رشدى مكتب كه
موجوداست يادر درجهٔ اعدادى ان كه انشاالله عن قريب تشكيل خواهم
نمود بايك دنيا حس ويك عالم حرارت تلقى خواهند نمود

پورتکز اسبانیا ممالك جنوبی فرانسه جزائر بحر سفید
[خاصه] ساردنیه سچیلیا پالرمو مسینه قالابره مالطه کرید
سواحل ایطالیا یونانستان اوروپای عثمانی قره‌طاغ دالماچیا
هرسك بوسنه خرواتستان صربستان روم‌ایلی‌شرقی بلغاروستان
افلاق ودبریچه بغدان مجارستان اطریش لهستان
روسیه‌جدیده بلادشمالی،قفقاز روسیهٔ‌کبری روسیه‌شرقیه
[خاصه] بساربیا اوده‌سا مملکت‌قریم نوغای کیف
اورل قاسم‌اف نیژنی‌نووغورد قوسترومه نووغورد
اژدرخان سامارا قبچاق اورنبورغ قزان سیمبریسك

ان وقت‌است که‌چشم احقر ومدیر ومعلمین کرام بخدمات ایشان روشن خواهد شد ان‌وقت‌است که‌به‌نتیجهٔ زحمات‌خود نائل خواهم‌شد ان‌وقت‌است که‌خستگیهای امروزه وزحمات وصدمات فوق‌الطاقه که‌درترقی دادن‌انها‌کشیده میشود ازیادفراموش‌خواهد شد ان‌وقت‌است که‌ثمرهٔ خودرا ازاین درختهای باروآور خود خواهم‌چید ان‌وقت‌است همان طوریکه‌انها‌دست بنده‌را می بوسند من‌هم‌بواسطهٔ ان‌کتابها ونطقهای‌اتشین که‌درراه ترقی‌اسلام ومسلمین خواهند نمود هم دست هم‌دهن ایشان‌را خواهم بوسید اولادان عزیزخودم باید بدانند کسانیکه جغرافیای ممالك واوطان

جزائزاوخیلل امارت‌ساموس قبریس اسیای صغیر بلادارمن
قفقاز « خاصه » شیروانات داغستان چرکستان کرجستان
باطوم قارص اردهان کردستان الجزیره عراق‌عرب
کویت بحرین سوریه لبنان امارت‌نجد حجاز
یمن عدن حضرموت امامت‌مسقط شاهنشاهی ایران
امارت‌بلوجستان مملکت‌سند هندوستان سیلان امارت‌افغان
پیشاور بدخشان قوندوز بلخ امارت بخاری پامیر
سمرقند قره‌تکین امارت‌خیوه بلادوصحرای ترکمان
ماورای‌خزر اورالسق تورغای اق‌مولینسك سیمیپالاتینیسك
سمیرچنیسك سیردریا خجند اموددریا فرغانه خوقند
سیبریا چین « خاصه » مانچوری مغولستان قالغان
پیجان قولجه ماچین کاشغر یارکند ختن تبت
یوننان قانتون انام شامیه بیرمانیا سیام

وعدد نفوس برادران وتاریخ ابا، واجداد خودرا نداند ناخلف است وازاین قسم‌اشخاص حس کامل واستخلاص وطن وترقیات ملیه ومحافظه قومیه وتاثر از تضییقاتیکه ازاجانب برایشان میشود نباید متوقع شد

شبه‌جزیره‌ملاقه « خاصه‌حکومات‌اسلامیه » ایغور سنغوره کده
باتانی کلانتان تیرنغانو کمامان یراق سلانغوره سونکی‌اوجونغ
رمباو ولایات‌سینغابور پینانغ ولسلی ملاقه دیندینغ
امارات مستقله‌اسلامیه بهانغ جوهره حکومات متفقهٔ سبع
جزیره‌سومطره « خاصه‌دولت‌اسلامیه » اچه حکومات‌اسلامیه‌سیاق
اساهان جامبیه قوانتان یالمبانغ جزیره بیتانغ
جزیرهٔ‌لینغه جزیرهٔ بلیتون جزیرهٔ‌وسیعهٔ‌جاوه « خاصه‌حکومات
اسلامیه » بانتام جوقبوقارته سوراقارته جاقاتره شربون
جزیرهٔ‌سوندو « خاصه‌حکومات اسلامیه » تیمور حکومة روتی
جزیره‌کبیرهٔ برنئو « خاصه دولت اسلامیه » برونی حکومات
اسلامیهٔ سیمبنك سینتانغ ماتان ساراواق سامبیلیونغ
تابور قونی جزائرسلب جزائرملوك « خاصه حکومات
اسلامیهٔ » تیدور بورو جزائرکینه‌جدید جزائرسولو جزائر
فیلیبینه « خاصه »لوسون سامار حکومات‌اسلامیه‌میندانائو (۱)

(۱) اقایان‌حجج‌اسلام دامت‌ظلالهم که‌پدر روحانی مسلمین‌اند ایا
از عدد اولادهای خود ومحل سکنی واستقلال وتبعیت ومساحت
مملکتشان‌خبر دارند ••••• ایاپدرمهربان‌ازاولادخود ولوناخلف
باشند بی‌خبر می‌شود •••••

که‌هریك‌یك‌مملکت بزرگ‌یامرکز امارت‌وسلطنت‌اسلامی بوده‌وهست
صدای‌تکبیر وکلمهٔ توحید واذان وکلبانگ محمدی‌رابلند فرمودند
بالجمله ممالك اسلامی‌راشرقا تادیوار چین غربا تابحر اطلانتیك
شمالا تارودخانهٔ سین جنوباتابحر عمان وعدن وجزائر ماداغسقار
تامنتهی شود به بحراطلانتیك وسعت دادند و بعبارة اخری بر
وبحرراممالك وبیشترازدومقابل اوروپارا درخشکی صاحب گشتند
ودول اوروپارا باظهار لطف‌وجواب کتابت قرین‌شرف‌وافتخار
فرمودند وسلطنتهای معظمه‌وقویه‌مثل (امویه‌شرق) (عباسیه)
(امویهٔ‌غرب) ادریسیهٔ‌اول (اغلبیه) طاهریه(علویه) صفاریه
(طولونیه) سامانیه (فاطمیه) مکناسیه (زباریه) بویهیه)
اخشیدیه ادریسیهٔ‌دویم مسافریه کلبیه شاهینیه حسینیه« ۱ »
(غزنویه) صنهاجیه (مروانیه) مغراویه (ابلیکیه) مرابطیه
(مزیدیه) زیریه (حمودیه)هودیه (عامریه) (مرداسیه)
(عبادیه) افطسیه (جهوریه) ذی‌النونیه (سلجوقیه) بوریه

« ۱ » دودولت‌حسینیه‌دراسلام تشکیل‌شده‌یکی درکردستان که‌منقرض
شده یکی دیگر درتونس که‌حالیه‌موجوداست چنانچه ازمطالعهٔ
جدولیکه برای اطلاع قارئین‌ودانستن‌محل ومؤسس وابتداء‌وختام
سلطنت باعدد سلاطین الحاق‌خواهم نمود معلوم میشود

(ارتقیه) شاهیه (موحدیه)زنکیه (خوارزمیه) غوریه)
(ایوبیهٔ) تاتاریه (حفصیه) مرینیه(نصریه) زیانیه (ممالیکیه)
(عثمانیه) وطاسیه (صفویه) سعدیه (فیلالیه) (غلجائیه)
(حسینیه) نادریه (ابدالیه)زندیه (قاجاریه) محمدیه‌علویه)
(بارکزائیه) درشرق‌وغرب عالم تشکیل دادند

درثروت ومالیه

اول‌باثروت عالم‌گشتند حتی‌بعد ازاخراج خرج ومصارف جبایه واعطا. مواجب جند وارکان حرب ورواتب‌وزرا. واعیان ورجال خلافت ونفقات‌قضات‌واشراف وامراء وصلات‌شعرا.وفقراء وعلماء.ومخارج سدثغور ولوازم فتوحات واسباب‌حرب وخرجها وتخصیصات مخصوصهٔ خانوادهٔ خلافت‌سالی‌سیصدملیون‌فرانق‌دوزمان مامون زیاد آمده‌توی‌کیسه‌هاکرده دربیت‌المال‌مسلمین‌میگذاشتند امروزه که‌دولت انکلیس که‌ازجهة‌واردات وثروت اغنی‌ترین دول ودردرجهٔ‌اول واقع‌است قریب یك ملیارلیره یعنی هشتصد وسی یك‌ملیون‌ونهصدو شصت‌و پنج‌هزار چهارصدونه لیره عثمانی‌قرض دارد ودولت‌روس که درقوهٔ بریه درصف اول دول عالم است بهمین مقدارها قرض دارد ببین‌تفاوت ره ازکجااست تابکجا
میان‌ماه من تاماه گردون § تفاوت‌اززمین تاآسمان‌است

معارف وعلوم واطوری‌ترقی‌دادندوبانوارعلم واشعهٔ‌کمال بنحوی‌اقطار عالم‌اسلامیت بلکه‌تمام افق کرهٔ ارض‌را روشن‌ومنور نمودند که‌فرانسویها که‌امروزه ام‌التمدن وابوالصنایع‌اند دسته دسته برای تحصیل معارف و علوم ازدیار خود هجرت‌کرده درمدارس ومکاتب ودارالفنونهای قرطبه وغرناطه‌تربیت یافته در مراجعت درممالك خود علوم ومعارف‌رانشر میدادند وعلوم
(صرف) اشتقاق) نحو (معان) بیان (بدیع)
(عروض) خط) انشاء (فقه) اصول‌فقه) تفسیر)
(تجوید) رجال (درایه) تاریخ (انساب) لغت (امثال)
(خلاف) « ۱ » (محالات) منطق) کلام (تصوف)
(خواص‌اشیاء) حکمت‌طبیعی (حکمت‌الهی (حکمت‌عملی)
(هندسه) اکر (مناظر مرایا) موسیقی (هیئت)
(مجسطی) حساب (جبر) مقابله (مساحت)
(وفق‌اعداد) « ۲ » (ارثماطیقی)(نجوم) صورکواکب)
(رمل) اسطرلاب(کیمیا) سیمیا (فراست(بیطره)
(فلاحت) طب (تعبیرخواب) حیوانات (نباتات) جغرافیا

« ۱ » محالات عبارت از ملل ونحل‌است « ۲ » ارثماطیقی عبارت ازخواص اعداداست

وغیر اینها ازعلوم وفنون را تکمیل نمودند واز ۱ فقهاء «۱» ۲ حکما ۳ ادباء ۴ عرفاء ۵ اطباء ۶ منجمین ۷ موورخین ۸ هیئیین ۹ نحویین ۱۰ لغویین ۱۱ جغرافیین ۱۲ متکلمین ۱۳ محدثین ۱۴ مفسرین ۱۵ ریاضیین وغیرهم امثال مغربی کراجکی دیلمی حلبی راوندی کرکی عاملی حاوی بهائی صیمری عمیدی حلی اردبیلی سبزواری فاضل هندی خاجوئی جابلقی مزیدیه صهرشتی نباطی میسی نراقی کاظمی بهبهانی

«۱» اگرچه برای اطلاع قارئین کرام در ذیل لایحه اشارهٔ اجمالیه براسامی وشرح حالات مختصرهٔ این ذوات محترمه از علما نموده علم وفن این حضرات معلوم خواهد شد لیکن محض اطلاع دوحین قرائت علامتی ازارقام درجلو هریك ازفقهاء وحکماء تاآخر وبرطبق ان درمقدم مناظاهم علامتی گذاشته شد که درصورت مطابقت ارقام فنشان معلوم میشود مثلا درجلو فقهاء رقم واحد ودرجلو مغربی هم رقم واحد وضع کردیم ازاینجا معلوم میشود که مغربی ومابعدش تارقم دیگر فقهاء هستند بامهارتشان دراین فن است ولو ازعلوم دیگرهم بهره داشته اند وبهمین منوال است حال درانهائیکه اولش ابن یاباست

جواهری ۲ سامری فارابی محقق طوسی قطب رازی خفری صدر شیرازی لاهیجی دشتکی ۳ ابیوردی بیرقی ارموی ماه‌آبادی ۴ قونوی سنائی سهروردی تبریزی رومی ۵ تفلیسی واسطی تمیمی ۶ فرازی فاوسی اسطرلابی ۷ مسعودی واقدی صفدی فخری طبری بغدادی کتبی دمیری مقریزی یعقوبی اصفهانی ۸ قوشجی کاتبی رومی بیرجندی چغمینی ۹ زمخشری جامی جرجانی کسائی قیروانی ۱۰ جوهری فیروزابادی ازهری اصمعی ثعالبی طریحی ۱۱ حموی مقدسی کرخی کندی همدانی ۱۲ تفتازانی دوانی میبدی نوبختی شولستانی محقق شیروانی ۱۳ کلینی کاشانی اربلی برقی قاضی شوشتری مجلسي استرابادی جزینی جزائری بخاری ۱۴ قمی بیضاوی واحدی سیوطی طبرسی نیشابوری فخررازی ۱۵ صغانی دینوری سمرقندی بیرونی کنانی فیومی ۱ ابن ابی الحدید ابن ابی دینار ابن ابی عصرون ابن البیع ابن جزی ابن قدامه ابن حجر ابن بابویه ابن شاذان ابن جنید ابن ابی عقیل ابن براج ابن زهره ابن سعید ابن حمزه ابن ادریس ابن فهد ابن ابی جمهور ابن خاتون ابن عتایقی ابن نما ۲ ابن سینا

ابن اللباد ابن صلاح ابن رشد ابن صابونی ٣ ابن ابی رندقه
ابن وردی ابن العمید ابن عبدربه ٤ ابن عربی ابن مرزوق ٥
ابن مارستانیه ابن باجه ابن جزله ابن بختویه ابن جلجل ابن
لبودی ابن جمیع ابن رضوان ابن مندویه ابن جزار ٦ ابن یونس
ابن سمینه ابن دهان ٧ ابن خلدون ابن عبری ابن مریم ابن
خلکان ابن ابار ابن عساکر ابن ابی الدم ابن ابی الدنیا ٨ ابن
الطیب ابن اعلم ٩ ابن حاجب ابن عصفور ابن عقیل ابن قتیبه
ابن مالك ابن المصنف ابن هشام ابن یونس ابن جنی ابن خالویه
ابن درستویه ١٠ ابن سکیت ابن الوزان ابن سید ابن السید ابن
سیده ابن درید ابن اثیر ١١ ابن بطوطه ابن حویه ابن ابی
العجایز ابن حوقل ابن خردادبه ابن جبیر ابن ابی ذروان ١٢
ابن میثم ابن ابی کدیه ١٣ ابن جمیع صیداوی ابن قاجه ابن طاوس
ابن عیاش ابن قولویه ١٤ ابن حزم ابن المتوج ابن بارزی ١٥
ابن صفار ابن هیثم ١ ابوجعفر طوسی ابوالقاسم حلی ابوعبدالله
صفوانی ابوالحسن بن بابویه ابوحامد اسفرائنی ابوبکر عربی ابوبختری
٢ ابوالحسن رازی ابوالحکم مغربی ابوعلی بن مسکویه ٣ ابوالبقاء
حسینی ابوالبقاء عکبری ابوعبدالله مرزوق ابومحمد بن ابی زید ٤
ابوالوفاء حموی ابوالحسین خرقانی ٥ ابوالغنائم هبةالله ابوالقاسم

مرحیطی ابوالحجاج یوسف اسرائیلی ابوالقاسم زهراوی ابوالصلت
امیه ابواسحق بن بکس ابونصر تکریتی ٦ ابوبکر کتابی ابومعشر
بلخی ٧ ابوالفداء ابوالفرج ٨ ابوالوفاء بوزجانی ٩ ابوالبرکات
ابوالعباس ابوعبیده ١٠ ابوالفضل ابومنصور ابوعمر ١١ ابو
الحسن مغربی ابوجعفر حفصی ابوزید بلخی ١٢ ابوبکر باقلانی ابو
الحسین بصری ابوالفتح شهرستانی ١٣ ابومنصور ابوالفرج ابن
جوزی ابواسحق اشبونی ١٤ ابوحیان اندلسی ابوحامد غزالی
ابوعبدالله بن تیمیه ١٥ ابوبکر جال ابوالقاسم بن سمح ابوالعباس
سرخسی رادر مکاتب ومدارس ودار الفنونهای اسلامیه مثل مدرسه
نیشابور قبل از زمان نظام الملك مدرسهٔ ابن فورك مدرسهٔ
بیهقیه مدرسهٔ سعیدیه بنای نصر بن سبکتکین مدرسهٔ اسمعیل
استرابادی مدرسهٔ استاد ابی اسحق مدرسهٔ مامون در خراسان
مدرسهٔ نظامیه نیشابور مدرسهٔ نظامیه بغداد مدارس سلطان
نورالدین زنگی صاحب دمشق مثل مدرسهٔ دمشق مدرسهٔ حلب
مدرسهٔ حما مدرسهٔ حمص مدرسهٔ بعلبك ومدارس سلطان
صلاح الدین ایوبی در مصر واسکندریه وقدس ومدارس ملك
معظم مظفرالدین صاحب اربل وبیست وپنج مدارس اولاد واقارب
سلطان صلاح الدین وچهل وپنج مدرسهٔ سلاطین ممالیك وهفتاد

مدرسهٔ ابو بیها درمصر وهفده دارالفنونها وصدوبیست مـدارس
ابتدائی غرناطه وغیراینهاازمدارس اسلام تربیت کردند

کتاب‌خانه‌ها ساختند — مثل کتابخانه کرخ ترتیب سابوربن
اردشیر که ده هزار کتاب داشت ودارالحکمة الحاکم بامرالله درمصر صد
هزار وکتابخانهٔ حکم ابن ناصر در قرطبهٔ چهارصد هزار وکتابخانه
مراغه چهار صد هزار وکتابخانهٔ بغداد درعهد مامون یک
ملیون وکتابخانهٔ خزائن القصور درمصر درعهد عزیز باالله یک
ملیون وکتابخانهٔ طرابلس شام که فرنگ آتشش زدند سه
ملیون کتاب داشت خود فرنگها در کتب تاریخ خود بسوزاندن
این کتابخانه بهمان مقدار اقرار دارند امروزه اوروپائیان
باآن اهتمامات زیادیکه درجمع کتب دارند هیچکدام از کتابخانه‌هایشان بقدر
کتاب‌خانه طرابلس کتاب ندارد اول کتاب خانهٔ اوروپا کتاب
خانهٔ پاریس است که دو ملیون ونهصد هزار کتاب دارد بعد ازان
کتابخانهٔ لندن که یک ملیون وششصد وچهل هزار وبعدازان
کتاب‌خانهٔ پطرسبورغ که یک ملیون وسیصد وشصت هزار بعدازان
برلن است که یک ملیون ودویست وسی هزار بعدازان وینه است
که نهصد وبیست وچهار هزار بعدازان ایطالیا که ششصد وهفتاد
وهفت هزار کتاب دارد وقتیکه تمدن ازبلاد اسلامی کوچ نمود

این کتابها ازمیان رفت

و مساجد وابنیه و قصور وعماراتی ساختند
که در استحکامات و تزیین ناظرین را واله و مبهوت میکرد
(مثل جامع اموی) در دمشق شام که امروزه موجود وازمساجد
معظمه شام محسوب است که قبل از اسلام کلیسه و بعدازفتح
نصف‌اش کلیسه ونصف دیگراش مسجد شده ولیدبن عبدالملک
در زمان خلافت خود تمامرا مسجد کرده بناوا از
نو واز سر گرفت دوازده هزار صنعتکار ازبلاد روم آورده
بطول سیصد و بعرض دویست ذراع با هشتاد وشش ستون
ویک گنبد بزرک از رصاص بیازده ملیون ودویست هزار
دینار که تقریبا پنج ملیون وهفتصد هزار جینه میشود تمام نمود
(ومثل سه‌بنای متوکل) موسوم به { هارونی) و (جوسقی)
و (جعفری) که تنها برجعفری یک ملیون جینه صرف
نمود .

(و مثل دار المعزیه) معز الدوله ازآل بویه که بربنای او
تقریبا نیم ملیون جینه خرج کرده بود
و (مثل دارالشجرهٔ مقتدر بالله که از طلا و نقره درختهای
مصنوع دروسط برکه ومیوه وأثمارش‌را ازجواهرات ترتیب داده

و بلبل‌ها از طلا بالای شاخ درخت درست کرده هنگام وزیدن باد صداهای خوش استماع میشد ودر اطراف برکه تمثال پانزده مرد را درست کرده لباسشان از انواع حریر وشمشیر بر دست بیک خط حرکت میکردند که نگاه کننده خیال میکرد که قصد هم دیگر را دارند

و (مثل قصر کبیر عبدالرحمن) در قرطبه که در او (٤٣٠) خانه مطلا و هریك موسوم به یك اسم و برکه‌ها و بحیره ها وصحراها وحوضها ساخته بودند که عقل از مشاهده اش حیران ؟ صور حیوانات درنده و طیور جمیله از طلا ونقره مرتب ؟ قناتهای سربی از راههای بعیده و میان کوههای تاتوی قصر آورده ودر اطراف این قنوات اشکال وصور مختلفه از طلا و نقره ترتیب داده بودند

و (مثل مسجد قرطبه) که ارتفاع اش تاجای مؤذن پنجاه وچهار و تااعلای رمانه هفتاد وسه ذراع طول مسجد سیصد وسی عرضش دویست وهشتاد وپنج ذراع زمین مسجد باین بزرگی را از نوزده سنك فرش کرده بودند که بزرگترین آنها عرضش شانزده اقلش ده ذراع ومشتمل برهزار ودویست ونود وسه ستون از سنك سفید بانه درهای قشنك که یکی از طلا باقی دیگر از برنج

ودر وسط مسجد شمعدانی بود که جای هزار چراغ داشت ودیوار محرابش طلا اطرافش نقاشي واینه کاری ودر محرابش مصحف عثمان زیوش پردهٔ دیباج بالای یك کرسي از عود که میخهایش از طلا ویك پارچه از حلیهٔ طلا مکلل بدر ویاقوت بالای قرآن کشیده شده بعد از استیلای فرانك این مسجدرا کنیسه کردند والان هم خطوط عربی ونقوش شرقی در ان مسجد باقی مسلمانهارا بصدای بلند رسا صدا میکنند که ای مسلمانان کي غیرت کرده مرا از لوث کفار پاك خواهید نمود « ١ »

ومثل قصر الزهراء

بنای خلیفه الناصر در چهار میلی قرطبه که پسرش الحکم باتمام رسانید وچهل سال در این کار کردند طول قصر دوهزار وهفتصد عرضش هزار و پانصد ذراع عدد ستونهایش چهارهزار وسیصد همه از سنك سفید وسبز وحوضهای مختلف الاشکال از سنك

« ١ » بیچاره مسجد مسلمانهای این زمان را بمسلمانهای ان زمان قیاس کرده از اخر اوروپا مسلمانهارا باستخلاص خود که مخوف بااوروپاییان است دعوت میکنند غافل از اینکه مسلمانها در وسط اسیا ممالك اسلامیه ایکه محاط بامسلمین است بادست خود تسلیم اجانب میکنند

سفید مذهب وغیر مذهب بعضی ازاین حوضها بشکل انسان بود درهورش دوازده تمثال شیر غزال پلنگ اژدها عقاب فیل کبوتر شاهین طاوس مرغ‌خانگی خروس نسر ازطلای احمر ساخته بودند همه مرصع بادر نفیس وازدهن ایشان آب جاری بود دروسط قصر یك مسجد بزرگ وچند باغچه و بحیره‌ها داشت که‌ازهمه قسم ماهی توی انها شنو میکرد بگفتهٔ بعضی از مؤرخین دربنای این قصر ده‌ملیون جینه صرف شده است

ومثل قنطرهٔ نهرقرطبه

که‌طولش هشتصد عرضش بست ارتفاعش ششصد ذراع چشمهایش هیجده برجهایش نوزده بود

ومثل قصر فاطمیین

که‌دوملیون خرج شده بود ومثل قصر ال طولون در مصر که‌دربیان خصوصیات او ازقبیل باغچه‌ها وحمامها وتمثالهای طلای مرصع بجواهرات وحوض پنجاه ذرع طول وپنجاه ذرع عرض پراززیبق‌را مجال‌تفصیل نداریم یکی‌ازفاطمیین یك‌قصر موسوم به‌قصر غربی‌را بیك ملیون جینه تمام نمود

درتعمیر وتوسیع بلاد واراضی اهتمامات نمودند

مساحت اصل شهرقرطبه‌که (۳۳۰۰۰) ذراع بودطولش‌را

به (۲٤) عرضش‌را به (٦) میل یا (١٤٤) میل مربع رساندند وحال انکه مساحت اندن که‌اول شهر معظم دنیااست وقریب پنج‌ملیون نفوس‌دارد (١١٧) میل‌است سکنه نفس بغداد درزمان بنی عباس یك‌ملیون ونیم وعددکوچه‌هایش به (۲٤) هزاروانهارش‌بهٔ (١٥٠) هزار وخانه‌هایش به (۲٤٠) هزار بالغ‌شد وامروز نفوس بغداد کمترازصد وپنجاه هزاراست انهار بصره‌را درعهد بلال بن ابی برده تعداد نموده بصد هزار بالغ شد که‌درانها کشتی‌های کوچك حرکت میکرد ازاینجا نفوسش را مقایسهٔ بفرمائید اتساع عمارت بصره به (٣٦) میل مربع عرض شارع بزرگش بشصت باقیش به بیست ذراع رسید امروزه نفوس بصره سی هزاراست بعدازفتح مصر فقط عدد مردهای بالغ بر هشت ملیون بالغ شد درصورت اضافه زنها وبچه‌ها وشیوخ قریب بسی ملیون میشد که سه‌برابر عدد نفوس حالیه است هنگام مساحت اراضی زراعتی مصر در عهد هشام‌ابن عبدالملك سی‌ملیون فدان « ١ » تقدیر نمودند امروز بااین اهتمامات حکومت مصر بهشت ملیون فدان نرسیده است وفسطاس که‌اول شهراسلامی وبناکردهٔ عمروبن العاص در قطر

« ١ » فدان (۲۳۷۳٥) کیلومتر وهرکیلومتر صدمتراست

مصری ومحل چادر عمرو ومعسکر اسلام بود باامدن قبائل باطراف چادر سعه پیدا کرده حتی بگفتهٔ بعضی از مورخین ولو بنظر بعید وخیلی اغراق میاید اتساع عمارت بجائی رسید که ۳۶ هزار مسجد و ۸ هزار شارع عام و ۱۱۷۰ حمام وطبقات عمارتهارا ازازدحام وتزاحم تاهفت طبقه بنا کردند بسا بود که در بعضی از خانها بسکه وسیع بود دویست نفر ساکن بود ودربعضی ازبناها مثل دار الحرم خارویه (۳۰.) هزار جینه صرف شد ثروت اهالی طوری زیاد شد که دربعضی از خانه ها قریب هزار تکه فرش بود وازبقایای این شهر جامع عمرواست که الان درمصر موجوداست وبنای این شهر درمابین قاهره امروزی ومصر عتیقه بوده در عمارت اندلس وسائر بلاد ان بقصوی درجات عمران وابادی رسیدند ودراستحکام ابنیه وارتفاعش پولهای گزاف خرج میکردند که جای تفصیلش اینجا نیست وبقیهٔ اثار عمران درممالك اندلس تاامروز اقوی شاهد است برعرایض فوق

(وبیمار خانه ها ودار العجزه ها بنا فرمودند)

مثل بیمارستان ولید در دمشق که اول بیمارخانه ایست که دراسلام اساسش گذاشته شد   بیمارستان هارون الرشید در بغداد بیمارستان برامکه   بیمارستان فتح بن خاقان وزیر متوکل در

مصر بیمارستان سیده فتحه   بیمارستان ابن طولون درمصر بیمارستان علی بن عیسی الوزیر دربغداد   بیمارستان خلیفه مقتدر دربغداد   بیمارستان ابن فرات در بغداد   بیمارستان عضد الدوله دیلمی در بغداد   بیمارستان نور الدین زنکی در دمشق . بیمارستان صلاح الدین ایوبی در مصر   بیمارستان الملك المنصور درمصر   بیمارستان الملك المؤید در مصر بیمارستان کافوری در مصر   بیمارستان مکه   بیمارستان مدینه   بیمارستان فارس   بیمارستان ری   بیمارستان نیشابور   بیمارستان خراسان   بیمارستان موصل   بیمارستان شام   بیمارستان اندلس   وغیر اینها که ذکر انها بطول انجامد که تمام اینها درغایت انتظام ونظافت وبرای هرمریضی محل مخصوص ساخته وخدمه ها واطباء معین نموده مرده را کفن ودفن مینمودند وبیمارستانهای نقاله داشتند که درسفر برشترو قاطرها حمل کرده همراه عساکر نقل میدادند بیمارستان معسکر سلطان محمود سلجوقی را چهل شتر حمل مینمود (علم طب واطبارا محترم داشتند) خلفاء وسلاطین بدون مراجعه بطبیب یابدون حضور او درسر سفره غذامیل نمیفرمودند حتی یکدفعه متوکل بدون استیذان از طبیب غذا خورده طبیب متغیر کشته برای

دلجوئی طبیب ورفع غضب وتقصیر او هزار وپانصد جریبه نقد
بایك زمین زراعت که حاصل غله‌اش پنجاه هزار فرنگ بود
انعامش داد ازاین جهة عدد نفوس اطباء زیاد شد ودرزمان المقتدر
بالله که اطباء بغدادرا میشمردند هشتصدوشصت نفر طبیب شمردند
که هنوز امتحان نداده بودند ومحتاج برامتحان وبرتصدیق وشهادت
نامه بودند اینها غیر ازاطباء مشهور و معروف بودند که محتاج
به تصدیق وشهادت نامه نبودند یا درخدمت خلیفه بودند اقلا
جمله اطباء بغداد هزارطبیب میشدند وعضد الدوله در بیمارستان
خود ۲٤ طبیب استخدام نموده بود ودرخدمت متوکل غیرازاطباء اسلام
٥٦ طبیب نصاری بود باسیف الدوله درسرسفره ۲٤ طبیب مینشست

رصد خانه‌ها راه انداختند

مثل مرصد مامون دربغداد مرصد بنوشاکر درکنار جسر
بغداد مرصد شرف الدوله بن عضد الدوله مرصد الحاکم
بامرالله مرصد بنو الاعلم مرصد یمانی درحدودشام
مرصد خواجه نصیر درمراغه مرصد تیمورلنك درسمرقند
مرصد اصفهان مرصد مصر مرصد اندلس ووو وو

(کتابها درزیج نوشتند)

که اطول آنها زیج حاکمی است که ابن یونس درچهار جلد نوشته

زیج خوارزمی زیج ابی حنیفه زیج ایلخانی مال خواجه
نصیر الدین طوسی زیج دینوری زیج ابی معشر بلخی
زیج ابی سمح غرناطی زیج ابی عماد اندلسی زیج ابن
شاطر ووووو واخبار فلکی بودن مسلمین درتمام اقطار عالم
پیچیده مرجع حل وتحقیق مسائل اسمانی گردیدند حتی سلاطین
اوروپا برای تحقیق مسائل بربلاد مسلمین ادم مخصوص میفرستادند

(درصنایع طوری پیش قدم شدند)

که برای تعلیم صنعت بربلاد اسلامیه از اقطار اوروپا گروه
گروه هجرت وطی منازل ومراحل مینمودند حتی عمل ساعترا
مسلمین بلد بودند درحالتیکه اوروپائیان ووحشان ازصنعت ساعت
خبر نداشت بلکه ساعترا رؤیت نکرده بودند چنانچه درکتب
اوروپائیان معروف است که هارون الرشید برملك شارلمان قرال
فرانسه بتوسط حکومت اندلس یك ساعت با بعضی از هدایای
دیگر که ازنتایج وثمرات مدنیت اسلامیه بود هدیه فرستادونظر
استغراب ایشانرا باین هدایای نفیسه اسلامیه جلب نمود

اسطول ومراکب حربیه‌شان درنهایت قوت بود

یا کشتیهای جنگی ومراکب بحری که مملو ازقوای دافعه والات
قلعه کوب بود دریاهای اطلانتیك تیره‌نین ادریاتیك

یونان ارخیپل مرمره اسود ازوف خزر عمان احمر محیط هندی وغیرابنها ازدریاهارا بهم دونوردیده

دو بنادر معروفهٔ دنیا

مثل ایزبون بوشلونه مرسیلیا پالرمه بوندزی تریسته پیریه سلانیك اسلامبول وارنه اودهسا باطوم ازمیر بیروت یافه بورسعید اسکندریه بنغازی طرابلس تونس الجزائر وهران جبل طارق سویس سواکن مصوع آساب موزمبیق طوروسینا عقبه ینبع جده قنفذه حدیده عدن بصره وغیر اینها لنگر انداخته اغلب را بومباردمان نموده

و برخلیجهای مشهورهٔ عالم

مثل تونس غابس سیدره سلوم ابوشایفه کنایس عرب ابوقیر سویس عقبه والانسیه کهلیارییه تریسته آتینا سلانیك ساروس اودهسا عدن فارس مناو بابك دنیا شهامت داخل گشته

بوغازهای بنام کره را

مثل جبل طارق بونیفاسیو مسینه اوترانت دردنیل بوسفور یکی قلعه هرمز باب المندب بلکه بوغاز پلك

وملاقه را هم مثل شهاب ثاقب عبور نموده

ارکان سکنه واهالی جزائر وسیعه دریاهارا

مثل قناریه میورقه مینورقه ایبیسه قورسقه ساردنیا لیپاری سیجیلیا مالطه جزائر یونان دالماچیا ارخیپل طاشیوز ساموتراکی لمنوس کرید اسپوراد رودس قبرس ماداغسقار نومی‌به قومور زنگبار سقوطره قمران بریم بحرین قشم هرمز وغیر اینهارا باآلات حراقه وحراقه بتزلزل دراوردند (اسطول ومراکب مسلحه مسلمین) درعهد المعزلدین الله ازخلفاء فاطمیین ششصد قطعه بود وکارخانه‌های کشتی‌سازی را اوروپائیان ازعربها یاد گرفتند

(درسخاوت سر امد روزگار شدند «۱»)

عبدالله بن عمر درراه خدا هزار بنده ومحمد بن سلیمان ۷۰ هزار غلام وکنیز ازاد نمود قیمت متعارف غلام دراواسط عهد بنی امیه اگر صنعت نداشت (۵۰) اگر چوپانی بلد بود ۱۰۰ اگر تیر اندازی میدانست ۲۰۰ اگر ذوق شعر و شاعری داشت ۳۰۰ جینه بود با این قیمت غلام آقایان کرام خودم حد وسط قیمت را بگیرند ببینند که محمد بن سلیمان

«۱» عنوان سخاوت هنگام طبع اضافه شد

چندین ملیون جینه درراه خدا انفاق کرده «۱»

(احمد بن طولون) درمصر هرماه برمشایخ پانصد جینه انعام وبرعلماء وفقراء بغداد تقریبا ۱ ملیون و ۱۰۰ هزار جینه میفرستاد

مامون در احتفال عروسي خدیجه بنت حسن بن سهل برای خود ۵۰ ملیون فرانق صرف نمود وبرخود حسن بن سهل هم ده‌ملیون فرانق باخراج یکساله فارس واهواز انعام نمود وهنگام ورود مامون بحجله عروس جدهٔ عروس هزار دریکه‌در صینی طلا بوده باصینیها نثار پای مامون نمود

باز مامون بر مخصوصین خود هرروز دوهزار فرانق انفاق میکرد وبرسه نفر دریك روز یك ملیون ونیم

وباز درحالتیکه پایش درركاب بود ۲٤ ملیون فرانق انعام‌داد

«۱» چون پول در زمان خلفاء درهم و دینار بوده و غالب حضرات قارئین کرام بقیمت و مقدار اینها اشنا نبودند لهذا از اول لایحه تاآخر دیناررابه جینه ودرهم‌را بفرانق تبدیل نمودیم دینارورا بقیمت امروزه نصف جینه درهم را یك فرانق اعتبار نموده ایم جینه باپول عثمانی امروزها تقریبا ۱۲۲ غرش ساغ وفرانق تقریبا ۵ غروش الا دهپاره است

این مقدار بالنسبه بسایر بخششهای مامون قابل ذکر نیست

معاویه برعبدالله بن جعفر ۱۰۰ هزار فرانق داد که‌برپسرش معاویه نام بگذارد

حجاج بران کسیکه در زواج زنش هنده بنت اسماء توسط کرده بود ۳۰ غلام و ۳۰ کنیز بخشید که باهرغلام ۱۰ هزار فرانق وباهرکنیز یك جامه‌دان پرازجامه ورخت بود

سعدبن وقاص بهرکسیکه باغلام هدیه میفرستاد غلامرا هم‌باهدیه میبخشید

مهدی برمهاجر وانصار دریك مجلس ۳ ملیون فرانق قسمت نمود وبرای‌هریك از اهل‌بیتش شش‌هزار فرانق سنوی‌معین نمود

ابن خلکان گفته بریك شاعریکه تعریفش کرده‌بود صد ملیون فرانق داد

منصور دریك روز براهل بیت خود ۱۰ ملیون‌فرانق قسمت نمود

معتصم دراثناء خلافتش ۱۰۰ ملیون فرانق صدقه داد و دهن شاعررا که‌مدحش میکرد باجواهر پر میکرد

مقتدر غیراز مواجب‌ها وجائزه‌های شعراء ازنقد واملاك‌بمقدار ۷۰ ملیون فرانق انفاق نمود

رشید هرروز بغیر اززکوة مال خود ۱۰۰۰ فرانق تصدق مینمود ودریك مجلس هم ٦ ملیون فرانك برمردم نثار کرد ودریك روز دیگر ٦ ملیون فرانق قسمت

وبیك اعرابی که مدحش کرده بود ۱۵ هزار دینار داد

یحیی هنگام سواری خود بهرکسیکه میرسید ۲۰۰ فرانق میداد

ودر عروسی دخترش بصد نفر بهریك پانصد جینه باپك صینی نقره داد   وبرعیال منذربن مغیره دمشقی ۱۰۰ هزار فرانق و ٥ هزار جینه ویك خانه باتمام اثاث البیت واراضی زراعتی بخشش نمود

وقتیکه جعفررا کشتند واموالش را ضبط نمودند ٦ ملیون جینه دو کیسهٔ سربمهر پیدا کردند که همه رواتب وصلات وانعام بود که بالایش باسم صاحبش نوشته شده بود

ولیدبن یزید بهر بیت شعر ۱۰۰۰ فرانق میداد

متوکل بهر بیت از قصیده پانصد جینه   خالد بن ولید درمقابل چهار بیت که مدحش کرده بودند ٤ هزار فرانق داد

عباسی ها بهر قصیده ۱۰۰ هزار فرانق انعام میدادند

مقدار عطیه عباسی‌ها تا ده ملیون فرانق رسید اول کسیکه این مقدار را داد منصود بود   بعضی از وقتها خراج

بلادرا بعضی ازوقتها کشتی‌های کوچك‌را پرازطلا ونقره کرده میبخشیدند و دوبمام این بخششها غالبا نظرشان بر حفظ اساس سلطنت و ملاحظه امور سیاسیه مملکت بود

(در شئونات وثروت شخصیه عالمی را بحیرت انداختند)

غله سنوی خیزران مادر رشیدبه ۱٦۰ ملیون فرانق

غله یحیی وپسرش جعفر درسال بصدملیون جینه بالغ شد اول دولتمند امروزهٔ دنیا { روکفلر } امریکائی غله‌اش بقدر دو ثلث غله خیزران است ترکه منصور بعدا زفوتش ٦۰۰ ملیون فرانق نقره و ۷ ملیون جینهٔ طلا   وترکه یعقوب لیث صفار ٥۰ ملیون فرانق نقره ودوملیون جینه طلا   و ترکه مکتفی ٥۰ ملیون جینه   وترکه ابراهیم موصلی مغنی رشید ۲٤ ملیون فرانق بود   رشید برای مامون هزار ملیون فرانق وصیت نمود   مطبخ عمروبن لیث صفاوی‌را ششصد شتر حمل مینمود   هرروز برای خوراك عیالات خلیفه مقتفی عباسی هشتاد شتر ازدجله اب میاورد

هشام بن عبدالملك ۱۲ هزار قمیص دولون و ده هزار تکه حریر داشت   درحج هفتصد شتر رخوت والبسه‌اش‌را حمل مینمود   بعضی از خلفاء عمامه‌اش ۲٥۰ جینه قیمت داشت

مکتفی ۵۲۱۸۰۰ تکه رخت داشت   ذوالیمنین هزار و سیصد شلوار نپوشیده داشت

خاورویه درمیان جهاز دخترش که برای معتضد عباسی میفرستاد هزار تکه مخصوص بود که قیمت هریك ازاین تکه ۵ جینه بود قیمت باقی دیگر ازجهازرا ازاینجا قیاس کن   مادر مستعین فرشی داشت که براو ۶۰ ملیون جینه صرف شده بود در او نقشهائی برشکل حیوانات وطیور داشت که بدنشان ازطلا وچشمهاشان ازجواهر بود

مقتدر ۱۱ هزار غلام داشت   رشید کنزی به پنجاه هزار جینه خرید ودوهزار هم جاریه داشت

درقصر الحاکم بامرالله هزار جاریه وخادم بود   خواهرش سیده شریفه ۸ هزار جاریه داشت که هزاروپانصد نفرش دختر باکره بود   متوکل عباسی ٤ هزار جاریه داشت

سنجربن ملك شاه هزار وسی رطل جواهر داشت که نظیرش پیش سلاطین عالم شنیده نشده بود

رشید نگین انگشتری خرید ازیاقوت احمر به ۲۰ هزار جینه ودراو اسم خودرا نقش نمود   نگین دیگری خرید به صدوبیست هزارفرانق انگشتر دیگری خرید به ۵۰ هزارجینه

سعید برادر سلیمان بن عبد الملك جاریه مشهورهٔ زلفا نامرا یك ملیون فرانق خرید وغریب تر ازهمهٔ که ازحیز تعقل خارج است این است که گفته اند که محمد امین یك جاریهٔ که نامش بذل بود به بیست ملیون فرانق خرید

یحی بن خالد دریك مجلس ۷ ملیون فرانق جواهرات خرید خلفاء انقدر دراستعمال مجوهرات مبالغه نمودند که اخر کفشپای وظروف مطبخ را هم باجواهرات مرصع مینمودند در تفصیل مجسمه های مرصع باجواهرات نفیسه   وجامه دانهای طلا ومینا کاری منقوش بانواع نقوش وصور انسان وحیوانات   وصندوق های مذهب مملو ازچاقوهای مذهب و مفضض که دسته هاشان ازجواهرات قیمتدار   وصندوق های دوات مرصع که هریك پانصد جینه قیمت داشت وغیراینها ازمجسمه های غزال وطاوس وشتر   واجام وزین هزار وپانصد جینهٔ   و حصیر طلایی دەرطلی ووود برکتب مفصله تاریخ مراجعه شود که بیشتر ازاین ازحد لایحه وخطابه خوانی خارج میشویم   (۱)

«۱» کسانیکه میخواهند اطلاع تام ازجلالت وابهت دول اسلام داشته باشند برکتب مفصله ذیل رجوع بفرمایند که سند اغلب عرایض احقراست مثل   عقدالفرید   کامل   مسعودی

ثروت دولتی بر دول روی زمین فایق امدند

ازثروت دولت این یك کله عرض شد که بعدازاخراج تمام نفقات وصلات ولوازم حفظ مملکت وشرافت دولت و فتوحات مملکت ۳۵۰ ملیون فرانق زیاد امده دربیت المال گذاشته میشد

اما واردات دارالضربهای اسلامرا بردارالضربهای امروزهٔ اوروپا قیاس نتوان کرد مثلاتنها دخل دارالضرب اندلس به (۱۰) ملیون جینه رسید که این دخل در تنهائی دوبرابر دخل دار الضرب دولت انگلیس است اگر دخل دارالضربهای قاهره ومصر وبغداد وغیر اینهارا براندلس بیفزائیم انوقت واضح میشود که دخل دار الضربهای اسلامی بادار الضربهای اووروپا طرف نسبت نیست (خزانهٔ البنود دولت فاطمیه) در مصر که محل رایات واعلام واسلحه وچهل هزارجینه سالی مصرف اوبود هنگامیکه اتش گرفت اشیاء سوخته‌ها را چهار ملیون جینه تخمین کردند خراج ازسواد درایام حجاج ۸۰ وازمصر

سراج الملوك اغانی ابن خلکان ابن اثیر وابن خلدون خاصه برتمدن اسلامی استاد المورخین جرجی زیدان که احدی مثل ان حضارت اسلامیانرا مرتب بیان نفرموده والی الابد باید مسلمین رهین منت قلم ایشان باشند

درزمان عبدالله بن سعد ۱٤ وازشام ۱۷ ملیون و ۲۰۰ هزار فرانق میگرفتند (مصارف بسته) درایام امویه به ٤ ملیون فرانق رسید رواتب قضات ازماهی ۱۵ جینه تا ۱۲۵ جینه بلکه گاهی بملاحظهٔ بعضي از جهات ماهی به ۵۰۰ جینه هم رسید مواجب فضل بن سهل از طرف مامون هنگامیکه حکومت شرق را داشت سالی ۳ ملیون مواجب عامل مصر حسن بن علی المازرانی ۷۲۰۰۰ فرانق بود امروزه که حکومت هند ازطرف انگلیس بیشتر ازحکام روی زمین مواجب میگیرد مواجبش سالی ۵۰۰۰۰۰ فرانق است رواتب وزرا، درایام معتضد ماهی به پانصد جینه رسید امروزه هیچ وزیری این قدر مواجب ندارد چنانچه مواجب وزیر عثمانی امروزه ماهی ۳۰۰ لیره است مگر صدراعظم که ۱۰۰۰ لیره است وزیر مصری ماهی ۲۵۰ جینه وبزرگترین وزرا، انگلیس سالی ۲۰۰۰ جینه است رواتب جند درایام خلفا، راشدین درسال غیر ازانچه برای زن وبچه‌هاشان معین وغیرازدو جریب « ۱ » گندم که داده میشد از سیصد تاپانصد فرانق بود درایام امویه هزار و درایام عباسیین خاصه

« ۱ » جریب سه هزار وششصد ذراع مربع است مراد غله ایست که ازدو جریب زمین حاصل میشود

مقتدر برای پیاده ١٤٤٠ وبرای سواره ١٢٠٠٠ فرانق معین گردید امروزه که دولت انگلیس بیشتر از همهٔ دول بر عسکر مواجب میدهد بر پیاده درسال چهارصد وپنجاه وپنج وبر سواره هشتصد فرانق میدهد درهر نفر تفاوت سالی یازده هزار ودویست فرانق است اگر فرض کنیم که در تحت سلاح یك ملیون عسکر داشته‌اند چنانچه درحق معتصم گفته‌اند که بر عموریه «١» با نهصد هزار نفر وارد شد ومعلوم است که تمام عساکر بلادرا دور خود جمع نکرده وبلاد وثغور را بی‌عسکر نگذاشته شاید بیش از این در حدود وبلاد تحت سلاح عسکر داشته‌اند از این قرار سالی یازده ملیارودویست ملیون مصارف عسکری اسلام زیاد تر خواهد شد

(دولت اسلام را باجانب باعظمت وثروت ارائه میفرمودند)

وقتیکه ازطرف دولت روم درعهد منصور بن ابی عامر برای تحصیل اطلاع ازحال وقوای مسلمین قاصدی آمد منصور خواست که

«١» عموریه شهری بود دراناطولی درجهة ولایت انقره در کنار نهر سقاریه درزمان قدیم (غالاتیه) اش میگفتند الان خراب‌ونام و نشانی ازاو نیست معتصم در سنهٔ ٢٢٣ هجری این شهررا فتح نمود

عظمت دولت وثروت مملکت را ارائه نماید امر فرمود که دریك برکه بزرگ که به‌مسافت چند میل بودنیلوفر کاشتند وچهار قنطار «١» طلا وچهار قنطار نقره‌را کوچك کوچك بمقدار نیلوفر دوست کرده تمام نیلوفرهارا پرازطلا ونقره نمودند وقاصدرا پیش‌ازفجر بحضور خواسته روی بروی نیلوفرها محلش دادند هنگام طلوع ازشعاع افتاب نیلوفرها منظره خوشی‌را پیدا کرده دراین هنگام هزار نفر ازصقالبه باقباها وکمربندهای طلا ونقره حاضر شدند که دردست پانصد نفر ازایشان طبقهای پرازطلا و دردست پانصد نفر دیگرش طبقهای نقره قاصد ازجمال ایشان متحیر شده مقصود ایشان‌را نفهمید دراین اثنا همکی رفته طلا ونقره‌ها راازنیلوفرها جمع کرده اورده درجلو منصور وبخته به زدند وباز وقتیکه چندنفر قاصد ازپادشاه روم بخدمت مقتدر عباسی‌امد برای مقدم اینها خانه‌هارا بانواع زینت وسلاح زینت داده وصد وشصت هزار عسکر پیاده وسواره باکمال انتظام با ٢٢ هزار غلامان زرین کمر و ٧ هزار خادمهای سفید وسیاه‌و ٧ صد حاجب سف کشیدند کشتی‌ها وزورق‌ها را درتوی

«١» قنطار وزنی‌است که بحسب ازمان فرق کرده وبر مالـــ زیاد وبرصد رطل هم گویند مراد در اینجا ثانی‌است

دجله زینت دادند وازدار الخلافه ۳۷ هزار پرده اویخته بودند که ۱۲ هزار وپانصدعدد دش ازدیباج مذهب بود و ۲۲ هزار بساط فرش کرده بود ودرخت هیجده شاخهٔ همه ازطلا ونقره که درشاخه‌های اومجسمه‌های گنجشگ ازطلا ونقره باوازخوش ونغمات موسیقی مترنم بودند ترتیب داده بود

(اجانب ازدولت اسلام استنصار مینمودند)

(یکی ازسلاطین) اسپانیول ازموسی بن نصیر که ازطرف ولید حکومت مغرب را داشت برای دفع خصم خود استمداد نموده موسی هم غلام خود طارق را با ۷ یا ۱۲ هزارنفر بخاك اسپانیول مامور ساخته درظرف پانزده ماه عساکر اسلام تقریبا تمام اسپانیول را متصرف شده فقط ایالات کوهستانی آستوریا درطرف شمال بدست اسپانیها ماند امپراطور چین برای دفع یاغیان که بردولتش شوریده بودند ازمسلمین استنصار نموده چهل هزار عسکر اسلام مامور بکمك چین گشته بعد ازسرکوبی یاغیان وحفظ تاج وتخت دولت چین امپراطورش از ایشان استدعای توطن چین نموده ایشان هم اجابت کرده مسلمین حالیهٔ چین ازاحفاد ایشان است

(فرنسیس اول) پادشاه فرانسه هنگامیکه باشارلکان پادشاه

اسپانیا جنگ میکرد از سلطان سلیمان قانونی استمداد نموده سلطان هم کشتی‌های جنگی خودرا بمارسیلیا فرستادو بااسطول فرانسه متحد شده شهر نیس را فتح نمودند

(ازدول روم وچین ونمسا وروس خراج وجزیه گرفتند)

مهدی درجهادش باروم که سردار لشکرش پسرش رشید بود ازبلاد روم تابه خلیج قسطنطنیه برسد ۹٦۹۵۰ جینه طلا ۲۱۱٤۰۸۰۰ فرانق جزیه گرفته هنگام دخولش برقسطنطنیه مقر امپراطوری روم با (امپراطورایرینی) سالی ۳۵۰۰۰ جینه خراج مصالحه نموده که هرساله بدهد مقدار غنیمت مسلمین دراین جنك غیراز جزیه‌های معروضهٔ فوق ۵٦٤۳ اسیر و ۲۰ هزار حیوان و صدهزار گوسفند وگاو و ٤۰ هزار نفرهم ازروم کشتند وازاهالی قبرس هرساله بهسه هزاروهفتصد جینه خراج مصالحه کردند جنك قبرس اول جنك بود که مسلمین درزمان خلافت عثمان دردریا نمودند درسنهٔ ۹٤ هجریه قتیبة بن مسلم والی خراسان تاچین تاخت اورده بعد ازگرفتن هدیه‌های نفیسه وخراج زیاد ازچین برخراسان عودت نمود هنگامیکه ایلدرم بایزید قسطنطنیه را محاصره نمود با امپراطور قسطنطنیه بسه شرط مصالحه کرد اول خراج زیاد دادن

امپراطور دوم بنای مسجد درقسطنطنیه سوم جلوس قاضی اسلام درمحکمه قسطنطنیه باقاضی روم عثمانیها درمحاصره وینه از اوشیدوق فردینان خراج زیاد وجزیه کرفته برگشتند

سلطان سلیمان قانونی سالی سی هزار دوك ازپادشاه نمسا خراج میگرفت سلطان محمد خان رابع بعد ازفتوحاتش درلهستان ازپادشاه انجا خراج زیاد گرفته هرساله بدادن خراج التزامش نمود «١»

«١» ای سلطان محمد خان رابع ای انکه خود واباء و اجدادت بگرفتن روم ایلی غربی روم ایلی شرقی بلغار صرب یونان قره طاغ دالماچیا بوسنه هرسك مجارستان و و و ازاوروپا اکتفا نکرده مملکت لهستان راهم فتح نمودید سر ازخاك بردارید حال یك سلطان عزیز ونورچشم اسلامیان سلطان محمد خان خامس را تماشا کنید که چکونه دول اوروپا باهم متحد شده اوروپا ویرا قسمت میکنند

طرابلس غرب که طریق مابصد ملیون مسلمین افریقا و نفوذمان درانها منحصر باین مملکت اسلامی بود زخمش از سینهٔ ما چاق نشده بلکه در اثناء حرب طرابلس باایطالیا دول اربعه بالقان که دیروز رعیت ما بودند بهپشت گرمی دول معظمهٔ اوروپا برما

خانات دشت قبچاق تاایالت (نووغورود) که متصل برایالت پطرزبورغ (پای تخت روس) و بمسافت (١٦١) کیلومتر درجنوب شرقی انواقع است یورش بردند وشهر کیف ومسکورا آتش زدند حکومتهای روسیه را دریك حال پریشانی انداخته همه را بهتحت اطاعت و انقیاد خود در اوردند حتی بدون فرامین و امضای خانهای تاتار صاحب تخت وتاج نمیشدند و هرسال مبلغ

اعلان حرب نموده بربقاء یك ملیون ونیم مسیحی در اوروپای ما درتحت بیدق بزرگ اسلامی راضی نیستند وحال اینکه خود اوروپائیها ازما سیصدوپنجاه ملیون مسلم تحت بیرق صلیب دارند عجب عصر تمدنی است خدایا این عصر تمدن را منقرض کن وکیف کان بعد ازاین همه جنکهای دول بالقان ورفتن این همه بلاد وقتل نفوس وهتك اعراض وناموس بازصلح و حکمرا برمحکمه دشمنهای خود ودرخانهٔ انهائیکه خودشان اتفاق درتقسیم ما نموده اند برده ایم معلوم است ازاین محکمه غیر از بیرون رفتن عثمانی ازاوروپا صدای دیگری بیرون نخواهد امد انها بیست برادراند مستعد وباقوه وباهم متحد

عثمانلی یك برادر ضعیف ایران را دارد بی استعداد وبیقوه که امنیت مملکتش را همسایه هایش میدهند وبافرض استمداد وقوه

گزافی بعنوان باج و خراج تقدیم مینمودند وهر کدام ازایشان
که بیشتر مورد مراحم خان واقع میشد همان قدر از جهة
اعتلا،شان وقوت برسائر حکومت‌های روسیه مزیت پیدامی کرد
بلکه محض جلب خاطر وتوجه خان بر خود دردادن خراج بر
همدیگر تقدم وبریکدیگر دراظهار خلوص و خدمات سبقت می
جستند چنانچه یك وقتی حکومت (تور) (علکسا ندر) نام

وتمکن امنیت ممالك خود این دوبرادر در مابینشان ازقدیم
الایام نفاق بوده که بواسطهٔ ان نفاق نزدیك است که نام هردو
از صفحهٔ تاریخ محو شود اگر اینها نفاق نداشتند وباهم بموجب
(المؤمنون اخوة) المسلم للمسلم کالبنیان یشد بعضه بعضا)
باهم متحد میشدند ودولت مراکش وامارت افغان را هم باخود
متحد کرده عنوان (دول متحده اسلامیه) رااخذ میکردند
امروز، مراکش منقرض نمیشد

افغان باان قوهٔ خدا دادی و شجاعت موروثی درتحت حمایه
انگلیس امرار حیات نمیکرد

وعثمانی باین حال فلاکت نمی‌افتاد و ایران درتحت احتلال واقع
نمی‌شد بلکه امپراطوری شرق وغربرا حائز میشدند مع‌التاسف
که نکردند ونخراهند کرد روز بروزهم بدترازاول خواهدشد

بمقام جسارت وفضولی برامده برمخالفت خان قیام کرده حکومت
موسقوو (ایون قالیته) محض خدمت برخان و نمك شناسی
وی برای دفاع علکساندر وسر کوبی ان سوق عسکر نموده در
مقابل این خدمت موردمراحم‌ملوکانه‌خان واقع‌گشته ازطرف‌خان
بایشان عنوان (پرنس کبیر روسیه) مرحمت فرموده شد
وازان وقت تا نهایت قرن شانزدهم (موسقوو) پای تخت نه
پرنس گردیده بلکه پرنسهای (موسقوو) از جهة محصلی کردن
خراج برای خان درتحت حمایهٔ خان قوت گرفته برسایرپرنسها
غلبه کرده ممالکشان‌را هم برممالك خود اضافه نمودند «١»

«١» بلی پرنسهای (موسقوو) درسایهٔ حمایت خان قوت
گرفته ممالك سایر پرنسهارا برممالکشان ضم‌کردند اخر بروولی‌النعم
خودشان حضرت خان هم کفران نموده واز انقسام دولت
قبچاق درقرن (١٠) میلادی برپنج حکومت (نفس‌قبچاق)
و (قزان) و (ازدرخان) و (نوغایـے) و (قریم)
وازدوام نزاع ونفاق درمابین این حکومتها استفاده نموده
ممالك خان‌هارا هم برممالك روسیه ضمیمه نمودند اولـ
رومی‌ها باخان (نوغای) متحدشده خان نفس قبچاق را که‌در
شهر (سرای) درکنارنهر (وولغا) مینشست درسنه ١٤٨١ م

(دول فرنگ باوسال تحف وهدایا بمقام خلافت تقرب می جستند)

وقتیکه عبد الرحمن ثالث اواسط بلاد فرنك را جولا نگاه اسب‌های جوانان و عساکر اسلام نمود وتاجائی تاخت اورد که احدی ازسلاطین اسلام بانجا قدمش نرسیده بود

فتوحات بی درپیشان دربلاد فرنك گوشزد عالی ودانی گردید واوازهٔ سطوت وعظمت مسلمین درتمام اقطار اوروپاپیچید

رعب و خوف دول اسلام دردلهای دول فرنك پرشده همگی

محوش نمودند

وخان قازان‌را درسنهٔ ١٥٥٢ م

وخان اژدرخان‌را دوسال بعد ازان وخود خان نوغای‌را درقرن (١٨) م محو کرده اخر تو ازهمه خان قریم اگر چه مدتی جزیه برروسیه‌را داد همان‌طوریکه میگرفت واخیرا به‌تحت حمایت دولت علیه عثمانیه رفته ازجزیه دادن خودرا خلاص کرد لیکن مع ذالك که جان خودرا از دست روسی‌ها نتوانست بسلامت ببرد در سنهٔ ١١٩٨ هجری بلادش ضمیمه روسیه گردید اثری ازاثار ایشان باقی نماند فقط چیزی که هست اینست که‌اهالی ان بلادیکه درتحت حکمرانی این خان‌ها بود اکثر مسلم وترك‌اند لیکن بواسطه بی‌علمی و جهالت مثل سایر مسلمانهای قفقاز و ترکستان ازغالب حقوق نوعیه محروم اند

ازدر اطاعت وانقیاد در امده بعجز بلکه بعبودیت خود اقرار کرده قاصدها وهدایا وتحف از امپراطورهای رومیه وقسطنطنیه وجرمن وغیر اینها برای تحصیل رضایت ورفع تکدر خاطر و اظهار خلوص وکوچکی بمقر حکومت اسلام میرسید حتی پادشاهان وامراء اسپانیول (کهازترس شمشیرهای جوانان اسلام در بالای کوههای (استرویا) نقطهٔ اخر شمالی اسپانیول متواری بودند وسلاطین اسلام‌هم ایشانرا به‌نظر دزد وباغی‌دیده ازقدر اهمیت بفتح انجا نمیدادند) بحضور مشرف گردیده دست عبد الرحمن‌را بوسیده رضایت خاطر ایشان را طلب میکردند « ۱ » قاصد

« ۱ » کجائی عبدالرحمن ازقبر برخیز ومملکت اسپانیول‌را که‌بان عمران واابادی رسانده بودی تماشا کن ببین ازان مساجدیکه در عهد تو بود مسجدی مانده‌است که‌کلیسا نشده باشد و ازان مسلمانها احدی مانده‌است که ازفشار اسپانیها ترك دین ومذهب نگفته باشد یا دم شمشیر جفای ایشان جان نداده باشد یا فرار ببلاد مراکش وتونس وجزائر نکرده باشد ازان مسلمانهائیکه در سایهٔ شمشیر تو واباء واجدادت دراسپانیا هشتصد و نهصد سال بعزت وبزرگی عمر کرده بودند دریکروز هفتصد وبروایتی هشت صد هزار نفر سر بریدند وخون مسلمانان‌را درکوچهای

امبراطور روم وقتیکه دوعهد مستنصر بالله فاطمی بقاهره می‌امد هنگام‌شرف‌حضور زمین‌را میبوسیدند تابرسند بمقرخلافت

ودرتعمیر (قصر زهراء) ازقیاصره روم وفرانك و جرمان برای اظهار تقرب و جلب خاطر هدایا از قبیل اقسام سنکهای سماق ومرمر بارنکهای مختلف فرستاده شد

قسطنطین ۱۳م برمستنصر بالله هدیه فرستاد که‌صد وپنجاه هزار جینه قیمت داشت

این بود عزت دیروز ما که عرض شد

ذلت امروز

بواسطه عطالت وتسامح ما اولادان ناخلفـان شوکت وقوت وثروت وتمدن ومعارف که‌ازاباء واجدادمان بمااراث رسیده بود درمدت قلیـــل باتنزل درجه تنزل نمود باندازهٔ که باز موجب

اندلس وقرطبه و غرناطه ورو مثل سیل جاری نمودند جماعتیرا اتش زدند باقی‌را ازاسپانیا بیرون کردند ویك ملیون کتب و مؤلفه مسلمین را باپنج هزار قران‌هم درضمن این کتب‌سوزاندند

ان‌سید محمدها وسید علی‌ها که‌دیده بودی اولاد واحفاد خود شان‌را (ایوان) (فیلیپ) (لوئی) (الفونس) (ماریا) (سانکه) نام گذاشتند

حیرت عالمیان گردید   ان اسلامیکه درسایهٔ شمشیر جوانهای رشیدش بمشرق و مغرب بال وپر کشوده بود   بال وپرشرا کندند   جوانان رشیدش‌را گردن شکستند بلاد مفتوحه را ازایشان پس گرفتند   دول قویه‌اش‌را منقرض نمودند نقطهٔ شرقی شان لگد یك دولت •••••••• صفت ونقطهٔ غربی شان جولانگاه یك دولت تمدن کش روباه طبیعت بعد ازنهصد سال سلطنت اسلامی درغربی اوروپا ممالك اوروپ بدول اوروپ برگشت وممالك ما درافریقا واوقیانوسیا واسیا در تحت نفوذ مسیحیان درامد

حکومات اسلامیه امروزهٔ ما

که‌دول اوروپا انهارا حکومت میشناسد وعبارت از (عثمانی) (ایران) بلوجستان (افغانستان) بخارا (خیوه) حکومات صغار ملاقه) فاس (ماسینا) با غیرمی (بامباره) سقوطو) (بورنو) وادای (زنگبار) آچه (بورنئو) است غـیر از عثمانی اسما ورسما وایران اسما فقط بالتمام استقـلال تام خودرا وداع کردند   وبیرقهای اسلام‌را ازان ممالك وسیعه پائین‌اورده برجای او بیرق خاچ وصلیب بلند نمودند   بجای اذان ناقوس زدند   مساجدرا کلیسا مکاتب ومدارس‌را خراب کردند وبالجمله

سلطنت اسلام را از افریقا برانداختند دو اوقیانوسیا مقهورش کردند دراسیا دریك گوشهٔ تنگی مقامش دادند این همه ممالك وسیعه اسلامیه‌را گرفته باقامت یك دولت بزرگ اسلامی عثمانی دریك جزء صغیر اوروپا رضا نمیدهند دول وامارت اسلامیه کرهٔ ارض‌را بتحت حمایت خود دراوردند ودرپیشگاه سلطنت خودشان خاشع وخاضع نمودند سواحل بلاد اسلامی را باکشتی‌های جنگی وجهازات زره پوش درنوردیدند باتوپهای قلعه‌کوب استحکامات وقلعه های مملکت اسلام‌را کوبیدند بالشکر جرار وعساکر منظمه عرض وطول بلاداسلام‌راپیمودندسلاطین اسلام‌را مطیع و منقاد اوامر ونواهی خود کردند وبرای بقاء حکومت صوری ازامراء اسلام جزیه‌هاوخراجها گرفتند با معاهدات خانه برافگن دست سلاطین اسلام‌را بستند

ثروت مملکت مارا به یغما بردند

کشتی کشتی بلکه دریا دریا طلا وجواهرات مارا بدلالی ما ازدست ما ربودند بلاد مارا بدست خودمان خراب ممالك خودرا بپول ما اباد نمودند ودرتمام لوازمات معیشت تا سوزن وکبریت حتی درکاغذ قرآن وکفن اموات ملرا محتاج بخود کردند جیب رعیت‌را باخزانهٔ دولت خالی نمودند

مسلمین روی زمین باآن ثروت واعتبار وتمکن افقر ترین ملل روی‌زمین گشتند دولت ایران که‌تمام وارداتش (اگر ازخوانین‌وامراء‌ورؤساءعشایر وصول‌شود) تقریباده‌ملیون تومان است وبیشتر ازبیست وپنج ملیون تومان زیر بار قرض خارجه رفته امروزهاهم بتصویب وزراء خائن وروس پرست به دوازده وسیزده ملیون تومان قرض صورتا برای بر گرداندن عرادهٔ خود حقیقتا برای پر کردن شکم وزراء مذکوره محتاج است یعنی‌محتاجش کردند که شاید باین واسطه قبضه بزمام مالیه بلکه بومطلق امور ایران بکنند گرو این همه قروض (جان‌ملت) (روح مملکت)(محکومیت سلطنت ایران)است‌در عوض‌این‌قروض‌چه داریم اه سرد ملت فلك‌زدهٔ ایران (حکومت مصر) که‌جزء دولت علیه عثمانیه‌است صدوسه ملیون لیره (دولت علیه عثمانیه) قریب بصدوشصت ملیون‌لیره عثمانیه بخارجه قرض دارد تادراین جنگهای امروزهٔ متوالیه دول بی انصاف تمدن کش اوروپا وسوقیات چه قدر محتاج بقرض باشد خدا میداند

(معارف مارا از دست ما ربودند)

کتاب خانه طرابلس را باسه ملیون کتاب با کتابخانه اندلس که‌یك ملیون کتاب داشت اتش زده دراین ضمن پنج هزار

قران را هم سوزانیدند مدارس مارا خراب وویران کردند
مسلمانان بیچاره ازمدن تمدن خارج گشتند دروادی وحشیت خیمه زدند ازلباس علم ومعرفت عاری گردیدند بطوری از معارف وتحصیل کمال اجنبی وبیگانه شدند که طرف داران معارف را ازجنس خود فرض نکردند واز ملاقات و مصاحبت ایشان کناره گرفتند بلکه ازسایهٔ ایشان رمیدند و بهزاران اتهامات متهمشان نمودند وازدایرهٔ تمدن قدم کناره گذاشتند بلکه دشمن علم وتمدن گشتند کتب ومؤلفات خودرا بثمن بخس فروختند ابواب مدارس را بستند ازروی همین جهالت باهم نفاق وشقاق ورزیدند خون همدیگر را ریختند وازروی همین نفاق بهانه بدست اجانب دادند وزیر بیرقشان رفتند وبخواب غفلت غنودند قدر شرف ملی را نفهمیدند ودرحقیقت برخود جفا کردند واز مجاهده درراه وطن واسلام مضایقه نمودند ولما کتب علیهم القتال تولوا الا قلیلا والله علیم بالظالمین وازاین مضایقه اسیر اجانب شدند فرداست که می بینیم (لااراناالله ذلك الیوم) دین راهم مثل مملکت بدست اجانب سپردند ومتطور باطوار انها ومتخلق باخلاق ایشان ومتادب باداب انان گردیدند ولا یزالون یقاتلونکم حتی یردوکم عن دینکم برای گرفتن مملکت ما

توپ ها وتفنگ ها وطیاره ها وکشتی های جنگی و قوشون منظم تهیه نموده اند وبرای بردن دیمان دعات مسیحیین که در بلاد اسلامیه ودر مدارس خصوصیه ومریض خانه ها منتشر نموده اند
فرداست که چشم باز کنیم میبینیم که نه دین داریم نه دنیا ازاینجارانده ازانجامانده خسرالدنیاوالاخرة ذاك هوالخسران المبین
عجبا با این ادعای دین داری واین اظهارات صوریکه درخصوص دین حق محمدی میکنیم هیچ وقت داعی دین نمیشویم دعات مسیحیین گذشته از اینکه دربلاد و قصبات وقری ودر مریض خانه ها ومکاتب خصوصیه مشغول دعوت اند دریا دریا پولها خرج کرده دریاها درنوردیده کوهها و دره ها صعود ونزول کرده در بیغوله ها بسر برده درراه دین خود جان شیرین خودشان را بکف گرفته دراواسط افریقاواوقیانوسیا ودرمیان آدم خوارهای اوستورالیا دعوت ها کرده گروه گروه مردم را ازوثنیها وبی دینهای دنیا بلکه ازمسلمانها داخل دین خود میکنند ما چه ترویجی ازدین حق خود کردیم کی داعی دین شدیم گذشته از بلاد بعیده وممالك وحشیه چوقت برتکمیل عقاید مسلمانهای خود از اهالی قری وعشایر میل ورغبت نمودیم وماکی عقاید وضروریات دین خودرا ازروی ادله قاطعه وبراهین ساطعهٔ که درکتب حکمت

وکلام (کهابدا بحمدالله روئیتش نکرده ایم) تحصیل نمودیم وپاچه وقت از احادیث شریفه وارده ازائمه طاهرین سلام الله علیهم اجمعین دو توحید ومعارف دینیه حقه (که فهمیدن انها سواد میخواهد) استنباط نمودیم تاباین وسیله بتوانیم از دعات دین اسلام باشیم ودر مقام احتجاج ومناظره باخصم حقانیت دین خودرا اثبات بکنیم یا برکتبیکه درود اسلام نوشته شده جواب بنویسیم برائبات یگانگی ذاتی وصفاتی وافعالی وصفات کمالیه و جمالیه وجلالیه خدای ذوالجلال وبر نبوت وامامت ومعاد (که همه از ضروریات دین مبین وحق دانستن واعتقاد بران را عامهٔ فقها، عظام ومجتهدین کرام رضوان الله علیهم دراوائل رسالهٔ عملیهٔ خود برهرعامی واجب شمرده‌اند) اغلب ماها دلیل متین وقاطع مان فقط یقین است بس وغیر ازیقین که انهم بیك نظر راجع به تقلید بدر ومادر است دلیل دیگری نداریم اگر این مقدار چنانچه عقیدهٔ بعضی‌هم بران‌است کفایت بکند وبر فرمایش مرحوم علامه قدس سره وامثال‌ان که درلزوم تحصیل اصول عقاید از روی براهین عقلیه وادله قاطعه ادعای اجماع نموده‌اند به‌نظر اعتبار ننگریم سایرملل وفرق ازیهود و نصاری ومجوسیها را باید گفت که‌روز قیامت مؤاخذ ومسئول نیستند

زیرا که‌میتوانند بگویند که‌یقین دردین کفایت بود وماهم یقین برحقانیت دین خود داشتیم

اگر همان طوریکه علامه رحمه‌الله تعالی و امثال ان گفته بگوئیم انوقت‌فقط نه‌تنها عوام (که از حرف زدن یومیه اش عاجزاست) لنك‌است بلکه‌پای‌اکثراشخاصیکه‌مدعی‌بعضی‌ازمقامات‌اند هم درگل خواهدبود زیراکه اگر بپرسی که چرا خدا جوهر وعرض نیست اولا بیچاره معنی جوهر وعرض‌را نمیداند که تا ازخدا نفی بکند وثانیا برفرض هم که‌بدون تعقل وتصور کفت که جوهر چیزی‌است قائم بذات وعرض مقابل اواست اگر کفته بشود که‌کدام ذاتی‌است که‌قائم تر ازذات ذوالجلال بذات خود باشد پس اطلاق جوهر چرا جایز نیست بیچاره باز نخواهد فهمید که مقسم این دوصفت ممکن‌است وممکن قسیم واجبست وخدا واجب الوجود لذاته‌است وهکذا معنی اینکه خدا معانی نیست الی اخر بااین حال که اصول عقاید و ضروریات دین خودرا نفهمیده ونداسته و اسلامیت خودرا درست پیش اکثر مجتهدین ثابت نکرده چگونه برای‌دعوت دیگران بدین‌اسلام قیام میتوانیم بنمائیم

مریضخانه‌ها خراب وویران گردید

دارالشفاها مبدل بسر کوچه‌ها ومقامات متبرکه ومزار ائمه‌وامام زاده‌ها ومقابر اولیا. گشت چنانچه در زمان ما نجف اشرف که قبة‌الاسلام ومحل توجه ۳۵۰ ملیون مسلم وبعقیده ۸۰ ملیون‌شیعه مرکزعلم‌وتمدن ومعارف ومرجع تقلید ایشان‌است مریض خانه‌اش دالان در طوسی وصحن مطهر حضرت علی بن ابی طالب است که هرروز یکی دونفر در منظر ومرءای مسلمین بی‌دوا وغذا جان داده‌جنازه اش بااین همه‌وجوهات بریه که‌اینجامی‌اید ازصبح تاغروب‌بزمین مانده کسی‌نیست که‌متحمل‌مصرف دفنش‌باشد «۱» عجبا مسلمان‌ها درمیانه مسلمین بقدر حیوانات درپیش اوروپائیان احترام و عزت ندارد امریکائیها برای معالجهٔ حیوانات محض خاطر اینکه جانداراست مریض خانه ها ترتیب داده پولهادراین

«۱» درجمیع ملل ودرتمام ممالك وبلاد و قصبات وقری یك قبرستان ویك محل مجانی برای دفن مرده‌ها معین گشته‌است از سوءاقبال نجفی‌ها مرده‌های نجف اشرف ازاین محل مجانی محروم تازنده‌هابرای دفن مرده‌هاشان ٦٤ غروش صاغ‌ندهند ماذون بدفن مرده‌شان‌نیستند ازاولیاء امور مستدعی هستیم که این‌امتیاز مخصوص راازمرده‌های نجف بردارند

باب مصرف میکنند مایك مریض خانه دومثل نجف اشرف نداریم شش امامی‌ها (افرین برحمت ایشان) برای‌زوارهای خود همه‌جا منازل خوب ومریضخانه های قشنك ساخته‌اند

اما بیچاره زوار ایرانی ازبی منزلی توی کاروانسراها بی دوا وغذا جان میدهند ای‌سکنهٔ قبة الاسلام ایا رواست که‌بااین همه نفوسیکه ازاطراف واکناف عالم باین مقام متبرك می‌ایدازپول متمولین و اعیان یاازان وجوه بریه واموال خیریهٔ که بنجف فرستاده میشود (که غیر از فقرا، همه ازاو بهرمنداند) یك مریض خانه نداشته باشید باحضرات اغنیا، (که‌بجمع‌لیره عشق دارند) وبامال امام علیه‌السلام که‌مورد مخصوصی دارد واقایان ان‌مورد را بهتر میشناسند کار نداریم لیکن نجف اشرف تقریبا ٥ هزار خانه و ۳۰ هزار نفوس دارد اگر هر خانهٔ ماهی یك قران که‌همه کس ازاو متمکن‌است بعنوان صدقه بدهند ماهی ٥ هزار قران پول جمع میشود که‌دوسه مریض خانه‌را بان میتوانیم اداره ودر کفن ودفن فقراهم مقداری صرف بنمائیم تمام این ذلت‌های امروزی که‌میکشیم واین‌مصیبت‌های پی‌درپی که می‌بینیم واین دریای بلائی که‌توی ان غرق میشویم واین اتشی که توی ان میسوزیم همه بواسطه سوء اخلاق وافعال خودمان‌است

وماكان ربك ليهلك القرى واهلها مصلحون ماخود خودرا
ذليل نموده‌ايم والا خداوند رحيم بامسلمانان عداوت ندارد كه
ايشان را ذليـل دست اجانب بكند ان الله لايغير مابقوم حتى
يغيروا ماباًنفسهم اين لطمه‌هائى كه‌از دشمنهاى دين ميخوريم
از سيئات عمل خودمان است وما اصابك من سيئة فمن نفسك
خداوند عالم در وقت هجوم كفار مارا امر بجهاد ومتقاعد را
مذمت فرموده اگر تقاعد كرديم تا كفار برما مسلط شدند اين
تسلط خواست خدا نيست العياذ بالله خداتسلط كفاورا هرگز
نخواهد وليعلم الذين نافقوا وقيل لهم تعالوا قاتلوا فى سبيل الله
او ادفعوا قالوا لونعلم قتـالا لاتبعناكم هم للكفر يومئذ اقرب منهم
للايمان الى اخر الاية وخداوند عالم درآية شريفه الذين امنوا
يقاتلون فى سبيل الله والذين كفروا يقاتلون فى سبيل الطاغوت فقاتلوا
اوليا، الشيطان ان كيدالشيطان كان ضعيفا مارا برمقاتله كفارامر
وتحريص فرموده بعدازان مارا دركريمهٔ فقاتل فى سبيل الله لاتكلف الا
نفسك وحرض المؤمنين على القتال عسى الله ان يكف باس الذين كفروا والله
اشدبأسا واشدتنكيلا درمقاتله كفاروعدهٔ نصرت ميدهد دراين صورت

هرچه هست از قامت ناساز بى اندام ماست
ورنه تشريف تو بربالاى كس كوتاه نيست

اين است جزاى كسيكه احكام قرآن شريف را پشت سر اندازد
و(انما المؤمنون اخوة) راعمل نمايد وبموجب (واعتصموا بحبل
الله جميعا ولاتفرقوا) باهم متحدنشود وبفرمان واجب الاذعان
(واعدوالهم مااستطعتم) الاية براى دفاع كفارالات دفاعيه تحصيل
نمايد على بن ابيطالب عليه السلام تيروشمشير وسنان برداشته بجهادميرود
وماگذشته از شمشير ازبرداشتن يك عصا عار داريم كتاب سبق
ورمايه باان اهميت دراين ايام مباحثه‌اش درمابين علماء متروكست
اى برادران بعدازاين همه فلاكتها اقلا دست ازنفاق وشقاق
برداريد باهم متحد ومتفق شويد ومثل پنج انگشت يك مشت
بردهن دشمن باشيد وازبزوكى امر خوف وهراس نكنيد(همم
الرجال تقلع الجبال) قوت جماعت قوت خدا وصدايش صداى
خدااست بموجب يدالله مع الجماعة دست خدا بالاى جماعتست
متفق باشيد وبعد ازاتفاق متوكلا على الله بسمت مقصد حركت
نمائيد(اعقل وتوكل) (باتوكل زانوى اشتر ببند) نه توكل كرده
بنشيـنيد يادعا كرده بخوابيد اگر اصلاح امور فقط بدعاوتوكل
ميشد دعاى پيغمبر اكرم عليه السلام ازهمه دعاها اولى باستجابت
وتوكلش ازهمه بيشتر بود دعا و توكل ميكرد ورنجه برباروى
مبارك نميداد ودر فتوحات وغزوات اين همه متحمل زحمات

نمی‌شد پیشانی ودندان مبارکش نمیشکست وخداوند عالم پیغمبر اکرم را
هنگام مرض امر برفتن پیش طبیب نمی‌فرمود وحضرت صادق
علیه السلام درجواب کسیکه ازجنابش استدعای دعائی وسعت رزق کرده
لاادعوا لك اطلب كما امرك الله تعالی نمیفرمود واگر اصلاح
همهٔ اموررا بظهور حضرت ولی عصر روحی فداه بگذاریم ان
وقت باید غالب احکام وحدود الهی‌را تعطیل نمائیم وخیلی از
تکالیف الهیه از ما ساقط گردد خود حضرت حجة عجل
الله فرجه باین معنی ابدا راضی نخواهد بود وبلکه اگر امروزه
ظاهر میشد این قسم اشخاص‌را گردن میزد ومیفرمود ای بظاهر
مسلمان وبباطن کافر چرا این منکرات‌را مقدمهٔ ظهور من قرار
دادی واهتمام در امورات نوعیه ودر اصلاح کار مسلمین نکردی
ودر حفظ حدود وثغور ممالك اسلامیه از هجوم اجانب اقدام
ننمودی مگر حدیث شریف جدم (ص) (من لم یهتم بامور
المسلمین فلیس منهم) ویا (فلیس بمسلم) را نخوانده ونشنیده بودی
چرا امورات شخصیه‌ات‌را بظهور من حواله نمیکردی وبرای یکمقصد
جزئی هزاران وسایل متشبث میشدی وهزاران درهای مردم‌را
میکوبیدی چندین فرسخها طی مسافت میکردی اما در نصرت
یك مؤمن و گرفتن دست یك نفری منتظر ظهور من شده

واصلاح انرا بظهور من حواله نمودی وامورات نوعیه‌را حواله بتقدیر
وقضاء الهی ودر امورات شخصیه ازقضا وقدر غفلت میکردی وایهٔ
(لیس للانسان الا ماسعی) وحدیث (من جد وجد) راتند تند میخواندی
وسعی واهتمام خودرا اسباب اصلاح قرار میدادی باری شد
انچه باید بشود مبتلا شدیم بانچه باید بشویم حالا باید بفکر علاج
باشیم اگر میخواهید که از حضیض ذلت باوج عزت وازمقام
بندگی بمقام سیادت برسید وازچنگال خصم بیرحم جهل نجات
یابید وباعلی درجهٔ سعادت نایل شوید وحقوق وشرف خودتانرا
محفوظ بدارید وازتعدیات وخطرات اجانب محروس باشید وباملل
متمدنه همسری نمائید بلکه برتری داشته باشید ومانند ملل مترقیه
مترقی واصلاح خرابیهای ملك وملترا بنمائید بلکه ممالك ازدست
رفته‌را هم بدست اورید چنگ بدامان معارف بزنید مکتب بازکنید
اطفال خودرا که درانیه رجال مملکت خواهند شد درمکاتب که
کارخانهٔ ادم سازی است بگذارید چارهٔ کار منحصر است بمعارف
(رهچنان روکه رهروان رفتند) خداوپیغمبر ما را ترغیب وتحریص
بمعارف فرموده (هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون)
(اطلبوا العلم من المهد الی اللحد) (اطلبوا العلم ولو بالصین)(طلب
العلم فریضة علی کل مسلم ومسلمة) همهٔ ملل از برکت معارف پیش

امدند وازاین رو ترقی کردند وشرق وغرب عالم‌رادر تحت ظل سیادت خود دراوردند ملتی که معارف ندارد بر استقلال انها فاتحه باید خواند چنانچه بر استقلال ما مسلمانها خوانده شده امروز یك دولت باسم ورسم سیصد وپنجاه مسلمان دولت عثمانی است که اوراهم دول صغار بالکان بمساعدت سایر دول اوروپا از خاك اوروپا میخواهند بیرون کرده بجای بیرق اسلام بیرق خاج بلندومساجد مارا کنیسه میخواهند بنمایند امروزه اگرما مسلمانیم درمساعدت وهمراهی این دولت معظمهٔ اسلامی سر ازپا نشناسیم و ازبذل مال واعانه مضایقه نکنیم اللهم انا نشکوا الیك فقد نبینا وغیبة ولینا وقلة عددنا وکثرة عدونا وشدة الفتن بنا ففرج ذلك اللهم بعدل تظهره و امام حق نعرفه وايد دیننا دین الاسلام ودولتنا دولة الاسلام وانصر عساکر الاسلام ووفق حماة الاسلام واخذل اعداء الاسلام وشتت شمل المحاربین وایانا من دول البلقان واغفر لنا ولوالدینا ولوالدی الحاضرین وارفع درجات الماضین لاسیما ایات الله العظام الطهرانی والخراسانی والمازندرانی انار الله برهانهم بحق محمد واله وبحق سورة المبارکة الفاتحه مع الصلواة

(تمت طبع الخطابه فی شهر محرم سنة ۱۳۳۱ هجری)

بسمه تعالی

چون بعضی ازقارئین کرام بر جغرافیای بلاد وممالك اسلامیه که دراین خطابه ذکر شده بلکه براسامی بعضی از انها هم اشنا نبودند محض اطلاع ایشان باعدم وسع وضیق مجال اشاره اجمالیه برجغرافیای این بلاد وممالك نمودم از انجائیکه ازاهل این فن واز رجال این میدان نیستم استادان این علم ازخطا وسهوم غمض عین خواهند فرمود

(الاحقر میرزا محمد رحیم بلبله بادکوبهٔ)

(جزائر قناریه) جزائر مجتمعه ایست دربحر اطلانتیك در مقابل ساحل غربی افریقا از مستملکات دولت اسپانیا نزدیکترین جزایر بساحل (۹۰) ودورترینش (۳۰۰) کیلومتر است پیش رومانیهای قدیم به (فورتوناته) وپیش عربها معروف به جزائر خالدات است طایفهٔ ازحکما دراینجامقام گرفته مبدء طول بلادرا ازاینجا اعتبار مینمودند وعلم نجوم دراین جزائردرنهایت ترقی بود هفت جزیره بزرگ مسکون وشش جزیره کوچك وخالی دارد مساحت سطحیه مجموعش (۷۲۷۳) کیلو متر مربع واهالیش (۲۵۸۵٦٤) است اراضی این جزایر برکانی است غالبا بلندیها وتپه‌ها مشتعل میشوند بلکه گاه گاه اتش

فشانی میکنند در قرن ۱۵ میلادی اسپانیها باین جزایر مستولی شده همان مظالم وتضییقات متعصبانه ومعاملهٔ که باعربها و مسلمین دراندلس وقرطبه وغرناطه کردند باعربهای این جزائرهم کرده عربها هم باین فشارها تحمل نکرده درمدت قلیل جزایر را ترك کرده باقی ماندهاازجهة عدم تمکن ازمسافرت ازترس جان خود خون پاك عربیترا باخون نجس اسپانیولیها مخلوط نموده ازمیان رفتند رفتند که رفتند حیف کهرفتند ومااقلا تاسف خالی براین رفتنها نمیکنیم

(مراکش) در شمال غربی افریقا سلطنت مستقله اسلامیهٔ بود که ازنفاق داخلی وجهالت اهالی و بواسطهٔ مداخله فرانسه امسال استقلال خودرا وداع گفته نقشهاش از خریطهٔ عالم اسلامیت محو گردید اوروپائیان اورا بغلط (ماروق) اش گویند ودر نزد جغرافیون اسلام معروف به (مغرب اقصی) است حدودش ازطرف جنوب محدود است به صحرای کبیر ازطرف شمال به بحر ابیض متوسط از طرف شرق بهالجزائر واز طرف غرب به بحر محیط اطلانتیك (مساحت سطحیهٔ) اش تقریبا (۸۰۰) هزار کیلو متر مربع نزدیك ترین نقاطش باوروپا بوغاز جبل طارق است وازسواحل بحر

سفید و اطلانتیك (۱۷۰۰) کیلومتر حصه دارد (نفوسش) متجاوز از (۸) ملیون است (۲۰۰) هزار یهودیی (۱۵۰) هزار اوروپائی باقی عموما مسلم مالکی مذهب‌اند

لسان عمومی و ادبی‌شان عربی‌است بعضی ازقبائل بربر که نیم مستقل وازاهالی اصلی مراکش‌اند بلسان بربر درمابین خود تکلم کنند لیکن همه بلسان عرب اشنا هستند (پای تختش) دوتااست سلطانش گاه درفاس که صدهزار نفوس دارد مینشیند گاه درمراکش که ۵۰ هزار نفوس دارد اهالی ازمعارف وصنایع محروم‌اند دروس درمدرسه‌های انجا منحصر بعلوم دینیه وادبیه است اگر کسی بغیر ازعلوم دینیه وادبیه هوس کرد انوقت بتحصیل علوم موهومهٔ نجوم وکیمیا که بدرد دین و دنیا نخورد مشغول میشوند در مکاتب قدیمه (مثل مکاتب قدیمه نجف اشرف کهالان هم درگوشه‌ها وحجرات صحن مطهر علی بن‌ابی طالب علیه السلام و مساجد موجود است) غالبا به‌ختم قران شریف وتعلیم خط اکتفا می‌کنند واین قسم‌ازمکاتب هم‌مخصوص شهرها وقصبه‌ها است قسم اعظم اهالی ازاین مقدارهم محروم‌اند بااین قربشان باوروپا وبااینکه فن طباعت پانصد سال‌است‌اختراع شده یك‌مطبعه ندارند که دراو کتاب یاجریده ومجله طبع بکنند

وبااینکه مردمان جنکی وشجاعند وازاوروپا جلب همه‌جور الات حرب برای ایشان درکمال سهولت است غالبا الات دفاعیه شان منحصر به‌شمشیر ونیزه وتیر وکمان است اگر ترقی بکنند تفنک های چاقماقی قدیمی‌است وعدهٔ قلیـلی هم مسلح به‌تفنگهایـے جدیداند

تمام مملکت به نام (عملات) به (٤٤) ایالت مقسم است از دویست وپانصد سال باین طرف درتحت حکومت شرفاء (فلالی اداره میشود دراحوالــــ مهمه برمجلس استشارهٔ که مرکب از علماء ومشایخ واعیان مملکت وسرکرده‌گان قوشون و موسوم به (اية الاربعين) است مراجعه میشود

حکام بـلادهم صفت والی کری وهم صفت قوماندانی‌را حائز میشوند غیر از محاکم شرعیه محکمه وغیر ازقاضی حاکم نداوند مقر ومرکز قاضی القضات درفاس است

واردات املاك خاصـه (سلطان که‌تقریبا سالی ۱۳ ملیون‌فرانق است) به‌محل‌موسوم به (دارالخزانه) گذاشته میشود (مصارف سنویه) سلطان ٥٠ ملیون فرانق‌است واردات خاصه سالی هفت ملیون زیادتر ازمصارف‌است

معاش ومخصصات ولات وقضات وسـایر مامورین باین حساب داخل نیست اینها برای اداره خود شان مالیات و هدایای علی حده میگیرند گذشته ازاینکه برجوامع

ومدارس وسایر موارد خیرات از طرف حکومت چیزی داده نمیشود فضلهٔ واردات اوقاف را هم کرفته برخزینه میگذارند

شش صنف عسکر دارند یکی موسوم به (بخاریـے) است که‌عبارت از ٥ هزار سوار مخصوص زنجی‌است که بالوراثة بر محافظه حکمداران مامور ودرمعیت ایشـان میباشند (دوم) موسوم به (مخزنی) است که عبـارت از ٢٥ هزار سوارند که‌ایشان هم بالوراثه عسکر مخصوصی هستند که‌علامات مخصوصـه دارند (سیم) عسکریست که‌بقرعه گرفته میشود که‌عبارت از شش‌هزار وسیصـد نفر پیاده نظامی است (چهارم) بمقدار ۸۰۰ نفر طوپچی‌اند (پنجم بمقدار نهصد نفر عسکر بحری‌اند (ششم) عسکر نفیرعام‌است که درهنکام حرب جمع میکنند وتا سیصد هزار میتواند بالغ بشود تمام این عساکر ازتعلیم عسکری ونظامات جدیده محروم وباتفنگهای چاقماقی وسوزنی مسلح‌وغیر از جسارت فطریه هیچ مزیتی ندارند (ازجهت‌احوال تاریخیه) این مملکت درازمنهٔ قدیمه باممکلت الجزائر وتونس وطرابلس محل سکنای قبائل بربر بوده که‌یك نحو استقلالی داشتند فیقیون در جهة تونس شهر (تاوناج) را تاسیس نمودند

قاوناجی‌ها اگرچه سواحل مراکش‌را به‌حیطه تصرف‌خوددر

اوردند لیکن ازدخول بداخل مملکت محروم ماندند وچهل دوسال بعد ازمیلاد رومانها همه را تصرف کرده درقرن پنجم میلادی اقوام وحشیه واندال ازاسپانیا بافریقا عبور کرده تمام مراکشرا ضبط نمودند بعدازان تحت حکمرانی امپراطوری روم قسطنطنیه درامد درزمان معاویه بسرداری عقبة بن نافع ازطرف والی مصر عمرو بن العاص بدست غازیان ومجاهدین اسلام مفتوح گشته ازان روز تاامسال شمس تابان دیانت حقه محمدی صلی الله علیه واله اقطار و اکناف مغرب اقصی را شعشعه انداخته زوایا و خفایای ممالك بربروا بنور خود منور فرمود ودول اسلامیهٔ (ادریسیهٔ اول) (مکناسیه) (ادریسیهٔ ثانیه) (مغراویه) (مرابطیه) (موحدیه) (مرینیه) (وطاسیه) (سعدیه) (فیلالیه) بترتیب دراین مملکت سلطنت نموده اند آخرین سلطنت سلطنت فیلالیه بود که بهمت وغیرت مولی محمد تاسیس وبه سست عنصری مولی حفیظ سلطان هیجدم فیلالیه منقرض گشت وامروزها دولت فرانسه مولی یوسف را صورتا بر تخت مراکش جلوس داده اند لیکن سایر رؤسا، ومشایخ بر سلطنت او و مداخله فرانسه راضی نشده محاربه درهر طرف بلاد مراکش قائم است تاخدا چه خواهد تفصیل درجراید ومجلات وتلغرافات

بسمع قارئین کرام میرسد وازخاك مراکش دولت اسپانیول بلاد (ملیله) و (سبته) رادرساحل بحر ابیض غصب نموده است ازشدت تاثر واحتراق قلب ازانقراض انقلال این دولت اسلامی ازدایرهٔ اختصار واجمال که وعده شده بود که بیرون نرویم بیرون رفتیم

(الجزایر) مملکت بزرگی است اسلامیه از ممالك بربریه محدوداست شمالا ببحر سفید غربا به مراکش شرقا به تونس جنوبا به صحرای کبیر مساحت سطحیه اش تقریبا (۸۹۰) هزاراست نفوسش متجاوز ازچهار ملیون ونیم ازاین مقدار قریب به (۱۳۰) هزارش فرانسه (۱۱۵) هزارش سایر اوروپائیان (۱۳۵) هزارش یهودی از سکنه قدیم الجزایر وباقی عرب وبربراند که عموما بحمدالله مسلم وبلسان عربی متکلم اند اگرچه بعضی از قبایل بربر بلسان اصلی تکلم میکنند لیکن بزبان عربی هم اشنا هستند مرکزش هنام مملکت شهر (جزایر) است که (۹٦٥٤۰) نفوس دارد هنگامیکه جزائر درتحت اداره دولت علیه عثمانیه بود طایفهٔ از ترکها که بانجا مهاجرت نموده نسلشان را باعربها مخلوط کرده بنام (قول اوغلی) یك طایفه تشکیل دادند که خدمت عسکریه بعهدهٔ اینها بود فرانسه هم ازان طایفه باسم (ترقو) یك صنف عسکر تشکیل داده

وامروزه که الجزایر بدست فرانسه است بر سه ایالت جزایر قسطنطینه وهران منقسم شده هفده قضا وسیصد ودو ناحیه را جامع است آثار دول اسلام از ابنیه ومساجد وحمامها واسواق تاحالا باقی است (معارف وصنعتیکه بر مسلمین مخصوص است همان قسم است که دو مراکش عرض شد لیکن این ایام از طرف فرانسه در ایالت الجزائر و قسطنطینه دو مکتب بزرگ که در او بلسان عرب وفرانسه علوم وفنون جدیده تدریس میشود تشکیل شده است ودر ایالات ثلثه مکاتب متعدده ابتدائیه (ذکوریه) اناثیه) ورشدیه باز و در جزائر یك مکتب اعدادی ویك مکتب عالی طبی وجراحی بادو جمعیت علمیه یکی برای کشف آثار عتیقه ویکی برای تحقیق تاریخ طبیعیه موجود ویك جمعیت علمیهٔ دیگری هم برای کشف آثار در قسطنطینه میباشد واسکله های منظم دارد که تجارت سنویش بیشتر از سیصد ملیون فرانق است که دو ثلث او ادخالات ودو ثلث دیگرش اخراجات چهار خمس تجارت اتش با فرانسه یك خمسش بباقی دول است ومتجاوز از (۲۵۰۰) کیلومتر خط آهن دارد وگذشته از داخل مملکت بر سواحل فرنسا وسایر دول اوروپا خطوط تلغرافیه شان بسیار است ادارهٔ عسکریه وملکیه وقوه بریه وبحریه از طرف دولت فرانسه بر یکی از امرای عسکریه

بصفت والی و قوماندانی عمومی تفویض میشود برای تشویق مهاجرین از مهاجرین ویرگوی املاك نمیگیرند از اهالی اسلام عشر ورسم اغنام گرفته میشود عشایریکه دوست در تحت انتظام نیامده مالیه مقطوع باسم (لازمه) بحکومت فرانسه میدهند همان طوریکه عشایر عنیزه وشمر بحکومت دولت علیه عثمانیه میدهند (مسلمین قضات را از خودشان انتخاب نموده بتصدیق حکومت میرسانند نظیر برادرهای قفقازی خودشان یا بهتر از انها درمرافعاتیکه درمابین خودشان واقع میشود درمراجعه به محکمه فرانسه واداره قضاوت مختارند

از تاریخ (۱۸۷۰) میلادی که یهودان انجا مذهب فرانسه را قبول کردند از حقوق مدنیت متمتع وحق انتخاب را حائز شده اند اما بیچاره مسلمانها واهالی اصلی آن مملکت بالمره از حقوق مدنیت وانتخاب محروم ودر مملکت خودشان بدتر وذلیلتر و کمتر از یهوداند این قاعده را باید از غرایب ونوادر قانون مساوات اوروپائیان شمرد ان مسلمان هائیکه از ایرانی وعثمانی وعیتی دول اوروپا ارزو میکنند برمعامله دولت فرانسه که خودرا اول دولت متمدن وطرف دار عالم انسانیت میدانند بامسلمین تماشا کنند وواردات سنویه جزائر (۴۳) ومصارفش (۵۳) ملیون فرانق است (تاریخ جزایر تاریك است همین قدر

ازاول محل سکنای اهالی بربر بوده احتمال میرود که اهالی جزائر ازفلسطین ویمن وسایر جهات شرقیه بانجا هجرت کرده باشند درتاریخ ۸۷۸ قبل المیلاد همشیره حکمدار فنیقیه به‌تونس هجرت کرده دولت جمهوری (قرتاج) را تشکیل نموده بعد ازاینکه جزیه بده حکمداران بربر بود کم‌کم قسم معظم (جزایر) را به‌تصرف خود دراورده بعدازان مدتی درتحت حکمرانی رومانیها وزمانی درتصرف (واندال) ها بود وقتیکه نوبه حکمرانی بامپراطور قسطنطنیه روم (یوستنیانوس) رسید در دورهٔ این امپراطور انوار اسلام درشرق وغرب عالم تابیدن گرفته غزات وجوانان اسلام نه‌تنها جزائر را فتح نموده بلکه تمام ممالک سواحل شمالی افریقارا بحیطه تصرف دراورده تاساحل غربی دریای اطلانتیك تاخت اورده‌حتی مجاهدین غیور باشمشیرهای برهنه دردست سواره تاسینهٔ اسب توی بحر اطلانتیك فرو رفته بصدای بلند ورسا گفتند حیف که‌بدریای بیکران رسیدیم دیگر درجلو ما خشکی ومملکتی نیست که بقوه شمشیر ابدارمان فتحش بنمائیم وزمام امور این مملکت دردست دول اسلامیه (اغلبیه) (صنهاجیه) (مرابطیه) (موحدیه) (زیانیه) به ترتیب میگردید تانوبت به‌دولت عثمانیه رسید ودر عهد

سلطان سلیم خان (که‌دونما واسطولهای دولت قوی شوکت عثمانی که سواحل بحرا ابیض‌را درنوردیده وبلرزه دراورده وصدای سوت ونعره‌هایش گوش دشمن را کر ودود آتش توپهایش چشم اعدارا کور کرده بود) بقوهٔ قهرمانهای بزرگ بحریه عثمانی (بابا اوروج) وبرادرش (بارباروس خیرالدین) بعد از غزوات زیاد وکشته شدن (بابا اوروج) بیرق عثمانی ازطرف دولت علیه درالجزائر بلند گردید درسنهٔ (۱۸۳۰) مسیحی بواسطه اغتشاش داخله وراهزنی اهالی بر جهازانیکه از سواحل جزائر عبور میکرد دولت فرانسه با قوهٔ کافی هجوم اورده درمدت سه سال بعض سواحل واسکله هارا ضبط کرده درایالت (وهران) ازشرفاء امیر عبد القادر (رحمه الله) باقوهٔ که‌از مجاهدین تشکیل داده بود بردفع فرانسه قیام نموده درچندین محاربه‌اش فرانسه‌هارا مغلوب کرده دولت فرانسه مجبور بر تصدیق امیری او گشته حضرت ایشان هم تلمسان را مرکز امارت قرار داده بعد ازاینکه سعی واهتمام فرانسه هارا دراستحکامات وازدیاد قوه وعسکر دیدند ازسرنو بافرانسه‌ها بر حرب شروع نموده اززیادتی قوهٔ فرانسه مجبور شد که خودرا برخاك مراکش بکشد وباامیر مراکش که ازاقوام خود بود متحد شده

قوه که بتوانند فرانسه‌را ازجزایر بیرون بکنند تشکیل دهنـــد بعداز تحصیل این اتحاد وتشکیل متعاقبا امیر مراکش (بابجسمه بی‌غیرتی وبی‌ناموسی وبی‌شرفی بواسطهٔ بعضی ازخیالات وتوهمات باطله که‌دوکله‌اش جای‌گیر شده بافرانسه‌هامتحد گشته بیچاره‌امیر عبد القادررا (که معدن شجاعت وفتوت وناموس بود و تاریخ جزائر بنام نامی اش تا قیامت افتخار خواهـــد نمود) تنها گذاشته در (١٨٤٧) این‌امیر باشرف مجبور برتسلیم گردیده ازان تاریخ تمام جزائر درتحت نفوذ فرانسه درامـــد و سیادت اسمی دولت عثمانیه براو باقی و رسما تصدیق نفرموده بود که ملك فرنساوی‌هااست تاپارسال ناچار اوراهم تصدیق کرده این مملکت هم مثل سایر بلادیکه ازدست ما رفت جهة‌تطویل دراین مقام هم همان جهة است که‌در مراکش عرض شد

(تونس) مملکتی است ازافریقا درسواحل بحر ابیض که از طرف شمالـــ وشرق بحر سفید وازشرق جنوبی به‌طرابلس غرب وازطرف‌جنوب به‌صحرای کبیر وازطرف غرب به‌جزائر محدوداست (مساحت سطحیه‌اش) (١٢٠) هزار کیلومتر مربع و (نفوسش) بیشترازدو ملیون‌است واهالی‌ازعرب وبربر غیر از ٤٥ هزار یهودی و ٢٥ هزار اوروپائی تماما مسلم

ومتکلم بلسان عربی مگر بعضی از قبایل بربر که بلسان عربی باز اشنا هستند

ودرمعارف وصنعت مثل اهالی مراکش متاخراند فقطازمکاتب جدیده یك مکتب عالی‌است که‌ازطرف اجنبیها وراهب‌ها اداره میشود وچند عدد مکتب فرانسه وایتالیا هم هست وحکومت یك مطبعه دارد که‌یك جریده رسمی باچندین جریدهٔ غیررسمی بابعضی ازکتب عمومیه دراو چاپ میشود (مقر امارت) شهر تونس‌است که ١٥٠ هزار نفوس دارد

(اصول اداره)اش بعد ازانکه درتحت تبعیت دولت علیه عثمانیه داخـل شد در (صورت ممتازه) اداره میگشت و بر امیراش که‌ازطرف ینکچری‌ها انتخاب وازطرف باب‌عالی تصدیق وتعیین میگردید(دای) اطلاق مینمودند چنانچه حالا ازامـــیر تونس (بای) تعبیر میکنند بعد ازان امارت ارثی شده باکبر وارشد اولاد منتقل میشود اگرچه بایها ووالی‌های تونس مالیات معین ومقرری بر دولت عثمانی نمیدادند لیکن هروالی که جلوس مینمود هدایای گرانبها برمقام خلافت تقدیم و فرمان نصب از استانبول فرستاده شده خطبه و سکه بنام خلافت عثمانی بود ودرهنگام حرب ازتونس عسکر خواسته میشد دولت فرانسه

بعد ازضبط جزائر باین خاك پاك طمع کرده در ۱۸۸۲ میلادی بتحت اشغال خود دراورد امروز (بای) اگرچه اسما حاکم بالاستقلال داخلی خودش است لیکن بدون مراجعه بر حاکم عامیکه ازطرف فرانسه‌ها درمقر امارت نشسته است اقدام بر امری نتواند بکند اسما تاامروز سیادت دولت علیه بر تونس باقیست وهنوز مثل الجزائر سیادت فرانسه‌را بر تونس قبول نکرده اگرچه دول اوروپا تصدیق نموده‌اند (ادخالات سنوی) تمام تونس (۳۲) اخراجاتش (۲۱) ملیون فرانق است

سنوی پنج و شش هزار کشتی براسکله‌های تونس امد وشد میکنند بیشتر از پانصد کیلومتر خط اهن دارد و یوما فیوما مشغول تمدید خطاند بواسطهٔ تلغرافهای تحت البحری که بر (سار دینه) و سیجیلیا و (مارسیلیا) و (مالطه) کشیده شده براوروپا مربوط است وبراسکله‌ها وداخل مملکت هم خطوط تلغراف دارند ومراکز پسته و تلغراف متجاوز از سی عدد است (واردات سنویه) اش ۲۹ ملیون و نیم ومصارفش (۲۷) ملیون و (۹۰۰) هزارفرانق (دیون عمومیه) اش (۱۴۲) ملیون ونیم فرانق است که این دیون را هم دولت فرانسه قبول کرده وبر عهده گرفته بود وقبل از

تسلط فرانسه تونس ۳۰۰۰ عسکرمنتظم و ۱۲۰۰۰ غیر منتظم وچهارقطعه سفینه حربیه وهزار عسکربحریه وهشتصد نفر ژاندرمه موجودداشت ودرحین حاجت ازقبائل وعشایر سواره وپیاده چندین برابر عسکر موجودی خود میتوانست حاضربکند بعد ازتسلط فرانسه تمام این عساکر متفرق شده فقط مخصوص برشخص (بای) یك طابور پیاده « ۱ » ویك بلوك سواری « ۲ » ویك بطاریه‌طوپ « ۳ » معین شده‌است وازفرانسه‌ها دوشهر تونس سه الای پیاده « ٤ » ودوالایی سواری ودو بطاریه طوپچی هست سفائن حربیه تونس هم لغو شده محافظهٔ

« ۱ » طابور مخفف طابقور و لفظ ترکی قدیم است وعبارت ازعربه هائی است که ازچهار جانب برای استحکام بشکل مربع مرتب شده مابینشان بازنجیر بسته شود وبرعسکر هم که این شکل‌را بگیرد اطلاق میکنند ودراصطلاح امروزه عبارت ازهزار عسکر است

« ۲ » بلوك عسکری است مرتب ازصد نفر

« ۳ » عبارت از شش توپ است بالوازماتش

« ٤ » الای قوه‌ایست مرکب از چهار طابور پیاده یا ازپنج بلوك سواره

سواحل برعهدهٔ دونمای فرانسه‌است

(اما احوال تاریخیه تونس) ازجهة حکومت اهلی بربر که‌اهالی قدیمی انجا هستند درتاریخ چیزی ذکر نشده همین قدر چندقرن قبل ازمیلاد جماعت کثیرهٔ ازفینیقیین بوتونس مهاجرت نموده شهر (قرتاج) یا (قرطاجنه) را باسایر بلاد وقصبات تاسیس کرده یك سلطنت قویه جمهوریه درتونس تشکیل دادند وجزایر سچیلیا وسائره‌را باخیلی از بلاد اسپانیا ضبط نموده بعد ازچندی در دست دولت جمهوری روما مغلوب شده در ۱٤٦ قبل المیلاد دولت قرتاج منقرض کشته تمام ایالت تونس به تحت حکمرانی دولت رومادرامد بعد ازاینکه درقرن سیم میلادمذهب عیسویت دراین بلاد شیوع پیدا کرد بعد ازچندی جنك مذهبی (مثل جنك سنی وشیعی دراسلام) درمابین اینها در گرفت بردولت روما فتور وضعف بزرکی عارض شده امپراطوری روما بواسطه جنکهای خاکی بامپراطوری شرق وغرب منقسم کشت وازاسپانیا طایفه (واندال) با ۹۰ هزار ازدریا عبور نموده در (٤۳۰) مسیحی تونس وقرطاجنه‌را ضبط کرده در ۵۳۹ میلادی امپراطور روم (بلیزار) بر سلطنت واندال ختام داده دوباره بلاد تونس‌را برامپراطوری روم الحاق نمود درخلافت

عثمان بسرداری عبدالله بن ابی سرخ شمس منیر اسلام بلاد تونس‌را منور ساخت وبعد از ان بترتیب دول اغلبیه صنهاجیه مرابطیه موحدیه حفصیه تازمان دولت عثمانیه درتونس حکمرانی کردند وقتیکه دولت حفصیه در ۹۸۱ ه بدست دولت علیه عثمانیه منقرض شد واخرین پادشاه حفصیه محمد حفصی را سردار لشکر عثمانی سنان پاشا اسیر کرده برای سلطان سلیم فرستاد ودرحبس استانبول وفات نمود ومملکت تونس جزء بلاد دولت عثمانیه گردید وسنان پاشا هنگام عودتش براسلامبول یك قوهٔ مرکب ازچهار هزار عسکر ترکی درتونس گذاشت وبرای هرصد نفر یك امیری موسوم به (دای) وبرای جبایه اموال وخراج امیر لوائی موسوم به (بایی) معین وخطبه وسکه‌را باسم سلطان سلیم مقرر نمود وازنظاماتیکه درتونس گذاشته بود یکی این بود که‌بنام (دیوان) از ضباط ینکیچری یك مجلس تشکیل داد که والی‌هائیکه ازطرف باب عالی منصوب میشدند بومشورت این مجلس مجبور بودند وازاعضاء این‌دیوان یك ضابطی بعنوان (دای) رئیس انتخاب میکردند این دای‌ها کم کم صاحب نفوذ واقتدار شده در حکمرانی والی‌ها مداخله میکردند در ۹۹۹ هجری عسکر بواسطه قحطی که‌رخ نمودعصیان

کرده (دائی) ها جمع شده یکی از دایها را برای قیادت جیش انتخاب نمودند بعدازان دائی دیگر تا نوبت بانتخاب (حسین بای) مؤسس دولت حسینیه حالیه در تونس رسید واز دولت حسینیه ۲۴ نفر بای در تونس در تحت حمایهٔ دولت عثمانیه و فرانسه حکمرانی نموده و بای حالیه (سیدی محمد ناصر بای) حکمران پانزدهم است در عهد (محمد صادق بای) حکمران دوازدهم تونس دولت فرانسه بعنوان حمایت فرانساویین و قمع ثورهٔ اعراب بر تونس احتلال نموده محمدصادق بای هم بر حمایت فرانسا اعتراف نمود وازان روز فرانسه صاحب حل وعقد گشته برای بای فقط اسم خالی باقی ماند

(طرابلس غرب) اه اه اه اسم طرابلس غرب (که ماه گذشته هلال اسلامی ازافقش غروب نمود) جگر هر مسلم ووطن پرست را کباب وداغدار ودلش را خراب وبی قرار وچشمش را مثل سیلاب اشکبار مینماید اسم این مملکت اسلامی هم مثل مراکش و سائره از خریطه ممالک اسلامیه محو گردید بعد ازانکه دولت طماع ایطالیا بی جهة بروما اعلان حرب نمود وبعد ازان همهٔ خون ریزی ها و فدا کاریهای سرداران ترک وامراء وشیوخ عرب وثبات قدم شیخ سنوسی مدت یک سال

تمام درمقابل مثل دولت ایطالیا (که از دول ستهٔ معظمهٔ اوروپا است) دولت علیهٔ عثمانیه مجبور بر ترک این مملکت جسیمه گردید زیراکه بواسطهٔ اشغال ایطالیا جزایر بحر سفید مارا وعدم تمکن دولت ازمقاومت بجهة ضعف قوهٔ بحریه وسد نمودن حکومت مصر سوقیات طرابلس را بروی دولت خود دولت عثمانیه برای خاطر وخوش آیند انگلیز وحال آنکه مملکت مصر جزء ممالک دولت علیه وعسکر مصر عسکر دولت علیه است دولت علیهٔ غیر ازاغماض ازاین مملکت بشرط تخلیهٔ ایطالیا از جزایر بحر سفید وقبول نمودن دیون عمومیه انجا چاره ندید

نمیدانم درظرف این دوسه سال بخروج بلاو ازتحت سیادتمان بنالیم یاازورفتن بوسنه وهرسک بسوزیم یاازدست دادن طرابلس غرب سینه چاک کنیم یاازخیال تقسیم دول بالقان اوروپای مارا بخه پاره بگنیم یابرای درد بیدرمانی که ایران مبتلا گشته است سنگ برسینه زنیم ولباس ماتم بپوشیم یابر انقراض دولت مراکش ناله براوریم واشک حسرت وخونین ازچشم بباریم بالاخر ازهمهٔ اینها از غفلت وجهالت وبی حسی مسلمانان عالم خاک عالم برسر بریزیم وناله واذلتارا بفلک الافلاک برسانیم

اگر دردم یکی بودی چه بودی § اگر غم اندکی بودی چه بودی

باری مملکت طرابلس مملکتی است اسلامیه وجزء ممالك بربریه واز بلاد شمالی افریقا اگر چه خطه برقه گاه تابع طرابلس گاه بصورت ولایت مستقله گاهی مثل اواخر حالش بصورت متصرفی مستقل اداره شده لیکن ازانجائیکه طرابلس در اصطلاح جغرافیین اورا هم شامل است ماهم در بیان حدود ومساحت و سواحل طرابلس اورا داخل خواهیم نمود مساحت سطحیهٔ طرابلس ۱۲۰۰۰۰۰ کیلومتر مربع نفوسش تقریبا (... ۱۵۰) است تمامش اصلا بربر وبعد از فتوحات اسلامیه مسلم مالکی مذهب متکلم بلسان عرب و ۳۰۰۰۰۰ ازان نفوس در خطه برقه است (که مرکزش بنغازی است) باقی در طرابلس غرب است (که مرکزش همنام خود طرابلس است که ۳۵ هزار نفوس دارد) تاریخ احوال ابتدائیهٔ طرابلس که در دست اهالی اصلیه بربر بوده مجهول است چند قرن قبل از میلاد فنیقیین وقرتاجیین نفس طرابلس را ویونانیین جهة برقه را مهجر اتخاذ نمودند

ودرجهة طرابلس سه شهر بنا کرده باین بلاد ثلثه (تریپولیس) نام دادند که بلسان یونان عبارت از بلاد ثلثه است وطرابلس معرب او است

ودرجهة برقه یونانیها پنج قصبه تاسیس کرده (پنداپولیس)

نامش دادند بعد از انقراض قرتاجیین جهة نفس طرابلس بدست حکمداران بربر افتاده جهة برقه هم بتصرف (بطالسه) درامد بعد ازان رومانیها هردو را تصرف کرده طرابلس غربرا باقسم شرقی تونس و جزائر (افریقا) نامش دادند وازاینجا عربها هم (افریقیه) تسمیه‌اش نمودند بعد ازان در تحت حکمرانی امپراطوران قسطنطینیه روم درامدند درزمان خلافت خلیفهٔ دویم پیغمبر اکرم علیه السلام بدست عقبة بن نافع فتح گردید در دست (بنی امیه) و (عباسیه) و (اغلبیه) و (فاطمیه) به ترتیب اداره گشته گاهی حکومتهای کوچك درانجا تشکیل شده است اسپانیولیها بعد از اخراج مسلمین از اسپانیا وتصرف سواحل افریقا سواحل طرابلس را هم تصرف کرده بعد ازان برشوالیه‌های مالطه ترك نمودند درعهد سلطان سلیمان خان قانونی بسرداری طغورت پاشا ازشوالیه ها استرداد شده ملحق بممالك اسلامیه عثمانیه گردید تا چهل وپنجاه روز قبل بیرق اسلام ازسواحل این بلاد پائین امده بر جای او بیرق صلیب بلند گردید وداخله این مملکت فعلا درتحت اداره شیوخ عرب مستقله است اگر ایتالیا کم کم مثل سایر اوروپائیان برداخله بلاد نفوذ یاتصرف نکند (لااراناالله ذلك الیوم)

مصر مملکتی است اسلامی

دوکوشهٔ شمال شرقی افریقا واقع کشته ازراس شمال شرقی براسیا وصل است قدما یونان بر این مملکت (اکوبتوس) و بر اهالی قدیمه‌اش مثل حالا (قبط) اطلاق میکردند لفظ مصر که امروزه مستعمل است ماخوذ از (مصرایم) گفتن عبرانیون است اگرچه بعض ازعلماء بزرك فن جغرافیا ملاسبتی برای تسمیه بنی اسرائیل این مملکت را به (مصرایم) فهمیده است لیکن بعقیدهٔ احقر بمناسبت این است که اول پادشاه مصر است اسمش (مصرایم) بوده است مصریهای قدیم برارض مصر (حام) اطلاق مینمودند این هم بمناسبت امدن حام بن نوح صلی الله علیه واله است ازطرف اسیا بعد ازطوفان بارض مصر ومعنی (حام) درلغهٔ قبطیین بمعنی سیاه است بعضی احتمال داده‌اند که وجه تسمیه‌اش به حام بمناسبت شباهت رنك حام بوده به خاك مصر

(حدود و مساحت ونفوس مصر)

شمالا بحر ابیض غربا به صحرای لیبیا جنوبا به بلاد نوبه شرقا بحر احمر وشبه جزیرهٔ سینا محدود است ساحلش از طرف بحر ابیض ۸۷۰ و از طرف بحر احمر (۱۳۰۰) کیلو متر است مساحت مصر باصحراها ۶۰۰۰۰۰ کیلو متر

مربع وبدون صحراها یعنی فقط وادی النیل ۲۶ هزار کیلومتر مربع است نفوس مصر (۹۷۳۴۴۰۵) است از این عدد (۸۹۷۷۷۰۲) مسلم باقی غیر مسلم است اهالی مخلوط است ازاهالی اصلیه که قبطی وازعرب که فاتح وازترك که عثمانی‌اند غلبه باعرب ولسان رسمی هم عرب است

عاصمه مصر شهر قاهره است که (۵۷۶۴۰۰) نفوس دارد

ونهر نیل که ازبزرکترین نهرهای عالم وبطول ۶۵۰۰ کیلو متر ازشمال بجنوب جاری است ازبلاد سودان ونوبه وحبشه ومصر عبور کرده به بحر ابیض ریخته میشود منبعش از سه بحیره بزرك اقلیم خط استوا ناشی میشود (۱) اوکربوه (۲) موتزیجه (۳) لوتزیجه (معارف مصر) در نهایت متاخر است دراهالی مکتب دیده درصد ۲۰ وازاجانب درصد ۷۴ است عدد مدرسه ۸۹۰۰ که نه عددش عالیست و عدد طلبه دویست هزار ومصرف حکومت برای معارف صد هزار جینه است

ثروت تمام مصر

۱۵۰ ملیون است که بهرنفر درمقام قسمت ۱۵ جینه می‌افتد (مصر در صندوق احتیاطش) هفت ملیون جینه پول داره

(قرض مصر) ۱.۳ مليون جينه است و براى اين قرض سالى چهار مليون ليره تنزيل ميدهد . كشتى هاى تجارتيش را كه سالانه ۱۲۵ هزار جينه واردات داشت بواسطهٔ احتياج بر پول شركت انگليزيه درسنهٔ ۱۸۹۸ مسيحى به ۱۵۰ هزار جينه خريد

قوهٔ حربيهٔ بحريه ابدا ندارد مگر يك اسطول حربى در نهر نيل دارد و بموجب فرامين دولت عليهٔ عثمانيه بيشتر از ۱۸ هزار عسكر در تحت سلاح نتواند بيارد مگر اينكه حاجت و ضرورتى اقتضا نمايد آنوقت بمصلحت دولت عليه هرقدريكه اذن بفرمايد در تحت سلاح در آورد چنانچه در استرجاع سودان در آورد

و رئيس هر فوج يك ضابط انگليزى است مصر اگرچه جزء ممالك عثمانيهٔ است لكن حاكمش كه از طرف دولت عليه لقب (خديوى) دارد در داخله خود مستقل و مطلق است و خديو حاليه اش (عباس حلمى ثانى) خديو هفتم است از نسل محمد على پاشا كه در ۱۸۹۲ مسيحى به تخت نشسته است حكومت مصر قبل از زمان محمد على در دست ولاتى بود كه از طرف دولت عليه معين ميشدند و در عهد محمد على پاشا حكومت مصر در اولاد ذكور صلبى محمد على پاشا بانتخاب بمعرفة سلطان و با شرط رفتن خديو بر آستانه ارثى گرديد ليكن از جميع جهات تابع قوانين دولت

عثمانيه بود و در عهد اسماعيل پاشا امتيازات سعه پيدا كرده حكومت مصر از خود خديو بدون مراجعه بر سلطان بر اكبر اولاد منتقل ميشد و حاكمهاى مصر بر لقب خديوى كه بعد از سلطان بزرگترين منصب ها است و بر وضع نظامات و قوانين داخله و بر عقد و تجديد معاهدات با ماءمور دول اجانب درخصوص گمركات و تجارت و ترقى صنايع و بر تصرفات تامه در امور ماليه نايل شدند

و بر دادن خراج سنوى بمقدار ۷۵۰ هزار ليره عثمانيه و بر دادن عسكر بر دولت عند اللزوم و بر تحصيل خراج باسم دولت عليه و بر عدم استقراض بدون اذن و بر نقش اسم سلطان در سكهٔ پول و بر عدم تزييد عسكر از ۱۸ هزار و بر استيذان از تزييد در حين لزوم و بر نصب رايات و بيرقهاى عساكر بحريه و بريه شاهانه و بر عدم اعطاء بر ضباطها بالاتر از منصب ميرالائى و بر ملكيه ها بالاتر از رتبهٔ ثانيه و بر عدم تنازل از اراضى مصر و ملحقاتش براى يك دولتى ملتزم گرديدند (اجانب تابع قوانين مصر نيستند) محاكمه ايشان نزد قناصل خودشان و در محكمه مختلطه است (طول خط آهن مصر) كه غالبش مال حكومت است (۲۲۲۶) كيلومتر مربع است (طول خطوط تلغراف) (۳۳۹۰) كيلومتر و طول اسلاك (۱۰) هزار

(قنال سویس) که بواسطهٔ او بحرابیض بحراحمر متصل شده است دوعهد خدیو سعید پاشاافتتاح شده‌است (در ۱۸۵۹) شروع بحفرش شده در ۱۸٦۹ تمام گردید طولش ۱٦۰ کیلومتر عرضش مابین ۵۰ و ۱۰۰ متر و عمقش مابین ٦ و ۱۰ متراست مصرف حفرش ۲۰ ملیون فرانق شده‌است

احوال تاریخیهٔ مصر

تاریخ مصر خیلی قدیم‌است بعضی گفته اند که حکمدار اولش که مقدم براو حکمدار نبوده ۴۹۰۰ سال قبل از میلاد عیسی علیه‌السلام بوده وحال‌آنکه ٦۰۰۰ سال قبل‌المیلاد مصر در صورت حکومت منتظمه اداره شده دارای یك مرتبهٔ عظیمهٔ ازحضریت ومعموریت بوده‌است حکمدار مومی الیه بالآخر از قاهره شهر (منف) راتاسیس کرده عاصمهٔ خود قرارداده‌بود اززمان این حکمدار تازمان کیخسرو حکمدار ایران که مصررا ضبط نمود یعنی تا ۵۲۵ قبل المیلاد درمصر بنام فراعنه ۲٦ سلاله امده‌است ومدت‌این‌سلاله‌ها ۳٤۰۰ سال‌بوده‌اهرام‌مصر آثارسلاله چهارم‌است درنهایت سلاله ۲٦ در ۵۲۵ (قابیس) پسر جهانگیر شهیر کیخسرو مصررا ضبط کرده در ۳۳۲ قبل المیلاد اسکندر کبیر داخل مصر شده شهر اسکندریه را

تاسیس نمود بعد از ان دولت بطالسه سیصد سال درمصر حکمرانی کرده درسنهٔ ۵۰ قبل المیلاد رومانیین مصر را فتح وتحت حکمرانی خود در اوردند تادرسال ۱۸ هجری در عهد خلافت عمربن الخطاب مجاهدین اسلام بقیادت عمرو بن العاص داخل مصر گشتند وازان وقت ببعد بترتیب دولت (خلفاء راشدین) و امویه و (عباسیه) و طولونیه و (اخشیدیه) و (فاطمیه) و ایوبیه و (ممالیکیه) تازمان محمدیهٔ علویه امروزه درمصر حکومت کرده‌اند مؤسس حکومت‌امروزه محمد علی پاشا است که از طرف دولت علیهٔ عثمانیه والی مصر بود ومشار الیه ازانجائیکه صاحب اقتدار وکیاست بود زمام اختیار مصررا بدست خودگرفته اصلاحات جدیده درمصربعمل اورده مصررا درصورت (ممتازه) اداره کرده و حکومت مصررا درخاندان خود ارثی نمود وخیلی‌ازجاهارا تصرف‌وبمصر ملحق گردانید : اسامی حکمرانان‌این دولت باین ترتیبست (محمدعلی‌پاشا) ابراهیم‌پاشا (عباس‌پاشا) سعیدپاشا (اسمعیل‌پاشا) (توفیق پاشا) (خدیو حالیه عباس حلمی پاشا) امروزه حکومت مصر ببلاد نوبه ودارفور وکردفان وتامنبع نیل از سودان شرقی وسواحل غربیه بحراحمر وشبه جزیره (سینا)

واز جزیرة العرب جهة مدین را حکومت دارد تمام ممالکیکه در تحت حکومت خدیوی است مساحتش ۲۲۷۱۶۳۰ ونفوسش ۲۱۵۵۴۳۲۳ اگرچه چندسال قبل مهدی نام که مؤسس دولت دراویشیه است جهات نوبه وسودان را از ادارهٔ مصریه مجزی نموده یك دولت مستقله تشکیل داده بود اما در اواخر عساکر مصریه همانجاهارا باز استرداد کرده در سواحل بحر احمر بعضی از جاهارا ایتالیا اشغال نموده وسواحل جزیرة العرب هم در تحت ادارهٔ عثمانیه درامده قائممقامی (الوجه) بولایت حجاز الحاق شده است

صحرای لیبا

جزء حکومت مصر وقسم شرقی صحرای کبیر است ومقداری هم از صحرای بنغازی داخل همین صحراست از طرف جنوب به صحرای کبیر واز طرف شمال به برقه و طرابلس متصل است وواحات زیادی دارد که مشتمل است براشجار ونخیل وزروع که از چشمه ها وچاهها ابیاری میشوند ومشهور ترین واحه ها واحهٔ سیوه است که تابع مدیریت بحیره است وواحات بحریه است که واحات صغیره هم گویند وبلاده (اغادس) در واحه های (آدوار) و (اهیر) واقع است ودر جزء شمالی

این صحرا بحیرات نطرونست که در وادی (نطرون) وعبارت از شش بحیرهٔ صغیره است که ازایشان نطرون یا (کربونات صودا) استخراج میشود یونانیهای قدیم اسم صحرای لیبیارا برجنوب برقه وغرب رود نیل داده بودند لیکن مقدار امتدادش را تعیین نمیتوانستند بکنند بعضی برتمام قطعه افریقا این نامرا میدادند در جغرافیای جدید این صحرا عبارت از قسم شرقی صحرای کبیر است (صحرای کبیر) در وسط نصف شمالی افریقا شرقا بمصر غربا بامحیط اطلاسی شمالا بابلاد مغرب یا بربرستان مثل مراکش والجزایر وتونس وطرابلس وبرقه جنوبا باسودان غربی و سودان اوسط محدود است بیابانی است وسیع قریب بیك ثلث تمام افریقا وبواسطهٔ اختلاف درحدود آن درمساحتش هم اختلاف وتعیین نقطهٔ اخری شمالی وجنوبش درنهایت اشکال است بعضی ازجغرافیون نظر به طبیعت اراضی نموده یك قسمی ازممالك بربریه خاصه (فزان) و (طرابلس) را از صحرای کبیر شمرده بلکه برامتداد صحرا از طرف شرق تابحر احمر میل کرده است نظر براین قول صحرای کبیر بزرکتر ازاوروپا وزیادتر ازیك ثلث افریقا ومساحت سطحیه اش تقریبا ۱۱ ملیون کیلومتر مربع خواهد شد و اکر مصر و

طرابلس را خارج فرض کنیم نه ملیون و نهصد وپنجاه هزار واگر اراضی شبیه بصحرای کبیر را از اراضی سودان وممالك بربر اخراج بکنیم ٦٢٠٠٠٠٠ کیلومتر مربع باقی خواهد ماند (نفوس این بیابان) باین وسیعی تقریبا چهار ملیون واهالی مسلم ومتکلم بلسان عرب ودرحال بدویت زندگی میکنند بسکه ریك زیاد دارد در اصطلاح بعضی‌ها دریای ریگش نامند

ریگهای نرمش درهنگام وزیدن باد بشکل عمود بهوا بلند شده گاه گاه قوافل زیر ریك مانده تلف میشوند گاهی عمود ریگها از صدمتر تا دویست‌متر میرسد وسط صحرا درتابستان در منتهای گرما حتی درجهٔ حرارتش درروز بعضی ازاوقات به هفتاد میرسد چنانچه درزمستان هم برودت در نهایت درجه است - قبائل مشهوره اش سه‌تا است (مغاربه) که درغرب صحرا و (توارك) که نفوسشان ۷۵ هزار است دروسط و (تبو) که نیم ملیون کیلو متر مربع را اشغال نموده‌اند باهمهٔ این ۲۸ هزار نفوس‌اند درشرق صحرا سکنی دارند حاکمهای محلیه‌اش مستقل وتجارت عبید شایع است بااینکه شیوخ اش مستقل است باهمهٔ این ازجزائر وتونس تاسنغال ونیجر وبحیرهٔ شاد که نصف بیشتر صحراست درتحت نفوذ فرنسا درامده

ومقداری هم ازطرف مراکش در تحت نفوذ مراکش بود که چندین ماه قبل استقلالش را برفرانسه سپرد و دولت اسپانی هم درساحل بحر محیط اطلانتیقی میانه (بوجادور) و (راس ابیض) را متصرف است وفزان هم داخل صحراست که جزء طرابلس بود وقسم شرقی‌ان لیبیا جزء مصراست - امروزه منطقهٔ مستقله اش که تمام استقلال خودرا محافظة کرده بلاد (تبستی وبلاد (تبو) است (صحرا) شهر معتبری ندارد و غالبا معموره‌اش قصبه وواحه است که نفوسش بیشتر از ٥ هزار نمیشود

(نوبه مملکتی است اسلامیه)

محدوداست شرقا بحر احمر شمالا بمصر غربا به صحرایی کبیر جنوبا بمدینهٔ خرطوم امروزه جزء سودان مصری‌است مساحت سطحیه‌اش .تقریبا دویست وپنجاه‌هزار کیلومتر مربع‌است ونفوسش یك ملیون عموما مسلم ومتکلم بلسان عرب بندر معتبراش سواکن‌است که‌پنج هزار نفوس‌دارد مرکزومعموره‌اش درساحل غربی نیل قصبه (دمقله) است که ده هزار اهالی دارد درعموم خطه (دمقله) که بطول نیل دویست‌وشصت کیلو متر ممتد شده است دویست وپنجاه هزار نفوس است

نوبه از قدیم الایام گاه کاملا گاه قسما تابع مصر بوده گاهی هم نوبهٔ ها برمصریها غلبه نموده‌اند جغرافیون قدیم یونان نوبه‌را باحبشه (اتیوپیا) میگفتند در عهد خلافت عثمان تاریخ ۲۱ هجری بدست عبدالله بن سعد بن سرح فتح شده اهالی نوبه در مذهب یعقوبیه از نصرانیت باقی مانده صلحا عرض اطاعت بمقام خلافت مینمودند

(مصوع بلده اسلامی‌است)

که ایطالیا مثل طرابلس ازما غصب نموده اصلا جزء خاك حبشه بوده و در ساحل غربی بحر احمر واقع است ۵ هزار نفوس ویك جامع شریف که اصلا کلیسای حبشیهای قدیم بوده دارد این قصبه‌بالای یك جزیرهٔ کوچکی تاسیس شده که این جزیره بواسطهٔ یك سده نهصد متری بر جزیره دیگر وجزیرهٔ دیگرهم بواسطهٔ یك سدهٔ هزار وپانصد متری برساحل افریقا مربوط است واب اشامیدنی این جزیره هم از ساحل با (طولومبه)ها ازروی این‌سده‌ها از ساحل میاید وتماماین انشاآت ازطرف حکومت مصر شده‌است مصوع قصبهٔ محدثیست درهزار وپانصد وبیست میلادیـ پورتغالیها این جزیره‌را ضبط کرده ازطرف دولتهای عثمانی استرداد شده برایالت حبش الحاق

شد واخیرا اداره‌اش برخدیویت مصر داده شده بود وقتی که سودان ازخدیویت مجزی شد ایطالیا بتصویب واتفاق باانگلیز مقداری ازسواحل بحراحمروا ازاقلیم (اریتره) نام اصاب) که از خاك حبشه وجزء حکومت مصریه بوده تصرف کرده ازان جمله مصوع‌را هم ضبط نمودند هوایش در نهایت گرم و درتابستان وقتیکه میزان الحراره در سایه ازچهل درجه بالا میرود هوایش مثل هوای توپـی حمام‌است

جزایر دهلك

(که دربد غاصبهٔ ایطالیااست) جزایری است دربحر احمر در مقابل ساحل حبش در نزدیك مصوع که بزرکتر از همه‌اش موسوم به دهلك‌است وده قریه‌دارد که‌نفوس همه (۱۵۰۰) است بزرکترین قریه‌هاهم باسم‌دهلك موسوم‌است واهالیش مرکب ازعرب ونوبه‌ایست درزمان رومانیها معروف بصید صدف بود وتجار معتبر درانجا سکنی‌داشت امروزها یاصدف ندارد یاصیدش متروك شده است ازانجائیکه هوایش سنکین وکرم‌است در زمان امویه مجرمین را برانجا نفی میکردند این جزایر از خاك حبشه محسوب بود وقتیکه ایطالیا (اریتره)راغصب کرد در جزء انها این جزایررا هم غصب نمود

(حبشستان مملکتی است از افریقا)

که در قسم جنوبی بحر احمر وجهة غربی باب المندب واقع است شمالا با (نوبه) غربا باکردفان و سایر خطهٔ سودان شرقی جنوبا بامالك غالا وسومالی شرقا با اراضی عدل وسومالی محدوداست دراوایل دور اسلام حبش تاسواحل بحر احمر ممتد بود حتی دراواخر که سواحل ضمیمه ممالك عثمانیه گردید سواحل بنام (ایالت حبش) علی‌حده ایالت اتخاذ شده بود کاهی هم تابع جده وکاه تابع مصر بوده‌است امروزه‌احصه عثمانی دوید غاصبهٔ ایطالیا است که (اریتره) اش کویند ومرکزش (مصوع) است سلطنت حبش اکرچه ازطرف شمال وشرق تنك شد لیکن ازطرف غرب وجنوب وسعت پیدا کرد حتی امروزه خطهٔ (شوا) که‌درجنوب حبش واقع شده نظر براینکه درتحت حکمرانی حکومت حبش است جزء مملکت حبش شمرده میشود ایکن دو حقیقت شمول حبش بر او معلوم نیست مساحت سطحیه اش (۵٤۰۰۰۰) کیلومتر مربع(نفوسش) وا از ۳ ملیون ونیم تا ۸ ملیون گفته‌اند بااینکه سلطنتش مسیحی‌است عدد مسلمش کمتر از مسیحی نیست از معارف خبر ندارند اهالی درکمال وحشیت‌است مذهب مسیحی‌ها اورتو دوقس

تابع کنیسه قبطیهٔ مصریه اند افانشان مشکل وبر بیشتر از چهار صد حرف مشتمل ازیسار به‌یمین نوشته میشود

(احوال تاریخیه) حبش درازمنهٔ قدیمه مجهول است هیئت کشفیه که درزمان (بطالسه) بسواحل شرقی وغربی بحر احمر فرستاده‌شده بودحبش‌را دولت‌نگفته ازقبائل‌بدوی عد نموده‌اند بعضی ازمورخین درقرن اول میلادی درحکومت حبش بحث نموده‌است وازاحجار محکوکه که درحبش پیدا شده‌است معلوم میشود که دوقرن قبل المیلاد زبانشان یونانی وبهرهٔ ازمدنیت داشته وحکومت منتظمهٔ دراو بوده‌است دراوایل قرن چهارم میلادی بعضی ازراهب‌ها ازسوریه به حبشه رفته دین عیسویت‌را نشرداده‌اند ازان وقت حبشی‌ها قوت کرفته قبل اززمان سعادت حضرت ختمی مرتبت علیه السلام از بحر احمر تجاوز کرده خطهٔ یمانیه‌را ضبط بلکه بارض حجازهم تجاوز کرده بعداز ۷۲ سال حکمرانی که دریمن کرده‌اند بمعاونت دولت ایران ازیمن طرد شده اند بعد ازظهور اسلام بواسطهٔ حسن معامله که نجاشی‌های حبشه بامسلمین واصحاب رسول‌الله کرده بودند ازهجمات مسلمین به بلاد حبشه سالم‌ماندند مسیحیین حبش بامسلمین محاط‌اند مقریزی یك فصل مخصوص

برای حکمرانان اسلام درحبش قرار داده‌است وازان‌زمان
عدد مسلمین درحبش زیاد کردید تااواخر قرن ١٦ میلادی
احوال حبشه پیش اوروپائیان مجهول بود درتاریخ مذکور
بعضی ازسیاحان پورتغال داخل حبشه شده بعضی ازاحوال این
مملکت‌را نوشتند وقتی که در ١٨٦٨ م انکلیز برحبشه سوق عسکر
کرد حبشه را درست براوروپا معرفی نمود در اواخر قرن
١٨ میلادی ازضعف نجاشی بعضی از رؤسا استفاده کرده
دربعضی ازنقاط استقلال خودرا اعلان دادند اهالی حبش
(تئودوروس) را برتخت جلوس داده این سلطان غیور تمام
حبش‌را درتحت اداره آورده مشغول ترقیات بود که انکلیسها
براو هجوم اورده مانع ترقیاتش شدند بعدازان پسر تئودوروس
برتخت جلوس کرده باانکلیزها معاهده نمود بعدازانکه ایطالیاها
سواحل بحر احمررا مالك شدند بادولت حبش شروع بمخاصمات
نمودند ایطالیا برمقصد نایل نکشته براستقلال حبشه اعتراف
نمود تاقبل از ثورهٔ ١٨٨٣ مسیحی مصر بر سواحل حبشیهٔ
بحراحمر تاخلیج عدن حکمرانی داشتند تادراین اواخرایطالیا
مدینهٔ مصوع و جزایر دهلك و اقلیم اریتره تا (اصاب) را
احتلال وفرانسه هم بوغاز باب المندب واسکلهٔ (اوبك) و

خلیج (تاجوره) را امتلاك وانکلیس ساحل عادل از بلاد
سومال‌را با (زیلع) و (بربره) تصرف نمود الان درفکر
تملك مملکت (هرر) است که‌حکومت‌مصر در ١٨٧٥ مسیحی
فتحش کرده بود سلطنت‌امروزی‌حبش استبدادی‌است‌حاکمشرا
نجاشی گویند و برای امپراطور حبشه نفوذی نیست مکر هنکام
حرب درغیر حرب هرصقعی ازمملکت دردست یك رئیسی است
که‌ازاستقلال اداری خود محظوظ‌است وعدد رؤسا، ٢٣ اند
وچندین نفر ازاین امراء مستقله مسلم‌اند وتنظیم جیش‌نجاشیرا
ضباط روسی میدهند مرکز امپراطور (ادیس ابابا) است
که ٨٠ هزار نفوس دارد ادخالاتش ٢٢٤١٧٤ اخراجات
٢٨٨.٩٣ طول خط اهن درمابین (جیبوتی) و (هرر)
و (ادیس ابابا) ٣٦٠ کیلومتراست خط تلغرافش ٨٠٠
کیلومتر است قوهٔ حربیه اش ١٥٠٠٠٠ است

ممالك سودان یا بلاد السودان

مملکتی است وسیعه در اواسط قطعهٔ افریقا ومملکت سودان
لفظ عربی‌است یعنی‌محل سکنای سیاهان وبهمین ترجمه‌درالسنه
اجانب هم متداول‌است نظر بمدلول لفظ اکر سودان را
باافریقای وسطی وجنوبی شامل بکیریم خلاف نکردیم زیراکه

اهالی این نقاط هم سیاه‌اند لیکن نظر باصطلاح جغرافیین نظر بمدلول جایز نیست (حدودش) اختلافی است ازطرف شمال مسلما محدوداست بصحرای کبیر وازطرف جنوب اگرچه عند الاکثر ممتد است تااین طرف خط استوا ومنتهی الیه افریقای وسطی یعنی قونغوی ازادوکننده علیا لیکن بعضی‌ها تاافریقای جنوبی ممتد وقونغوراهم داخل سودان دانسته خواسته باین قسم سودان جنوبی نام بدهد وازطرف شرق بعضی نوبه‌را ازسودان عد نموده بلکه تاساحل بحراحمر ممتد گفته وبعضی تامجرای نیل محدودش کرده‌اند وازطرف غرب هم جمی سنغال راهم از سودان شمرده تا بحر اطلانتیك امتداد داده وعدهٔ تاحدود سنغامبیا که در تحت تصرف فرانسه وپرتغال وانگلتره است محدود کرده است وکیف کان این مملکت وسیعه‌را بسه قسم منقسم کرده‌اند از سنغال یعنی ازبلادیکه درساحل اطلانتیك واقع شده است تاحوضه نهر نیجر (سودان غربی) یا (سودان فرنساوی) ویز بلادیکه درحوضه بحیره چاد وبراطراف انهاریکه باین بحیره میریزد (سودان وسطی) که منقسم است مابین انگلیس والمانیا وفرانسا وبربلادیکه در داخل حوضه نیل واطراف انهاریکه باین رود میریزد (سودان شرقی) یا (سودان مصری) نام داده‌اند

سودان شرقی درحقیقت ازجنوب مصر تامنبع نیل نزدیك خط استوا وازبحراحمر تاوادای که ازممالك سودان وسطی ممتداست ممالك سودان شرقی عبارت از (اقلیم بحیرات) و بحرالجبل و (بحرالغزال) و بحرالابیض و (اقلیم کردفان) واقلیم دارفور و (اقلیم بحر ازرق) وبلاد (نوبه) است که جغرافیای اینها ذکر خواهد شد مساحت سودان شرقی دوملیون ونیم کیلومتر مربع ونفوسش قریب بده ملیون است (دین ایشان اسلام مالکی مذهب) دو ثلث اهالی باعربی حرف میزنند باقی بلسان بربری تکلم کنند درمعارف متاخر بلکه اهالی غالبا وحشی اند در (حلفا) و (خرطوم) و (ام‌درمان) و (سواکن) در هریك یك مدرسهٔ ابتدائی هست ویك حاکم عام انگلیزی که ازطرف انگلیز منتخب واز جانب خدیوی معین میشود در تمام سودان شرقی حکومت مینماید واز وظیفه‌اش منفصل نشود مگر برضای انگلیز وبموجب معاهده وفاقیه که در ۱۸۹۹ مابین حکومت انگلیز ومصر منعقد شده‌است این مملکت ملك مشترك است مابین مصر وانگلیز وازجهة اداره بهشش مدیری ویك محافظه وسه‌ماموریت اداره منقسم گشته

مدیریاتش عبارت از (دنقله) و (بربر) و (خرطوم)

و (سنار) و (کسلا) و (کردفان) ومحافظه‌اش عبارت از (سواکن) ومامورباتش عبارت‌ازحلفا وفشوده وبحرالغزال است (خط اهنش ٦٦٢٢ کیلومتراست همراه تمام خطوط اهن اسلاك برقیه‌اش موجود وزیاده برانها (۱) ما بین دنقله وابی حمد (۲) وبربره و سواکن (۳) وخرطوم و سنار (٤) وخرطوم وکردفان ودارفور (٥) وخرطوم وکسلا وقضارف و قلابات (٦) وخرطوم وفاشوده خطوط تلگرافی دارد احوال تاریخیهٔ این قسم از سودان اهمیتی ندارد همین قدر قدما. مصر حصهٔ بزرگ ازاین قسم را تصرف کرده‌اند درقرن هفتم وهشتم میلادی عربها تاحوضهٔ نهر نیل مستولی شدند واهالی را داخل دین اسلام نمودند درقرن ۱۵ مسیحی طایفهٔ فونج مدت طویله حکومت این نقطه را نموده درسنهٔ ۱۸۲۱ مسیحی محمد علی پاشا استرداد کرده در عهد اسمعیل پاشا جنوبا تاحدود اقالیم استوا، شرقا تابحر احمر وبلاد (هرر) و (زیلع) و (بربره) وغربا تامنتهای بلاد دارفورحکومت مصر سعه پیدا کرد تا وقتیکه (محمد احمد مهدی) ظاهر شده بعد از محاربات زیادوکشته شدن غوردون پاشا رئیس عسکر مصری در محاصره (خرطوم) در سنه ۱۸۸٤ مسیحی جنود

مصریه‌را ازسودان‌خارج نمود واز (لادو) تا (وادی‌حلفا) و از (دارفور) تا (کسـلا) و (سواکن) یك حکومت بزرگ تشکیل داد وبعد از مهدی (عبدالله) تعایشی بجایی او نشسته بواسطهٔ عدم استعداد وفقد ان الات حربیه در دست جنود مصریه مغلوب شده در سنهٔ ۱۸۹۳ مسیحی سودان شرقی مطمح نظر اوروپائیان گشته ازطرف کونغو بلجیك وفرنسا به‌بحر غزال وایطالیا برکسلا هجوم اوردند انگلیز محض قطع نفوذ وطمع دول ازسودان شرقی باجنود مصریه متحد شده ممالك سودان شرقی‌را استرداد نموده این نقطه را بااینکه اصلا ملك مخصوص مصر بود مابین خود ومصر مشـترك نمود وسودان انگلیزی مصری نامش داد

اماسودان‌وسطی

محدود است شرقا به (دارفور) وجنوبا به‌نهر (قونغو) وشمالا به (صحرای کبیر) وغربا به (نهر نیجر)

عدد نفوسش ۱۲ ملیون اهالی عموما مسلمانند وبچهار مملکت مستقله منقسم است که جغرافیایی انها ذکر خواهد شد مثل (وادای) (بورنو) (سقطو) (ادماوه) واماسودان غربی از غرب سودان وسطی ممتداست تابحراطلانتیك و (سنغمبیا)

و (گینه) هم داخل سودان غربی است احصائیون از تعداد نفوسش متمکن نشده است وغیر از جمهوریت (ایبریا) حکومت مستقله درسودان غربی نیست همه اش مستعمرات اوروپائیان است (اما جمهوریت ایبریا) عبارت از حکومت غلامان ازاد شده امریکا است که درساحل غربی افریقا درمابین مستعمرهٔ انگلیز (سیرالیونه) ومستعمرات فرانسه بشکل جمهوریت ولایات متحده تشکیل شده است نفوسش قریب بدو ملون دین رسمی شان اورتودوکس زبانشان انگلیزی وعاصمه جمهوریت (مونروویا) است که ۱۳ هزار نفوس دارد (مساحت سطحیه)اش باستثنا، حکومت مدینه که اخیرا باین جمهوریت ملحق شده است (۸۵۳۶۰) کیلومترمربع است قریب ده قصبه واسکله دارد که نفوسش مابین ۲۰۰۰ و ۷۰۰۰ است (هیئت وکلا،) مرکب از شخص رئیس جمهور ومعاون ان وپنج نفر دیکراست

(مجلس مبعوثان) مرکب از هیئت اعیان وهشت اعضای دیکر ومبعوثیت واعیانیت ومأموریت هم مخصوص سیاهها است سفیدها هم درتجارت ازاداند معاون رئیس رئیس هیئت اعیان هم هست تا رئیس جمهور باهیئت اعیان مذاکره نکند یک چیز قرار داده نمیشود قانون مهم پیش ایشان لغویت اسارت

وممنوعیت بنده فروشی است مجلس مبعوثان مرکب از ۱۳ نفر وازده هزار نفس یك مبعوث انتخاب میشود مملکت بچهار ایالت منقسم است وولات وحکام انتخاب میشوند واردات سنویه ومصارفش را باختلاف فاحش نقل کرده اند بعضیها وارداترا (۳۵) ومصارف را ۳۳ هزار ایره انگلیزی وبعضی وارداترا ۷۳۲۸۲ ومصارف را ۷۴۴۶۵ ایرهٔ عثمانی ذکر کرده است

کافه اهالی از ۱۶ تا ۵۰ ساله عسکر است امروزه ۲۰ هزار عسکر موجود دارد بعد ازانکه اسارت در امریکا لغو شد وبعضی از طرفداران عالم انسانیت این زمین را برای غلامان انتخاب نموده ودرتاریخ ۱۸۱۷ و ۱۸۲۱ اسراءرا بانجا نقل دادند بمعرفت مامورین و لایات متحده این حکومت تشکیل داده شده که درسنهٔ ۱۸۴۸ استقلال ایشان را دول اوروپا تصدیق نمودند نفوسیکه ازامریکا امده است ۱۷ هزار است باقی نفوس جمهوریت ازاهالی است (واما مستعمرات اوروپائیان درسودان غربی) عبارت ازمستعمرات (فرانسا) و(انگلیز) و (المانیا) و (اسپانیا) و پرتغال است

ومستعمرات فرانسه

درسودان غربی عبارت است ازسنغال و سودان فرنساوی

وحوض نهر نیجرا علی وبلاد داهومی وحصهٔ از سواحل کینه جغرافیای سنغال وداهومی عرض خواهد شد

واما سودان فرنساوی عبارت ازبلادیست که فرانسه بموجب معاهده بارؤسا. قبایل مندنج ونیبوك ووو به تحت حمایت دراوردهاست وعبارت ازبلاد فوتادیالون وبلاد سامورى است که تاجر مشهور ومعروف غلام بود ومشهور ترین بلاد فرنسا دوسنغال ومنبع ان کایس ومدینه وبافولابی وکیتا ونیبواست وسدیو است بالای نهر کازامانسه بمسافت صد وهفتاد وپنج کیلومتر ازمحیط اطلانتیك وبوكی‌است بالای نهر نونز وامروزه درمابین کایس وکیتا وتمبکتو خط اهن کشیده شده‌است اما نیجر اعلی که بلاد بمبارا وشهرهای بمکو وسیغو هم دراو داخل‌است عبارت‌از بلادی‌است که بالای نهر نیجر ازشرق سودان فرنساویه ممتداست تا تمبکتو واما حصهٔ سواحل کینه شامل‌است بر ساحل عاج وبر ساحل عبید وبربلاد داهومی

(وسودان انگلیز)

در سودان غربی‌عبارت از غمبیا و سیرالیونه وحصهٔ از ساحل العبید ومملکت اشانتی ونیجرادنی که شامل

ممالك بنین و یوروبا و سقطو و غاندو و برغو است‌که جغرافیای همه بعرض قارئین کرام خواهد رسید

(و مستعمرات المانیا)

عبارت از (توجواند) است که درساحل عبیدبین داهومی و اشانتی‌است وعبارت ازمستعمرهٔ قامرون‌است که درخلیج کینه بایك‌ملیون ونیم سکنه واقع است

(ومستعمرهٔ اسپانیا)

فقط‌عبارت ازدو جزیره فرنندوبو و انوبون است که در خیلج کینه واقع است

(و مستعمرهٔ پرتغال)

درسودان غربی که (کینه پرتغالی) اش کویند عبارت از بلادی‌است که درمابین کینه فرانساویه وغمبیای انکلیزیه واقع شده که‌هشت صدهزارنفوس‌دارد واز جزایر (بیساجوس) که دربرابر این بلاد درمحیط اطلانتیك است‌پای‌تختش (بولام) ومشهور ترین شهرهایش (کاشیو) و (بیسادو) است که جیما تابع (جزایر راس الاخضر) است ودر خلیج کینه هم دوجزیره دارد اول جزیره (سان توماس) که ۳۰ هزار نفس دارد دویم جزیرهٔ (برلس)

﴿ اقليم بحر ازرق ﴾

مملكتی است از سودان شرقی درتحت حکومت انگلیز و مصر اداره میشود در غرب بلاد حبشه وشرق اقلیم بحر ابیض واقع گشته عموم سکنه‌اش مسلم ومخلوط ازعرب ونوبه ایست وبلاد معروفه‌اش (قازوغلی) و (سنار) وچون نهر نیل ازرق که منبعش بحیره (دنبو) است ازاین مملکت عبور میکند اقلیم بحر ازرق نامش داده‌اند

﴿ اقلیم بحر ابیض ﴾

یعنی مملکتی که در طول مجرای نهر ابیض واقع شده است وطول این نهر ازبحیرهٔ (نو) تا (خرطوم) ملتقای نیل ازرق به نیل ابیض است اطراف این نهر صحراهای وسیع ووادیهای عریضی است که جنوبش مسکن قبایل سیاهای متدین بدین وثنی مثل قبایل (شلوک) و (دنکا) وشمالش مسکن قبایل عرب ونوبه وسودانی است که همه مسلمانند خود مملکت جزء سودان شرقی است

(کردفان)

جزء سودان شرقی شرقا به اقلیم بحر ابیض جنوبا با قبایل (بقاره) و (شلوک) غربا با (دارفور) شمالا ببلاد

(نوبه محدوداست مساحت سطحیه‌اش قریب به ١٠٨٠٠٠ کیلومترمربع ونفوسش ٢٨٠٠٠٠ است معدن طلاخیلی دارد حتی اهالی خاکهای مجرای ابهارا بواسطهٔ طلا بودن جمع می کنند ویکی ازتجارتهای بزرگ این مملکت است و کوههای زیاد دارد واز نیل بمقدار ٢٠٠ کیلومتر غربا بعیداست اهالی عموما مسلم ومخلوط ازعرب ونوبه وسودانی است پای تختش شهر (ابیض) که مهدی ازاین نقطه بر ضد حکومت عثمانی قیام نمود

(دارفور)

اقلیم دارفور جزء سودان شرقی است شرقا با کردفان غربا با ودای شمالا با صحرای کبیر جنوبا با دارفرتیت و دارونغه محدود میشود نفوسش ٤ ملیون وعموما متدین بدین اسلام‌اند نیم ملیون خیمه نشین و سیاه باقی اهل شهر وساکن مرکزش فاشر وقصبه بزرگتر ازهمه حتی‌ازمرکز هم قصبهٔ قبه است‌که محل تجارت گاه بزرگ هم هست و سائر قصبات معروفش عبارت از بئر مدوب بئر دمدوف بکاریه ام‌بدر نوجه میلیت کوکبیه کلکول نوره داره توشه شکه کلکه نایمو دانفو

حفرالنحاس وغیر اینهااست اهالی اصلیه اش زنجی‌است و عرب وبربرهم‌خیلی‌دارند زنجی‌ها وبربرهااگرچه لسان مخصوص دارند برلسان عربی هم اشنا هستند دارفور تازمان نزدیك حکومت مستقله‌اسلامیه.بود ودوزمان‌بعضی ازامراء دارفور مثـل امیر محمد الحسین و محمد الفضل .وغیر اینها کردفان و دارفرتیت و دارورنقه هم تابع حکومت دارفور بود اول کردفان وبعد ازان ۱۲۹۲ هجری دارفورهم‌از طرف زبیر پاشا ضبط‌شده برادارهٔ مصر الحاق شد دراین‌اواخر درتحت اداره حکومت مهـدی درامد بعد از انقراض دولت (مهدی) درادارهٔ امیر مستقلی اداره میشد تا زمان تشکیل حکومت سودانیه مصریه انگلیزیه بعد ازاین تشکیل امیراین بلاد بر سیادت حکومت سودان اعتراف کرده اداره استقلالی موقتی براو داده شد

(زغاوه)

اگرچه جغرافیون عرب زغاوه‌را درسودان غربی یك مملکت وسیعی گفته‌اند لیکن ابو منصور این مملکت را شرقا به‌بلاد نوبه محدود کرده ودرصفت اهالی نوشته‌است که‌بی‌لباس وعریانند و بر حکمدار شان عبادت کرده عقیده شان درحقش این‌است

که‌بی‌خوراك واب زندگی‌میکنند نظربرتحدید ابومنصور زغاوه باید جزء سودان شرقی باشـد بلی زغاوه جزء سودان شرقی ودرقسم شمالی دارفور هم واقع گشته ودر خرایط هم بالاتر ازدارفور که (زاغاوا) مینویسند مراد همین‌است دوتحدید حدود حق باابو منصوراست ولیکن اهالی امروزها بحمدالله از عبادت وازاعتقادات خرافیه بالنسبه بحکمران واوسته و به پیرایه دین شریف اسلام عموما پیراسته اند

(دار فرتیت)

خطهٔ بزرگی است درسودان شرقی ودر شمال (دافور) وجنوب (نیام نیام) واقع و منقسم بقبایل مختلفه که عموما مسلم‌اند وبااهالی (نیام نیام) دائم درجنك وجدالند قبل ازظهور متمهدی درتحت اداره مصر بود بعداز افول ستارهٔ متمهدی ز بادارهٔ سودان مصری بر گشت

(بحر الغزال)

جزء سودان شرقی وبواسطهٔ کثرت‌اب بلاد النهیرات‌هم‌گویند درمغرب بحر الجبل مسکن زنجی‌های بت پرست‌است مثـل قبایل دیور و بونجو و نیام‌نیام و میان اینها مسلمان هم هست ویك جزء از این مملکت در تحت حکومت مصراست

[بحر الجبل]

یا « مدیریات خط استوا، » جزء سودان شرقی از بحیرهٔ
موتنزیجه ممتداست تاملتقای بحر الغزال بانیل در نزد بحیره نو
واز شهرهای معروفش وادلای و دفیله و بدان و رجاف
و جندکورو و لادو است اهالی زنجی‌های بت‌پوست
وقبایل‌مشهوره شان باری و رانکا و نویر و درتحت
حکومت سودان مصری‌است اگرچه رسما تصدیق نشده است

(اقلیم بحیرات)

یا (منبع نیل) جزء سودان شرقی شرقا با جبال کینا
جنوبا با اونیاموزی غربا باجبال زوقا، که نزدیک بحیره
البرت نیانزا است وشمالا باسلسله جبال مجهوله محدود است
مسکن زنجی های بت پوست و اوغنده که جغرافیای او
ذکر خواهد شد یکی از ممالك این اقلیم‌است و این اقلیم
امروزه منقسم مابین انگریز والمان‌است قسم‌شمالی بحیره اوکریوه
درحصه انگلیز قسم جنوبیش درحصه المان واقع شده است
سابق حکومت مصر تامنتهی الیه نهر سومرست حکمرانی
ودوشهرهای ماجونجو که درساحل بحیره موتنزیجه و فویره
که درساحل نهر سومرست واقع‌است عسکر خانه داشت

وتاحال حکومت سودانیه مصریه رسما براین اقلیم حکومت ندارد
بلکه فویره و نهر (سومرست) رادرخریطه‌ها جزء
افریقای شرقی انگلیزی میکشند

(اوغانده)

مملکتی‌است دوزیر خط استوا میانه‌بحیره اکریوه و موتنزیجه
نفوسش ٥ ملیوی که قسم اعظمش اخیرادین اسلام‌را قبول
کرده‌اند ودرجهة غربش سلسله جبال کیتواه ممتد است
که بعضی ازنقاطش تاچهار هزار متر ارتفاع دارد سابق
درتحت حکومت مصری بود امروزه جزء افریقای شرقی
انگلیزی‌است

(دار رونغه)

مملکتی‌است درسودان وسطی تابع حکومت ودای و در
جنوب شرقی ان ومابین این‌مملکت و ودای نهر بحرالسلامة
وبعضی ازمرداب‌ها حد فاصل‌است واین ممالك بر دارفوری
هم شامل وازطرف جنوبا داربنده ممتداست اهالی‌عموما
مسلم‌اند مرکزش قصبه دوناس وسایر معموره عمده‌اش
ترکه و دار الخلیفه است

« روماشه »

قصبه‌ایست در سودان وسطی تابع نیجر ودر ساحل نهر بنوئه ومرکز یك حکومت کوچك اسلامی‌است که دارای ۱۰۰۰۰ نفوس ویك سور و یك خندق ویك کوشك و سرای مخصوص برحاکم هم‌دارد

« ودای »

امارت اسلامیه ایست درسودان وسطی شرقا با دارفور جنوبا با نیام نیام غربا بابحیره جاد و مملکت غانم شمالا بابلاد تبستی محدوداست چون حدودش درست‌معین نیست تعیین مساحت سطحیه‌اش هم مشکل است در بعضی ازکتب مساحتش‌را ۴۴۵۰۰۰ کیلومتر مربع‌ودر بعضی دیگر ۱۷۲ الف میل مربع و نفوسش را باختلاف فاحش از ۲۶۰۰۰۰۰ تا ۷ ملیون تخمین‌کرده‌اند قسم‌اعظم اهالی‌عرب باقی زنجی‌اند امیرش از سلاله نوبهٔ هااست یك مجلس مشورت وبرای اجراء احکام شرعیه علماء معینی دارد عموم اهالی مسلم ونشر اسلام درسودان غالبا ازاهالی ودای شده است مرکز امارت قصبه ابشر وسایر معموره‌عمده‌اش عبارت از واره میدوغو قالفه قودوغوس دوناس

است سلطنتش مستبده و مطلقه واحکام بموجب قرآن وشرع شریف جاری ودومملکت باکرمی و قانم در تحت حمایت او است

بوغو

یا (برکو) خطه‌ایست درسودان‌وسطی دوشمال ودایے وغرب نیل وبمسافت ۴۰۰ میل دوشمال شرقی بحیره جاد ودر بعضی ازخریطه‌ها (بوزقو) باواو وقاف بالاتراز وادای ازجهة شمال ودرجنوب تبو ازبلاد صحرای کبیر می‌نویسندبلادیست کوهستانی معروف بخوش هوائی و چون درست استقراء نشده است نفوس ومساحتش معین نکردیده وبهمین اسم یك‌خطه دیگری‌است باز درسودان وسطی که دربعضی ازخرایط وکتب جغرافیای عربیه برجو مینویسند شمالا با غورمه شرقا با نیجر جنوبابا یوروبا وغربابا داغمبا محدوداست عدد نفوسش ۸۰۰۰۰ ومنقسم برچهار قسم است (بوسه) و (واوه) و (کیاما) و (نیکی) ومرکزش قصبه بوسه یا(بوسا) است که جزیره‌ایست دروسط نهر (نیجر) ودر جنوب شرقی (تمبکتو) واقع‌است وهمنام همین قصبه در همین قصبه حکومت صغیره ایست واین هردو خطه یعنی خطه (برغو) که اسما

مشترکند اگرچه معظم اهالی انها بت پرستند ایکن برخطه اولی ازمجاورت حکومت (ودای) وبردویی‌ازحکومت‌سقطو (خاصه دوعهد امیر عثمان ذاالقدابه که‌بزرکترین سلاطین سقطو بوده) دین اسلام داخل شده‌است روز بروز اشعه اسلام اکناف‌این مملکت را منور میکند

(قانم)

درافریقای وسطی ازممالك بزوك سودان شرقی‌است ازساحل شمال وشمالی شرقی بحیرهٔ (جاد) بطرف شمال تا قبایل (تبو) ازصحرای کبیر ممتداست ودوطرف شرقش وادی بحرالجبل که باهمین وادی (ازودای) منفصل میشود ودوطرف جنوبش ممالك (بورنو) و (باکیر می) است مرکز امروزه قصبه (ماعو) است که ازساحل شرقی بحیره ۶۰ کیلومتربعیداست ودرقدیم مرکزش قصبهٔ (نیمیه) بود که در کوشه شمالی غربی بحیره است مساحت سطحیه‌اش مابین هفتاد وهشتاد هزار کیلو متر مربع‌است امکنه قریبه‌به‌بحیره اباد ومزروع وملو ازاهالی ومسکون باقی قبایل رحاله و عشایر سیاره

اهالی ساکنه اش صد هزار تخمین شده است مملکت قانم درقرون وسطی خیلی جالب‌نظر واهمیت‌دارابود درقرن

چهارم هجری که دین اسلام داخل این مملکت کردید و اهالی قبول نمودند امراء قانم نشر دین اسلام را در تمام سودان وصحرای کبیر ازوظایف دینیه خود دانسته بهمین سبب دایره نفوذ وحکومت خودرا تامصر ونوبه وفزان توسعه دادند ومملکت (بورنو) راهم درتحت حکمرانی خود دراوردند درقرن هفتم هجری دولت قانم رو بضعف گذاشته درهرنقطهٔ ازمملکت یك رئیس ادعای خود سری نموده ازان جمله (بورنو) هم‌مستقل شده بلکه بعد ازچندی (قانم) را هم به‌تحت اطاعت‌خود دراورد امروزه (قانم) مثل (باکرمی) در تحت حکومت (ودای) داخل است

(بورنو)

درسودان وسطی ودو جنوب غربی بحیره (جاد) امارت اسلامیهٔ و مملکت مستقلی است ازشمال شرقی با (قانم) و صحرای کبیر وازغرب وغرب جنوبی با (حوصه) واز جنوب با (ماوکي) و (مندره) و ازجنوب شرقی با (باکرمی) محدود میشود (مساحت سطحیه‌اش) صد وچهل کیلو متر مربع ونفوسش ۹ ملیون عموما مسلم متکلم‌بلسان زنجي سلطان از عرب عاصمه‌اش (کوکا) است که شصت

هزار نفوس دارد و سایر قصبات معروفش بیرنی لقورنو دیقووه دولووه دوره ماسکینه سیندر است از عرب پانزده‌هزار عسکر سواری واززنجی‌ها پیاده هم خیلی دارد

سلطنتش مطلقه واستبدادی است وچندین حکومت دیکررا هم مثل حکومت (مندوه) که عاصمه‌اش (دولو) وحکومت (دورا) درتحت حمایه گرفته از ایشان خراج میگیرد در اواسط افریقا بزرکتر ازاین دولت دولت اسلامی نداریم مع التاسف مدتها است که دولت فرانسه این مملکت را مطمح نظر خود قرار داده ونفوذ زیادی در داخله این مملکت دارد (حفظها الله وسایر سلاطیننا و امرائنا الاسلامیه من شر فرانسه وغیرها من الاوروپاویین فانهم بلاء مبرم علی الاسلام و المسلمین لاسیما علی دولتنا العلیة العثمانیة فی ذلك الحین) وعبدالحمید مخلوع برای سلطان انجا (شیخ عمر) بعضی ازهدایا و تحف برای افتتاح طریق مناسبت فرستاده بود

(باندا باندا) (فورلا)

اکرچه در کتب جغرافیا بتفصیل این دو مملکت نرسیده ام لکن جناب درویش ضیا پاشا درتالیف خودبلسان ترکی (بیوك جغرافیا) مطبوع ۱۳۲۷ هجری این دومملکت‌را بطور اجمال

ازممالك اسلامیه سودان شمرده و برایی هر یك یك امیر مستقلی بیان کرده است وابدا متعرض نفوس و مساحتش نشده

(دورا)

مقر حکومت اسلامیه کوجك باانیکه قصبه‌ایست کوجك مرکز تجارت بزرکی‌است جز، سودان‌وسطی وبمسافت ۶۰۰ کیلومتر درغرب شمالی (سقطو) ودرسر راه کاروانیکه به (تمبکتو) میرود و بمسافت ۱۳۰ کیلومتر از ساحل یمین نهر (نیجر واقع ودرتحت حمایه سلطنت (بورنو) است

(مندره)

مثل (دورا) جز، سودان وسطی ومقر حکومت اسلامیه کوجك ودرتحت حمایه وباج بده سلطنت (بورنو) است

(باکیرمی)

خطه بزرکی است از سودان شرقی در افریقایی وسطی درساحل جنوب شرقی بحیره چاد ومقر امارت‌اسلامیه درتحت حمایة حکومت (ودای) از شمال باممکلت (قانم) وبحیره (چاد) وازغرب با (بورنو) واز شرق شمالی با

(ودای) وازشرق جنوب با (بانده) وازجنوب با (اراضی مجهوله) که درشمال قونغوی ازاد است محدود است طولش ازشمال تاجنوب ۴۰۰ وعرضش ۲۰۰ کیلومتر اهالی زنجی وعموما مسلم عاصمه‌اش (ماسه‌نیه) است که در ۲۰۰ کیلومتری جنوب شرقی بحیره (چاد) واقع است نفوس یك ملیون ونیم عسکر سه هزار سواره ده هزار پیاده عمارت سلطان از اجر ساخته شده زنهایش از سیصد تا چهار صد است ؟

(ادماوه)

درافریقای وسطی حکومت اسلامیهٔ کوچکی است تابع سلطان سقطو که درپیش اهالی قدیمه‌اش که بت پرست بودند (فومبینه) معروف بوده طولش از جنوب غربی تاشمال شرقی ۲۰۰ عرضش ازشمال غربی تاجنوب شرقی ۷۰ میل در قرن سابق ازاقوام اسلامیه فولا یا فلاح یگنفررئیس جسور (اداما) نام این مملکت‌را فتح وبر ممالك اسلامیه الحاق وبه نسبت باسم ان ادماوه تسمیه شده است مرکز مملکت ومقر حاکم یولا است که ۱۲ هزار نفوس دارد و امروزه در تحت نفوذ المانیا است و اغلب سکانش وثنی است

(حوصه)

یا (خود حوضه) درسودان وسطی خطهٔ بزرگ ومقر حکومت اسلامیه است که شمالا با صحرای کبیر شرقا با خطه بورنو غربا بانهر نیجر جنوبا بااراضی مجهوله که درداخل خلیج کینه واقع شده‌است محدود ومرکزش سقطو است که ۲۵ هزار نفوس داود وگاهی بتمام خطه‌نام سقطورا میدهند مقریزی براین خطه اسم آفنو داده تکلمشان بعضی بلسان افنو وبعضی بلسان بورنواست اهالی عموما مسلم ودر تمدن مقداری قدم پیش نهاده ودر تاریخ کتب متعدده نوشته‌اند مع التاسف در ۱۸۹۰ م بموجب معاهدهٔ انگلیز وفرانسه این مملکت درمنطقه نفوذ انگلیز واقع شد

(قانو)

حکومتی است درسودان وسطی درخطهٔ (حوصه) دوحکومت سقطو در یك وادی که بربحیرهٔ چاد منتهی میشودمرکزش همنام خود مملکت (قانو) تجارتگاه معتبر وشهر بزرك و صاحب سی چهل هزار نفوس وبایك سور وقلعهٔ سی کیلو متری محاط وبعد از (تمبکتو) ازجهة تجارت وصنعت ومعموریت برجمیع بلاد افریقای وسطی مقدم وتجارت قسم اعظمش دست عربها وباتمام اطراف مناسبات تجاریه .

و ۲۷ قصبه که همه محاط باسور وقلعه و سیصد هزار اهالی حر وهمین مقدار هم اسرا، دارد اهالی درعمل‌منسوجات ورنگ ان صاحبان مهارت تام و بتبعیت حکومت (قانو) ازحکمدار (سقطو) مقتدر است که ۲۰ هزار عسکر پیاده و ۷ هزار سواره در تحت سلاح حاضر نماید

(غاندو)

مملکتی‌است درسودان غربی که نهر نیجر ازتوی این مملکت از شمال غربی بجنوب شرقی جریان نموده هزار کیلومتر مربع ازمسافت‌راطی کرده‌درقسم‌جنوبی همین مملکت بانهر (قواری) متحد میشود مساحت سطحیه‌اش ۲۱۳۶٤۰ کیلومتر مربع نفوسش ۵۸۰۰۰۰۰ مرکزش همنام خود (غاندو) اهالی زنجی عموما مسلم دراین اواخر طایفهٔ (فولا) یا (فلاح) ازجهة شمال شرقی افریقا باین مملکت امده درمیانه اهالی اصلیه که زنجی‌اند دین اسلام‌را نشر ودولتهای بزرگ تشکیل دادند بزرکترین این دولتها دولت سقطو بود که (عثمان ذاالقدیه) ازحکمرانان این دولت قبل ازوفات خود ممالکش را درمابین ورثهٔ‌خود تقسیم کرده‌حکومت (غاندو) را ببرادرش عبدالله داده بود ان وقت (غاندو) چندین برابر حالیه

این مملکت هم مثل (حوصه) درمنطقه نفوذ انگلیز وحمایهٔ ان واقع کشته است

(غورمه)

مملکتی‌است درغرب‌غاندو وقتیکه‌حکمران بزرگ‌مملکت‌سقطوعثمان ذاالقدیه مملکت‌را قبل ازوفات خود مابین ورثه‌ها قسمت نمود حکومت غورمه‌را ببرادرش عبدالله داد از احفاد عبدالله (خلیل) نام‌ازجهة عدم اطلاعش‌ازاصول‌مملکت داری‌واشتغالش بعلم وتقوی رؤساء وحکام ممالك سرازاطاعت پیچیده درهرنقطهٔ ازمملکت ادعای خود سری نمودند ازان جمله حاکم غورمه بود

(یوروبا)

مملکتی است ازممالك (نیجرادنی) این هم درتحت نفوذ و حمایه انگلیز واقع شده عاصمه‌اش (ایبوکوتا) وسکنه‌اش ۰ هزار است

(بنین)

مملکتی‌است ازممالك نیجر ادنی‌ودرغرب او عاصمه‌اش (بنین) است‌این‌مملکت‌هم باسایر ممالك نیجر ادنی ازقبیل (یوروبا) و (سقطو) و (غاندو) و (برغو) که نفوس همه ۳۰ ملیون واغلبش مسلم‌است بموجب معاهده شرکت نیجرملوکیه

وتصدیق وزیر امور خارجه انگلیز درتحت نفوذ وحمایهٔ انگلیز در امده‌اند

(لاغوس)

مرکزیك حکومت محلیه‌ایست درساحل غربی افریقا تابع حکومت مهجر (ساحل الذهب) انگلیز وواقع در مملکت ساحل اسراء که جزء کینه علیااست نفوسش (۳۳۶۰۰) وسی‌وچهل سال قبل ازاین ده هزارش مسلم بیست هزارش بت پرست سه‌هزار وششصداش اوروپائی بود ازانجائیکه انوار اسلام بسرعت برق اکناف این بلادرا روشن میکنند واهالی باکمال طوع ورغبت داخل دین اسلام میشوند باید امروزها انقدرهابت پرست نداشته باشد اصلا ازمؤسسات پورتقال امروزه دست انگلیز وبعضی ابنیه‌های قشنك هم دارد .

(داهومی)

مملکتی‌است در ساحل جنوبی افریقای غربی درداخل کینه شمالی غرباز (اشانتی) و (ساحل الذهب) بانهر (وولتا) شرقا از (بنین) و (یوروبا) بانهر (اوپاره) منفصل میشود مساحتش را اگرچه بعضی‌ها (۱۶۹۵۰۰) گفته است لیکن بواسطهٔ عروض زیاده ونقصان براو ازجهة غلبه ومغلوبیت امراء

انجا درمحاربه‌ها باهمسایه‌ها درست معین نیست واز این جهة درسکنه‌اش هم باختلاف فاحش بعضی‌از سیاحان ۹۰۰۰۰۰ بعضی دیگر یك ملیون وبعضی دیگر تفریط کرده صدوپنجاه هزار تخمین زده‌اند ولیکن درحالت امروزه‌اش مساحتش (۲۹۶)هزار کیلومترو سکنه‌اش (۲۰۰۰۰۰) تخمین شده نصف مسلم نصف دیگر وثنی‌اند وجهٔ ساحل این مملکت را (ساحل اسراء) گویند زیراکه اسراءرا برای فروش ازانجا ازاین ساحل باکشتی‌ها نقل بامریکا میدادند مرکزش (ابومی) سکنه‌اش را از چهارده هزار تاشصت هزار نوشته اند عموم داهومی یك حکمدار مستقل وهرناحیهٔ یك رئیس مخصوص برخود دارند دولت اهالی ازاسراء مرکب‌اند (عساکر مخصوصه‌حکمدار) یك فرقهٔ مرکب ازچند هزار زنهای باکره‌است که درمعیت حکمدار بمیدان جنك اینها حاضر شوند اول دولت انگلیس برای ذبح و تجارت انسان باحکمدار داهومی محاربه زیاد نموده بعدازان دولت فرانسه باایشان جنگیده در ۱۸۹۱ بتحت حمایه فرانسه درامدند واردات دولت امروزه‌اش (۹۶۸۰۰) مصارفش ۹۶۸۰۰ ادخالاتش ۴۹۰۶۱۶ اخراجاتش ۴۱۹۷۶۰ لیرهٔ عثمانی است طول خط تلغراف ۲۶۵۲ کیلومتر مرسولات پوسته‌اش دریکسنه

دویست وسی و هشت هزار ودویست عدداست قوه بریه‌اش سه هزاراست

(اشانتی)

مملکتی‌است درافریقای غربی ودرغرب داهومی اهالیش وحشی‌ترین اهالی افریقا درمساحتش مثل نفوسش باختلاف سخن رانده‌انده بعضی مساحترا دویست وسه هزار وچهار صد کیلو متر مربع ونفوس رایک‌ملیون وهفتصد هزار کفته بعضی از مساحت ساکت نشسته ونفوس را یك ملیون نوشته بعضی دیکر مساحترا ازشمال بجنوب ۱۴۴ واز شرق به غرب ۳۱۱ کیلومتر ونفوس را سه ملیون بیان کرده بعضی دیکر مساحترا هزار کیلومتر ونفوسرا تاسه ملیون وازاین مقدار دوملیون وثنی ویك‌ملیونرا مسلم تخمین کرده مرکزش (قوماسیه) که‌صدهزار نفوس‌دارد حکومتاش مطلقه‌استبدادیه درتحت حمایه انکلیز قوه عسکریه‌اش صد هزار درمقام جنك دویست‌هزارحاضر میتواندبکند یك‌مجلس شورای عالی برای‌سیاست خارجیه ویك‌مجلس عسکری برای‌مهام امورجنددارند وارداتش پانصد وشصت وسه‌هزارودویست ومصارفش ۵۷۵۲۰۰ دیونش دوملیون ودویست ونود یك هزار وسیصد ادخالاتش (۲)

ملیون وسیصد وبیست‌ودوهزار اخراجاتش هشتصدوپنجاه ویك هزار وچهار صد لیره عثمانی است طول خط تلغراف هزار ودویست وهشتادونه وطول خط اهن صد وچهل کیلومتر است

(ساحل الذهب)

یا (سقالة الذهب) یا (بلاد التبر) مملکتی‌است ازافریقای غربی درسواحل کینه علیا که ازجهة شمال بادول اشانتی وداهومی محدود است اکرچه حدود غربیه‌اش بامنصب نهر (اسینی) وحدود شرقیه‌اش بامجرای نهر (وولته) معین‌است لیکن صاحب این مستعمره که دولت انکلیز است هرقدریکه باین اراضی از طرف شرق توسعه میدهد بهمین اسم تسمیه میکند ساحل (لاغوس) هم ملحق بساحل الذهبست ومقداری ازساحل دریا درمابین (لاغوس) و ساحل الذهب مخصوص دولت زنجیه داهومی‌است مستعمره دولت انکلیز در حقیقت فقط سواحل‌است ودر داخل این قطعه تصرفاتی ندارد فقط بتحت الحمایه بودن داخله اکتفاء نموده‌است این‌اسمرا باین قطعه بواسطهٔ اکثریت خاك طلا اول کشاف این قطعه پورتغال داده‌است نفوس تمام مستعمره از یك ملیون کمتر

ومرکزش (کاپ کوست کاستل) ونفوسش ده هزار است
ازانجاییکه دین مبین درهرطرف سودان حکمفرما است افراد مسلمین دراین نقاطهم رو بتزاید است

(سالاغه)

صحیحش (سراحه) مملکت اسلامیه‌ایست در افریقای غربی درخطهٔ (غونجه) یا (غواندیوه) که جزء گینه علیااست ودرشمال (ساحل الذهب) وبمسافت سیصدوسی وپنج کیلومتر دورتر از ساحل دریا تمام نفوسش شش‌هزار وتجارت‌گاه معتبری‌است ومقدم براین چهل وپنجاه هزار نفوس داشت درتحت حکمرانی یك حکومت اسلامیه ومقر حاکم بمسافت ۰ کیلومتر دورتر ازقصبه (سالاغه) قریه (بابی) است

(ماسینا)

مملکت اسلامیه مستقله‌ایست در وسط سودان غربی که اهالی عموما مسلم مرکزش (تمبکتو) است که بیست هزار نفوس دارد ومحیط دایره سور (تمبکتو) چهار کیلومتر وتجارتگاه بزرگی است ودر بعضی از کتب جغرافیا مساحت ونفوس وقوه مالیه وتجارت عمومیه حکومتهای (ماسینا) و (بامباره) را یکجا نوشته‌است وما عینا کلام اورا برای اطلاع

قارئین نقل مینمائیم (حکومتهای ماسینا و بامبارا) مساحت سطحیه‌اش هشتصدوهشت‌هزار وششصد کیلومترمربع (نفوسش) هفت‌ملیون وصدوهفتادهزاراست مرکز ماسینا تمبوقطواست نفوسش بیست هزار مرکز بامبارا (سغو) است‌نفوسش سی‌هزاراست بلاد‌مشهوره‌اش سانساندینغ جنه حامدالله (والادو) باندیاغارا)(قوه مالیه‌شان) واردات صدوهشتاد وپنج هزار ودویست وپنجاه لیرای عثمانی مصارفات ۱۸۵۲۵۰ (تجارت‌عمومیه‌شان) (ادخالات) ۴۷۲۱۲۰ لیرای‌عثمانی (اخراجات) ۱۵۹۵۸۸ (مرسولات‌پوسته) در ظرف سنه (۵۳۸۲۰۰) عدد است

(بامبارا)

یا (بمبره) مملکتی است اسلامیه مستقله در سودان غربی درجهة شرق شمالی سنغامبیا مع التاسف یك قسم ازاین مملکت اسلامی جزء مستعمرات فرانسه گشته است مرکزش قصبه (سغو)است و (یامینه) و (جنه) ازقصبه‌های‌معروف اواست‌وعموم سکنه بادین‌اسلام متدین و(بامباره) یا (بامبانه) یا (بامانه) اسم طایفه وسکنه انجااست نه اسم مملکت ودولت حاضره اسلامیه ازهمین طایفه‌است

(ماندینغ)

طایفه بزوکی است اززنجیه که درافریقای غربی دو منابع سنغال واز جبال (قوز) تا (تمبکتو) ساکن میباشند بواسطه وسعت اراضی اینها تا کنون تمام نقاطش درست کشف نشده امروزه بنام (ماینکه) و (سوینکه) و (بامباره) بسه شعبه منقسم وقسم اعظمشان مسلم باقی مشرکاند استعمال (ماندینغ) غلط است صحیحش (مالینکه) است یعنی طائفه (مالی) یا (ملی) پانصد ششصدسال قبل ازاین حکومت (مالی) درسودان غربی ازدولتهـای بزرگ وباقوت بود وتا (تمبکتو) حکمرانی و (بابنی مرین) وسایر دول مغرب مناسبات داشتند ابن خلدون وابن بطوطـه وادریسی ازاین دولت بحثها نموده اند از حکمداران انجا (برامندانه) نام دین اسـلام را قبول کرده تمام رعایا ومجاورین مملکت خودرا هم بدین داخل نمود وازاخلاف او (سلطان موسی) و (سلطان سلیمان) برای نشر دین اسلام محاربهها نموده اند

مرکزشان درمجرای نیجر قصبه مالی بود درقرن دهم هجری (عمراسکیا) نام براینها غلبه کرد این دولترا خاتمه داده مرکزشانرا هم تخریب اهالی ماندینغ در صنعت خاصه

دراهنکری بی مهارت نیستند واز قدیم الایام مشغول استخراج طلا از معادن میباشند

(سیر الئونه)

مستعمرهایست انکلیزی درساحل غربی افریقا درمابین مستعمره (سنغمبیای فرانسه) ومابین جمهوری (لیبریا) مساحت سطحیهاش بالاٴ اراضی که درتحت حمایهٔ انکلیز است ۷۳۰۰۰ کیلو متر مربع ونفوسش بیشتر ازنیم ملیوناست اما بدون ان اراضی تحت الحمایه نزد بعضی ۲۶۰۰۰ ونزد بعضی دیکر ۷۷۷۰ کیلومتر مربع ونفوسش ۷۵۰۰۰ یا ۱۰۰۰۰۰ است سواحلش بخط مستقیم بطول ۳۵۰ کیلومتراست مرکزش (سیر الئونه) وبنام دیکر (فریتوون) کهدرساحل دریا تجارتکاه معتبریاست وسیرالئونه لفظ پورتغالی است یعنی جبل سباع و (فریتوون) بمعنی (شهرحر) است سکنـه مرکز ۳۰ هزار عموم سکنه این مستعمره غیرازدویست اوروپائی همه اسراء هستند که سفائن حربیه فرانسهوانکلیز هنکام لغویت اسارت ایشانرا خلاص کرده ازانجاییکه هریك ازاینها ازیك جایی اسیر شده ولسانی مخصوص داشتهاند امروزه لسان اصلیرا فراموش کرده در مابین خودشان با لسان انکلیزی حرف میزنند بلکه لسان انکلیز

هم‌دودمن ایشان شکل دیگررا گرفته‌است از جهة مذهب ۳۰۰۰۰ نفرش بواسطهٔ دعات مسیحیین پروتستان شده زیاده از ۵ هزار مسلم و ۱۶ هزار بت پرستند ولیکن روزبروز نور اسلام قلوب این زنجیهای سیاهرامنور فرموده بااین‌همه‌مقاومتهای دعات مسیحیین دین حق اسلام خود بخود درمابین اهالی انتشار میشود (امامعارفش) از طرف انگلیز ۶۵ مکتب ابتدائی و ۶ رشدی تاسیس شده واز طرف اهالی وخارجه (۲۲) مکاتب خصوصیه دارند واردات ومصارفش ازیك ملیون‌ونیم فرانك زیاده‌است عساکر وژاندرمه ها همه زنجی و ضابطانش انگلیز است این مملکت اول در (۱۴۴۷) مسیحی ازطرف (الوار وفرناندو) کشتیبان معروف پورتغالی کشف شده ازان تاریخ بعد ازاین قطعه اوروپئیها کشتی کشتی اسیر گرفته به امریکا نقل میدادند در ۱۷۸۷ اسارت لغو شده اسراء این قطعه‌را برای خود ملجأ اتخاذ نمودند اول ازطرف شرکت انگلیز اداره شده بعد ازان در ۱۸۰۷ مسیحی ازطرف حکومت انگلیز ضبط گردید ازان وقت بااین طرف فقط مهجر انگلیز ازنفس شبه جزیره عبارت بود کم کم دراین اواخر دایرهٔ نفوذ وحمایه‌اش را توسعه داده اسنا تمام مملکت را تصاحب نمودند

(فوته جالون)

مملکت اسلامیه ایست درافریقای غربی تابع فرانسه ومنبع انهار کبیره افریقای غربی مثل (نیجر) و (سنغال) و (غامبی) وغیر اینها ودرقسم شمالش غربابا گینه‌پورتغال هم حدوداست حکومت محلیه باطایفهٔ (فولا) واهالی‌مرکب از (فولا) وزنجی‌های سکنه اصلیه ودرافریقای غربی از اهالی واقوام باهوش وبا استعداد محسوب وهمه متدین بدین اسلام‌اند و رئیس خودشان را (الامام) اطلاق میکنند

ومرکز حکومت قصبه (تمبو) وقصبهٔ دیگر بنام (لابه) و (فوقومبه) دارند اراضیشان‌منبت ومحصولدار واغلب زراعتشان پنبه است ومعدن طلا واهن خیلی دارند واز پشم‌وپنبه لباس‌وبقدر احتیاج‌خودشان الات‌وظروف درست‌میکنند تقریبا صد وهفتاد سال قبل ازاین طایفهٔ (فولا) باین مملکت دین شریف اسلام‌را داخل نموده ودر هزار ودویست هجری سیدی ابراهیم نام این حکومت حالیه‌را تاسیس کرده‌است

(لاقانه)

مملکت زنجیهٔ اسلامیه‌ایست درسودان غربی تابع فرانسه‌وجزء سنغامبیا وحاکمش مسلم ومرکز حکومت وتجارتش قصبه (مدینه)

است ودر جزء سنغامبیا دوقصبهٔ دیکری موسوم بهمدینه هست که یکی درساحل یسار نهر سنغال ودرسمت جنوبی (سنتلوئی) بمسافت ۵۷۰ کیلومتر وبرساحل سنتلوئی باخط اهن مربوط است ویکی دیکر مرکز حکومت (اولی) است که در ساحل یسار نهرغامبیه ودر شرق جنوبی سنتلوئی بمسافت ۴۰ کیلومتر واقعاست

(دیافونو)

مملکت اسلامیهایست درافریقای غربی در کنار نهر سنغال ودرجنوب صحرای کبیر وشمال (مدینه) ومرکزش (تامباقاره) یا (تمبکره) وبعض نقاطش را فرانسه ضبط نمودهاست

(فوته تورو)

مملکت اسلامیه واسعهایست درافریقای غربی ودرساحل یسار یعنی جنوبی نهر سنغال وازحدود (والو) که درقرب ساحل است ممتد است تا مملکت (بوندو) طولش بمقدار ۳۵۰ کیلومتر وتقریبا ۳۰۰۰۰۰ نفوس دارد حکومت باطایفه (فولا) است ودراین زمانهای نزدیك عبدالقادر نام از طایفهٔ (فولا) اهالی اصلیه اینجارا که زنجی بودند داخل دین اسلام نموده یك حکومت اسلامیه تشکیل داد وازرؤسا یك نفر را

انتخاب نموده لقب امامی براو داده بتوسط ان مملکت را اداره میکنند وچون ازامتزاج طایفهٔ فولا بازنجها رنك اهالی ومتولدین یك شکل بلون مخصوص هم رساندهاست لهذا اوروپائیها باهالی اینجا (توقولور) یعنی (دورنك) اطلاق میکنند ودرسواحل نهر وسایر اطراف مملکت چندین قصبههای معتبر و تجارتکاه دارد پنجاه وشصت سال قبل ازاین والی سنغامیا از طرف فرانسه براعطاء جزیه برامام (فوته تورو) برای اجراء تجارت مجبور بود اما حالاها اکرچه تمام حکومت دست فرانسههانیست لیکن ادعای حاکمیت دراین مملکت دارند

(بوندو)

مملکت اسلامیه ایست درسودان غربی درداخل سنغامبیا ودر شمال غربی خطهٔ (بامبوق) طول انظمش چهار و پنج روز راهاست وجنکلهای زیاد وابهای فراوان دارد که به نهر (فاله) ریخته میشود واراضی اش زیاده ازحد منبت و محصولدار وغالب محصولاتش پنبه وارزن وچوید وبرنج وتمام نفوسش یك ملیون ونیم وعموما مسلم واکثر اهالی فلاح وحکمدارش مستقل وسلطنتش مطلقه ولقب (الامام) را حایز ومرکزش قصبهٔ (بوابانه) یا (بولیبانی)

که در جنوب شهر (باقل) و ۱۲ و ۱٤ کیلو متری ان واقع وعدد سکانش سه‌هزار وخانه‌های ایشان کوچك وغیر منتظم وکوچه‌هایش تنك ومموج و مثل کوچه‌هایی نجف اشرف پر ازقازورات واهالی صاحب صنعت وبابعضی ازبلاد مغربیه تجارت دارند وازشهرهای معروفش سنکوکولو است که اهالیش درصناعت اهن و طلا حذاقت کامل دارند

(سالوم)

اکرچه سالوم درافریقای غربی‌درسنغال (مهجر فرانسه)اسم نهری‌است که بر محیط اطلانتیك میریزد لیکن حوضهٔ این نهر هم موسوم باسم سالوم‌است حکومت سالوم درحمایهٔ فرانسه درتحت سلطنت یك حاکم محلی اداره میشود با اینکه دین اسلام داخل این خطه شده و بسرعت برق در انتشار واخلاق وعقاید فاسده و خرافیهٔ اهالی‌را زایل میکنند بااین حال بازاکثر اهالی بر (مار) عبادت میکنند ودر مقابل مقر حکومت محلیه درکنار نهر فرانسه‌ها یك تجارتکاه بنام (قائولاق) تاسیس نموده قوماندان ان جهات در انجا اقامت میکنند

(سنغال)

یا (سنغمبیای فرانسه) مملکتی است در افریقای غربی جزء

سنغمبیا درساحل اطلانتیك درکنار نهر سنغال ازمستعمرات فرانسه از (واس ورد) جنوبا ممتداست تاغمبیا مساحت سطحیه‌اش ۲۳۵۰۰ کیلومتر مربع نفوسش‌را بعضی ۱۰۱۰۰۰ وبعضی دیکر ۱۳۵۰۰۰ وبعضی دیکر دویست هزار کفته است بعضی ازبلاد خاصه سواحلش درتحت حکمرانی فرانسه و داخله‌اش حکومات مستقله هستند که درتحت حمایه میباشند

مشهورترین بلادش (۱) (سنت‌لویز) است که عاصمه مملکت ودر جزیرهٔ که ازمصب نهر سنغال ۱۵ کیلومتر دورتر است واقع شده وبیست هزار نفوس دارد (۲) (داکار) است که‌درساحل اطلانتیك درطرف راس اخضر بندر ومتجر معتبرومابین این‌وعاصمه‌باخطاهن مربوطاست (۳) (غوری) است که درقرب راس اخضر درجزیره همنام خود واقع‌کشته (٤) و (٥) (بودور) و (باکل) است که‌درنهر سنغال واقع‌اند اهالی سنغال برسه جنس منسوب‌اند یکی (ماندینغ) که زنجی واهالی اصلیه‌اند (۲) (فولا) یا (فلاح) اند که ازسودان شرقی بلکه ازجهات نوبه وحبشه برسودان وسطی وغربی منتشر شده در افریقای وسطی وغربی وازان جمله در سنغال دین اسلام‌را نشر داده‌اند (۳) عرب‌اند که‌ازشمال

مجرای سنغال تاحدود مراکش سکنی کرفته‌اند اینها هم مسلم‌اند وازطایفهٔ ماندینغ هم اغلبشان دین اسلام را قبول کرده از ظلمت شرك وجهل بیرون امده‌اند بنابراین دین عمومی در سنغال اسلام‌است نه دین وثنی چنانچه صاحب (نخبة‌الازهریه) خیال فرموده مهاجرین اوروپا فقط تجار وعسکر است که بسه هزار بالغ نمیشوند سنغال اخراجات سنویش (۳۶) ملیون ادخالاتش ۹ ملیون ونیم فرانق است (اصول اداره) اش سنغال وملحقاتش با (انهار جنوبی) وبا (سودان فرنساوی) بسه دایره منقسم‌است اما نفس سنغال بتوسط یك والی که ازطرف جمهوریت فرستاده میشود با یك مجلس اداره ویك مجلس انتخاب اداره میشود وبرمجلس مبعوثان پاریس هم حق فرستادن یك‌مبعوث دارند مملکت بر قضاها وقضاها بر ناحیه‌ها منقسم است دران بلادی که فرانسویها سکنی دارند دوایر بلدیه ومحاکم نظامیه موجوداست اکرچه حکومت فرانسه چندین مکتب افتتاح‌نموده برای‌جلب اولاداهالی میکوشند ایکن جدیت علماء اسلام درمنع دخول اولاد مسلمین بران مکاتب سد محکمی‌است درمقابل خیال فرانسه‌ها ومسلمانها چندین مکتب ومدرسه ومحاکم شرعیهٔ مخصوص برخود دارند

(اجمال احوال تاریخیه) اش این است که در (۱۳۶٤) مسیحی ازبحریون فرانسه ازاهالی (نورماندیه) در سواحل سنغال بعضی ازبنادر را کرفته بعد ازچندی مهمل کذاشته پورتغالیها بعد ازان اسپانیولیها وفلمنکیها وانکلیزیها دران سواحل جا کرفتند وصاحب مستملکات شدند دراواخر فرانسه هم‌امده در ۱٦۲٦ مسیحی بعضی‌ازتجارفرانسه‌ازاهالی (دیپ) وبعضی از بنادرمالك‌شدند‌در ۱٦٦٤ م بنادرا بر (شرکت‌مستعمرات) وایشان هم بر (شرکت سنغال) فروختند بعدازان در ۱٦۷۷ و ۱٦۷۸ مسیحی فرانسه ها جزیرهٔ (غوره) را با (یشیل برون) از فلمنك ها بامحاربه کرفتند در هزار وهشتصد مسیحی انکلیزها بعضی ازمواقع سنغالرا ضبط درهزار وهشتصد وهفده براعاده ورد مجبور شدند در اواخر شرکتها ازامنیت واسایش داخلیه عاجز شده دو هزار وهشتصد وپنجاه وچهار دولت فرانسه سنغالرا درتحت اداره خود درآورد

(غمبیا)

مملکتی‌است ازمستعمرات انکلیز ومهجری‌است تنك وطویل‌در قسم اسفل نهر غمبیا ومحاط بااراضی‌فرانسا در سنغمبیا ونفوسش‌را بعضی چهارده هزار وصدونود بعضی دیکر پنجاه

هزار بعضی دیگر صد وپنجاه هزار تخمین کرده‌اند عاصمه‌اش بندر تجارت معتبر (باتورست) است که مرکز حاکم عام افریقای غربی انگلیزاست که بمعاونت مجلس انتخاب اداره مملکت میکنند مساحتش را بعضی نه هزاروششصد کیلومترمربع کفته عجب از بعضی ازمحققین است که درماده سنغال میکوید که منصب غامبیه باقسم اعظم مجرای اوتابع انکلیزاست ومهجر انگلیز توی مهجر فرانسه است ومساحت همه صد وپنجاه وهشت هزار کیلومتر مربع است وهشت هزار کیلومترانش برمهجر انگلیز عابداست

ودرماده غامبیه میکوید مساحت سطحیه تجارتکاه مؤسسه انگلیز که بالای این نهراست با اراضی که درتحت بیرق انگلیز است ۵۵ کیلومتر است مابین تحدیدین تفاوت زیادی است مکر اینکه کفته شود که مراد ازتحدید با ۸ هزار کیلو متر تمام ان اراضی است که درتحت بیرق انگلیز وملك طلقند باان اراضی که فقط تبعیت دارند یاتحت الحمایه‌اند ومراد از ۵۵ کیلومتر فقط ان اراضی است که ملك طلق انگلیز است غمبیا با سنغال که ذکرش کذشت جزء ممالك سنغمبیااست و تسمیه این اقلیم به سنغمبیا بواسطهٔ این است که درقدیم این اسم را برمابین دونهر (سنغال) و (غمبیا) اطلاق مینمودند اما امروزه

شامل میکیرند برجمیع بلادیکه میانه سنغال ومستعمره سیرالیونه واقع است که شمالا با صحرا وشرقا با سودان و جنوبا با سیرالیونه وغربا با اطلانتیك محدود است وچون حدودش از جهة شرق معین نیست مساحتش هم بطور تحقیق معین نشده بعضی ازمحققین صد وپنجاه وهشت هزار وبعضی از جغرافیون ترك مساحت را نهصد وپنجاه وهشت هزار و ششصد کیلومتر مربع ونفوس را هشت ملیون ودویست هزار وبعضی دیگرمساحت را دویست هزار میل مربع کفته بعضی دیگرهم این قول را راجح شمرده ونفوسش را ۹ ملیون بیان کرده ومؤلف (بیوك جغرافیا بعد ازبیان مساحت بمقدار هفتصدهزار کیلو متر مربع درنفوس اغراق فرموده ۱۳ ملیون نوشته وهمه را مسلم فرموده بلی این همه اراضی وسیعه وممالك جسیمه که امروزه ازتعیین مساحت ونفوسش عاجزیم وهمه بنقل اقوال وتخمین میپرازیم چندی نکذرد که ایشان را بحال خود نکذارند مملکتشان را وجب بوجب مساحت ونفوسشان را دانه دانه از روی تحقیق کامل عد نمایند ومثل ریشهٔ درخت عرض و طول مملکتشان را خط اهن کشند ان قدر برسر و صورت ودماغ انها بزنند که از کسالت خراب جهالت بیرون ایند

دنیا صاحب دارد. حکم حکم غالبست وحق بر طرف قوت سیل تمدن این کثافت وخس وخاشاك مملکت را شسته ازمیان خواهد برد

(قابور)

مملکتی است درافریقای غربی که از منصب نهر (سنغال) تا (یشیل برون) وازساحل درجهة شمال صد ودرجهة جنوب سی کیلومتر بوداخل ممتداست وطول سواحلش صدوشصت کیلومتر واهالی دویست هزار مرد طرف شمالش عموماً مسلم ودر جنوبش بعضیها مشرکند اگرچه امروزه از مستعمرات فرانسه محسوب است لیکن درحقیقت درتحت ادارهٔ یك حکومت اسلامیهٔ مستقله ایست که فقط درسواحل بعضی ازنقطه‌ها درضبط فرانسه است

(جزیرهٔ سقطری)

یا سقطرآء یا اسقطری یا سقوطره یا سقطره واسم قدیمش (دیسقوریده) یا (دیسقوریدس) جزیره‌ایست در محیط هندی درمقابل ساحل حضرموت وصد وهفتاد کیلومتری (راس عسیر) طولش از شرق بغرب ۱۱۵ و عرضش درجای وسیع ۴۰ کیلومتر ونفوسش تقریبا شش

هزار سکنه‌اش عرب ومسلم ودرمذهب نسطوری مقداری هم نصاری دارد که درساحل شمالش قصبه‌موسوم‌به (تمریده) یا (تاماریدا) دارد که عاصمهٔ جزیره‌است ازسواحلش مرجان استخراج میکنند اوسطاطالیس هنگام سفرش بوشام درحق این جزیرهٔ براسکندر نوشته تصرف این جزیره‌را توصیه‌نمود اسکندر هم جماعتی‌را ازیونانیها برانجا فرستاده براهالی هند سکنه انجا غلبه کرده جزیره‌را مالك شدند وهندیها دراینجا بت‌بزرك داشتند که بعد ازمغلوبیت بهند نقل دادندبعد ازموت‌اسکندر وظهور دین‌حضرت مسیح علیه‌السلام یونانیهای انجا دین‌عیسویترا قبول کرده درظهور دین اسلام اغلب دین اسلام‌را اختیار وقلیلی بر مذهب نصرانیت باقی ماندند مدتی این جزیره در تواریخ مسکوت عنه بود در (۱۵۰۹) مسیحی این جزیره‌را پورتغالیها ضبط نموده بعد ازان بدایرهٔ اطاعت امام‌مسقط داخل شده در ۱۸۳۵ مسیحی انگلیزها از امام باپول اشترا، نمودند

همان طوریکه دولت ایران ازاب شور بحر خزر غمض عین فرموده امام هم انگلیزهارا گول زده این جزیره را بایشان فروخت

(صومال)

مملکتی است در افریقای شرقی میانه خلیج عدن ومحیط هندی وبعبارة اخری یك قطعه ایست ممتد از زنکبار تا باب المندب یا مملکتی است درجنوب خلیج عدن وممتد است از بوغاز باب المندب وراس قردافوی یا راس عسیر تا شاطی نهر (دومو)

اهالیش عموما مسلم وعرب والفتشان مرکب است از عربی ولغة (غالا) وبعضیها دراین اواخر برای ایشان لغة قدیمه وسیعة الالفاظ اثبات نموده مساحتش هفتصد پنجاه هزار کیلومتر مربع وبعد از ملاحظه سعهٔ مملکت وتخمین چندین نفر از جغرافیون (مثل صاحب (نمونه جغرافیا) و (بیوك جغرافیا) نفوسش را از هشت ملیون تا ده ملیون) ظاهر میشود که تحدید صاحب نخبة الازهریه نفوس را بمقدار دویست و پنجاه هزار تفریط است اکر بر سواحل مملکت چنانچه عرض خواهد شد اوروپائیان دست یافته اند از دخول بر داخله مملکت تا کنون بواسطهٔ مقاومت اهالی محروم مانده اند وبر اجرای تحقیقات درداخله هنوز موفق نکشته اند داخله مملکت در تحت ریاست شیوخ قبایل اداره میشود ازمشاهیر حکومات داخله حکومت اسلامیه (هرار) است که مرکزش هم همنام خودش است ازقسم ساحل یکی را (عادل) یکی دیکر را (عجان) کویند

(بوید) و (توجور) ازقصبات مشهوره انجا است

اهالی دیندار نجیب مهمان نواز وباتمام افریقای وسطی اجرای تجارت میکنند معارفشان ترقی ندارد بر مدارس موجوده خودشان ازعمان ومصر برای تعلیم اطفال خودشان معلم ومدرس جلب میکنند دراخر ایشانهم زیر بیرق اوروپائیان خواهند رفت اکرداری مملکت مثل مملکت کبری اسباب و الات وعلم ومعرفت میخواهد که ندارند ازاین جهة است که سواحل محیط هندی که مشهورترین بلادش (بروه) و (مرکه) و (مقدوش) است درتحت نفوذ ایطالیا درامده وسواحل شمالیه اش که در خلیج عدن است ازخلیج (تاجوره) تا (بندرقاسم) درتحت احتلال حکومت انکلیز و مقداری هم از داخله درتحت نفوذ اواست ومرکز مستعمره اش (بربره) ومحل اقامت قونسول انکلیز است که بقوه جنود هندیه در تحت ریاست ضباط انگلیزیه این مستعمره را اداره میکند ومشهورترین بلاد این مستعمره (زیلع) است که بندر تجارت است درخلیج عدن واین مستعمره قبل ازاستیلای انکلیز براو تماما در تحت حکومت خدیوی بود مملکت (بربره) را که جزء صومال است اوروپائیها (عدل) یا (آدل) نام

داده اند بطول ساحل جنوبی خلیج عدن از باب المندب تا راس (غوارده فونی) ممتداست از خشکی حدودش معین نیست ومرکزش همنام خود شهر (بربره) است که در زمان مدنیت اسلامیه خیلی بزرگ و معمور بود وبعض اثار قدیمه‌اش مثل مجرای ابها وغیره بر معموریت قدیمه‌اش دلالت میکنند امروزه عبارت از چندین هزار چادر ویك محل بازار عمومی است که سالی یك دفعه از تشرین اول تا مارت یعنی پنج ماه برقرار است که در این بازار اجناس داخله افریقا مثل دندان وکرگدن وخاك طلا وغیر اینها بامواد تجاریه سواحل بحر احمر و بصره و هندستان از قماش وامتعه ومحصولات مبادله میشود و بواسطهٔ همین بازار بربره یك شهر بزرگ ومعتبری خواهد شد

(زنگبار)

یا بعربی (زنجبار) یعنی (بلاد زنجی‌ها) یا (برزنجیها) مملکت اسلامیه ایست شامل برجزیره که موسوم به جزیره زنجبار ودرمقابل ساحل شرقی افریقا واقع وبربلاد واسعهٔ که درمقابل این جزیره است اصل مملکت زنگبار را تحدید نمودن از طرف غرب مشکل است زیراکه بحسب قوت وضعف دولت زنگبار حدود وسعهٔ مملکت اختلاف پیدا کرده وحد طبیعی

هم ندارد اما ازطرف جنوب با بلاد (موزامبیق) واز طرف شرق با بحر محیط هندی وازطرف شمال با بلاد سومال محدوداست بلی ازانجاییکه این مملکت واین بلاد واسعه غیر از جزیره‌اش درمابین انگلیز والمان قسمت شده یعنی جنوبش بنام (افریقای شرقی المانی) جزء مستعمرات افریقائی المان وشمالش بنام (افریقای شرقی انگلیزی) جزء مستعمرات افریقائی انگلیز شده ونفس جزیره هم دردست سلطان زنگبار باقی مانده است میتوانیم حدود امروزه این حصص را بطور تحقیق بیان بنمائیم (اما افریقای شرقی انگلیزی) درمابین نهر (جوب) وبحیره (اوکریوه) واقع وبربلاد شمالی منابع نیل هم شامل وممالك (اوغاندا) و (اؤنیورو) جزء این مستعمره است ومساحت هشتصد هزار کیلو متر مربع ونفوس هفت ملیون وسکنه شرقی مسلم وغربی وثنی وعاصمه (ممباسا) در ساحل محیط هندی ونفوسش ۱۵ هزار و ازشهرهای معروفش (میلنده) درشمال (ممباسا) و خط آهن از (ممباسا) تاسواحل بحیره (اوکریوه) ممتد است (اما افریقای شرقی المانی) شرقا بامحیط هندی وغربا با بحیره (نیاسا) وبحیرهٔ (طانغانیقا) وشمالا با بحیره (اوکریوه) و

کوههای (کلیمانجارو) وجنوبا بانهر (رووووما) که‌حدفاصلست
ما بین افریقای شرقی پورتغالی و مابین این مستعمره مساحت
(۱) ملیون کیلومتر مربع ونفوس (۳) ملیون‌زنجی
طرف شرق مستعمره مسلم غربش وثنی عاصمه دار
السلام و اشهر بلاد (اوجیجی) درساحل (طانقانیقا) و
(بغاموبو) دوساحل محیط هندی درشمال دار السلام که ۲۰
هزار سکنه دارد و (طابورا) عاصمه (اؤنیاموبزی) است
و (اما مملکت سلطان زنگبار) اگرچه المان وانکلیس در
اول تقسیم خاك زنگبار مقدار جزئی ازسواحل هم‌محبت‌فرموده
برای سلطان زنگبار اسما تخصیص داده ورسما باز بحسب نفوذ
مابین خودشان منقسم بود لیکن بحسب حقیقت انچه امروزه
سلطـــان مالك است همان جزیره زنجباراست بس که درمحیط
هندی ودر ۲۰ کیلومـتری ساحل افریقای شرقی واقع و
طولش ازشمال به جنوب ۸۰ و عرضش ۲۵ کیلومتر مربع
و نفوس ۲۰۰۰۰۰ عموما مسلم قسم اعظمش مهاجرین
عمان است ازعرب وباقی زنجی مقر سلطنت شهر زنگبار
است درساحل غربی جزیره زنگبار که نفوسش‌را ۸۰۰۰۰
وبعضی دیگر مساحت را ۲٦٤۰ کیلومتر مربع ونفوس را

صد هزار گفته وارداتش ۱۰٥۷٦٤ لیره عثمانی
ومصارفاتش هم بمقدار واردات ادخالاتش ۱۲۱٦۸۷۱
اخراجاتش (۱۱۸۸۳۲۰) لیره عثمانی‌است قوهٔ حربش هنگام
حرب ۱۹۰۰ وهنگام صلح (۹۰۰) خود درتحت حمایهٔ انگلیز
است (اجمال احوال تاریخش این است) زنگبـار مقر دول
اسلامیه بوده تادر ۱٥۰۳ پورتغال داخلش شده تملك نمود در
۱٦۹۸ اهالی عصیان و پورتغال را بیرون کرده مستقل
شدند تاوقتیکه سید احمد بن سید سعید سلطان مسقط درهزار
وهفتصد وهشتاد وچهار مسیحی اول جزیره بعد ازان‌سواحلرا
ضبط کرده بعد ازفوتش پسرش سید سعید دوجای پدر در
مسقط نشسته بعد ازپنجاه سال حکمرانی در ۱۸٥٦ وفات کرده
در مابین پانزده اولادش نزاع واقع شده دراخر وقتیکه نزدیك
بود که طرفداران سیدمجید که بعدامیر زنجبارشد بر مسقط
مستولی شوند بتوسط مصلح خیر اندیش دولت انکلیز با ماوت
سید توینی درمسقط وسید مجید در زنگبار نزاع بختام رسیـد
وبنا بر این شـد که امیر زنگبار بواسطـه کثرت ثروت طبیعی
سالیانه چهل هزار ریال برامیر مسقط برسبیل اعانه بدهـد

«۱» ودر ۱۸۷۰ مسیحی سیدمجید وفات کرده برادرش سید برغش برجای او بتخت نشست ودر ۱۸۷۳ مسیحی برابطال مبیع عبید معاهده نمود دوسنه ۱۸۷۵ حکومت مصر بعضی از بلاد سومالش را ضبط کرده بواسطهٔ دایه مهربانتر ازمادر دولت انگلیز استرداد شد از انجائیکه سلطنت زنجبار ازاقوی‌ترین دول اسلامیه افریقابود عربها درسایه‌قوت‌این سلطنت‌ازسواحل محیط هندی‌تابحیره طانغانیقا و نیازه منتشر وزراعت وتجارت را ترویج وسیاهها‌ی معتاد به تنبلی وشقاوت‌را ازلوث شرك‌بادخال بدین اسلام پاك نمودند بعد ازاینکه با وحشی ها‌ی داخله اختلافشان شد انگلیز بی غرض طرفدار وحشیها شده دولت زنگبارورا دوچلو مشکلات نمود سلطان سابق (سیدبرغش) بر اوروپا رفته برای خلاصی بخهاش ازدست‌انگلیز با المان روابط دوستی را محکم نمود ازقضا بخهاش بدست المان هم گیر کرد یعنی المان ازاین ملاقات استفاده نموده درتقسیم مملکتش

« ۱ » امروزه دولت انگلیز مثل پدر مهربان هردو امارت را درتحت جناح خود کشیده ومملکتشان‌را محافظه واززحمات‌روابط سیاسیه خارجیه ایشان‌را راحت کرده ایرانیها از این ملاحظه‌ها متنبه شوند وتاریخ تقسیم زنگبارورا بنظر دقت بخوانند

با انگلیز متحد شدند چون فهمیدند که این لقمه‌را تنها نتوان خورد واهالی اصلیه بالسانیکه مخصوص طایفهٔ کافر است تکلم میکنند سلطان حالیه سیدخلیفة بن حاوب بن نوینی بن سعید بن سلطان‌است که در ۱۹۱۱ مسیحی بعد از استعفا، سید علی بن حمود بن محمد بن سعید بواسطه انحراف مزاج از سلطنت بر تخت زنگبار جلوس نمود قصر سلطنت زنگبار سه طبقه درصورت خیلی قشنك وحسن منظر ودر کمال متانت واستحکام بانهایت وسعت درکنار دریا بالای ستونهای مرمر ساخته شده وزمینش باسنگهای نفیس ومرمر فرش وبویك‌دوقصرش که بانقشهای فاخر ومیخهای نقره مزین‌است قریب دوهزار لیره عثمانیه خرج شده وقصورش بافرشهای گرانبها صنعت هند مفروش وتخت خیلی نفیس وپر قیمتی دارد کاش بعوض اینها یك کوخ داشت و بروی خاك مینشست ودرحمایت انگلیز نمیشد

(تانغانیغه)

مملکتی‌است درافریقای وسطی درمیانه (افریقای شرقی‌المانی) و (قونغوی ازاد) که دووسطش بحیره (تانغانیغه) است که ازشمال بجنوب شرقی‌طولا زیاده‌از ۶۰۰ کیلومترمربع‌ممتد شده

و منتهی عرضش ۱۵۰ کیلومتر مربع و خط استوا از وسط نصف شمالی این بحیره گذشته انهار عدیده باین بحیره میریزد ودراطراف بحیره چندین قری وقصبات و معموره هست باقی بادیه نشین ورحاله هستند دراول در تحت حکمرانی دولت اسلامیه زنگبار بود اخیراجز، مستملکات المان گشته بر افریقای شرقی المانی الحاق شده است

(مانیما)

مملکت وسیعه ایست درافریقای وسطی دوجهة غرب قسم شمالی (تانغانیقه) وازطرف مشاهیر سیاحان (لیونیغستون) و (استانلی) و (قامرون) کشف شده حدود ووسعتش اگر چه تاحال معلوم نیست لیکن بعضی ازجغرافیون مساحت سطحیه اشرا ..۳۸۵۴۴ کیلومتر مربع وسکنه‌اش را ......۴۲ تخمین کرده اند نظر به‌تعریف سیاحان مشار الیهم این مملکت بهترین نقاط کرهٔ ارض وتمام اراضی تابالای تپه‌ها وکوهها پراز اشجار ونباتات و وادیهای خوش منظره و جنگلها ومیاه جاریه‌اش انسان‌را بحیرت میاندازد اهالی زیاده ازحد وحشی ومردمان ضعیف‌را ابدا رحم نکنند وذاتاً خودشان مردم خوار نه‌فقط انکس‌را میخورند که کشته‌اند بلکه کسانیرا هم که بمرض مرده‌اند

میخورند اهالی مسلح بسلاح قدیم ازگرز وسپر وتیر و قری وقصبات منتظم وکوچه‌ها وسیع ودر وسط هر قریه برای مذاکره وصحبت عمومیه یك‌دایره عمومیه درست کرده‌اند وهرقریه وهر قبیله یك رئیس و پیش هررئیس یك طبال هست که هنگام حرکت رئیس طبل میزنند اسلامرا در این مملکت تجار عرب داخل کرده [۱] رئیس تجار عرب که اززنگبار باینجا امده است درنزدیك مجرای قونغو قصبه نیانغوئه را مرکز خود قرار ودرمعیت خود قونی تشکیل داده ودرهرطرف مملکت وکلا، ونوکرها و خدمه‌ها گذاشته اینها بعنوان سپاهی اجرای تجارت ورئیس موی الیه بمنزله حاکم مستقل مملکت وبمقدار حاکم مستقل برای خود نفوذ واقتدار کسب نموده گذشته ازتجارت درنشر دین اسلام مجاهدات کامله نموده اهالی‌را که برمواد خسیسه عبادت میکردند بر دین اسلام داخل نموده همان طوریکه برف از آفتاب آب میشودهمان طور

[۱] خداوند عالم برقوم نجیب عرب جزای خیر بدهد که حقوق اسلامیت گردن همه مسلمین عالم انها دارند و برهمه جا دین اسلام‌را ایشان داخل کرده اند عامه مسلمین الی الابد رهین منت ایشان باید باشند

دین اسلام کفر وشرك اهالی‌را محو میکنند حتی اهالی کوشت انسان‌را ازعربها مخفی میخورند و نزدیك‌است که این عادت میشومه بالمره ترك شود در ۱۸۸۵ مسیحی درمؤتمر برلین این مملکت برقونغوی ازاد ملحق گشته درخریطه‌هالون قونغوی ازاد براو دادند تاکنون عربهای مذکور از حکومت قونغو اطاعت درست ندارند

(قونغوی ازاد)

دولت مستقلهٔ ازاد بی‌طرفی‌است دروسط افریقا شمالا با نهر اوبنجی واراضی (نیام‌نیام) وغربا با قونغوی فرانسه ومحیط اطلانتیك و (آنغوله) مستعمرهٔ پورتغال وجنوبا با آنغوله وبا مستعمرهٔ (افریقای جنوبی انکلیز) وشرقا با مستعمره (شرق افریقای المانی) و (شرق افریقای انگلیزی) محدود است مساحتش‌را بعضی یك ملیون ودو هزار بعضی دو ملیون ودویست وچهل ویك هزار ودویست‌پنجاه وبعضی دو ملیون وسیصد و هشتاد هزار وبعضی دو ملیون ونیم کیلومتر مربع کفته نفوسش‌را بعضی ده بعضی چهارده بعضی نوزده بعضی (۲۵) ملیون نوشته اهالی زنجی ومنسوب بر جنس (بانتو) طرف سواحل مشرك ودرطرف شرق وشمال

اغلب مسلم عربهای سفید ومهاجرین زنکبار هم نوی ایشان زیاداست اصل مرکز اداره در (بروکسل) پای تخت بلجیك وحکومت قونغو اداره‌اش دستوری وحاکم عمومیش بصفت والی وکیل پادشاه بلجیك عاصمه مملکت بالای نهر قونغو قریب بساحل اطلانتیك قصبه (بوما) ومملکت رابر ۱۲ ایالات منقسم نموده درهریك یك‌حاکم اورووپائی حکمران است

و هرقبیله یك امیر دارد این حکام اورووپائی فقط درحفظ امنیت ودفع حالات بربریت مداخله کرده درشئونات داخلی قبایل مداخله نمیکنند بلاد مشهوره‌اش سان‌سالوادور

موکیسانتو سوسامبا بانانا لئوپول‌دوپل کیله‌میا وی‌وی دولو قاسونقو ماتادیه استانلی‌پول کواتو وویل ستانلی‌فولس نیانجوی واردات ۱۳۱۷۲۱۲ مصارفات ۱۵۳۱۲۲۸ ادخالات ۱۹۷۲۴۷۶ اخراجات ۵۲۱۶۳۳۲ لیره عثمانی طول خط اهن ۴۷۸ کیلو متر مربع عدد مراکز پسته ۴۹ مرسولات پسته وتلغراف ششصدو سی وسه هزار وصد سفائن تجاریه که بربندرها واردوخارج میشود ۶۷۱ وقوهٔ بریه‌اش (۱۵۶۰۰) جهازات نقاله‌اش ۴۱ عدداست ودرداخله چندین حکومات مستقله هست مثل

(متسا) که ۳ ملیون و (موعاتا یاموو) که ۱ ملیون و (قاسوتقا) که ٤ ملیون نفوس دارد اکرچه استکشاف این بلاد در ۱٤۸۲ مسیحی شده ولیکن داخله‌اش مجهول بود وسیاح شهیر (ستانلی) در ۱۸۷٤ کشف نمود وپادشاه بلجیك بر متمدن نمودن اهالی افریقا اهتمام زیاد داشت و برای این مطلب جمعیات دولی تشکیل داد وقتیکه کشفیات (ستانلی) بایشان رسید پیشش خوانده احسان زیادی بایشان نمود وبرانشاء یك نقطه استعماری دراین بلاد متعهدشد وازانجا شرکت قونغوی دولیه تاسیس گردید واین شرکت ملوك وطنیه‌را بر تنازل از املاك خودشان راضی ودول هم این تنازل را تصدیق نمودند در مؤتمر برلین در ۱۸۸٤ مسیحی قونغو یك دولت بی طرف ومستقل درتحت رعایت پادشاه بلجیك قرار داده شد وقتیکه دولت انگلیزدر ۱۸۹۵ مسیحی خواست بعضی از اراضی شرقیه را ازاو اجاره بکند فرانسا راضی نشده با حکومت قونغو درهمین سال عقد اتفاق بست براینکه هر وقتیکه حکومت قونغو خواسته باشد ازجائی تنازل بکند یااجاره بدهد برای فرانسه حق شفعه باشد

(موزنبیق)

یا موزامبیق یابلسان پورتقال موسامبیق مملکتیست از مستعمرات پورتقال درساحل شرقی افریقای جنوبی ودر مقابل جزیره (مداغسقار) ومنتهی طول از طرف شمال ازراس (دلفادواست) تا خلیج (دلاغوآ) که در طرف جنوب است شمالا با زنکبار یعنی بطول مجرای نهر (رووومه) تا بحیره (تاقانیقا) وشرقا با محیط هندی وجنوبا از آب باخلیج (دلاغوا) وازخشکی با مملکت (اماتونغه) ازممالك (زولو) وغربا با مستعمره (افریقای جنوبی انگلیز) محدود است درمساحت مثل نفوسش اختلاف کثیر است

مساحت را سیصد ملیون میل مربع وهفتصد وشصت ویکهزار وصدویك ملیون ویك ملیون وهشتصد ونود وششهزاروچهارصد کیلومتر مربع کفته اند ونفوس را چهار صد هزار و پانصد وپنجاه هزار ویك ملیون وپانصد هزار و دوملیون و دوملیون وسیصد هزار نوشته‌اند طرف جنوب (زمبزه (از طایفهٔ (کفره) و شمال از جنس سودان سکنه سواحل اغلب عرب وپورتغالی است دین اهالی وثنی ودین اعراب اسلام وباقی مسیحی که خیلی کم‌اند پیش ازپورتقالیها عربها

دراین مملکت مهجر تاسیس نموده ودین اسلام را هم نشر داده اند امروزه متمدن ترین اهالی انجامسلمان وداخله مملکت مشرکست حکومتش عبارت ازیك والی است که ازطرف پادشاه پورتقال معین میشود ویك مجلس اداره مرکب از مامورین ملکیه ومالیه وامراء عسکریه دارند وازاعیان مملکت دوبلدیه وعندالحاجة طرف شور واستشاره والی واقع میشوند واز بلاد مشهوره اش سوفالا انهامبانه سنا تته کلیمانه ومرکزوعاصمه اش موزامبیق است که درساحل شرقی افریقای جنوبی بالای یك جزیره کوچك قصبه ایست خوش منظرومتجر وبندری است معتبر که ٨ هزار نفوس ویك جمعیت جغرافیه دارد ویك جریدهٔ موسوم به (افریقای شرقی) نشر میشود تلغرافهای تحت البحریش از طرفی به عدن واز طرف دیگر برأس امید مربوط است دراول قرن ١٦ مسیحی یعنی در هزار وپانصد ودو مسیحی این قصبه باملحقاتش درتحت حکومت منتظمهٔ یکی از ائمهٔ عرب (سلطان ابراهیم) نام بوده بعدازان پورتقالیها مثل سایر اورو پائیها بابعضی ازدسایس وحیل این حکومت را تنازل داده مملکترا ضبط نموده اند

(جزائر قوموره)

چهار جزیره مجتمعه ایست درمقابل ساحل شرقی افریقا ودرجهة شمال بوغاز موزامبیق که بطول ٢٤٥ ازجنوب شرقی تا شمال غربی ممتداند مساحت سطحیهٔ این چهار جزیره بانفوسش بقرار ذیل است

جزیره	کیلو متر مربع	اهالی
قومورهٔ بزرك	١١٠٢	٣٥٠٠٠
موهلی	٢٩١	٦٠٠٠
آنژوان	٣٧٥	١٢٠٠٠
مایوته	٣٥٦	١٢٠٠٠
جمعا	٢١٢٤	٦٥٠٠٠

هریکی ازاین جزائر یکی دوتا قصبه درسواحل دارند تمام قری را و قصباتشان باسور وقلعه محاط واهالی اصلیه شان زنجی هائی هستند که ازافریقا باینجاها عبور نموده اند سه قرن اول ازطرف بحر احمر بعضی ازعربها باین طرف عبور کرده این جزایر ضبط وچندین حکومات اسلامیه صغیره مستقله تشکیل دادند وبا وطنیین اززنجیین روابط صهریت را عقد نموده از کثرت اختلاط وامتزاج شکل قوم واحدرا هم رسانیدند الان عموم

سکنه مسلم وقوم نجیب ومانوس وتاجر وبا لسان عربی متکلم اسما ازمستملکات فرانسه محسوب رسما درتحت ادارهٔ رؤسا، عرب اداره شده یك کوه اتش فشانی هم دارد که ۱۸۶۵ مسیحی علامت اشتعال ازاو ظاهر شده است اکرچه جغرافیای (مایوته) اینجااجمالا معلوم‌شد لیکن نظر به بعضی‌ازخصوصیات مستقلا هم ذکر خواهد شد

(مایوته)

جزیره‌ایست دربحر محیط هندی درمابین ساحل شرقی افریقا و (ماداغسقار) وازجزایر (قومووه) ودرجنوب شرقی انها که اهالی (ماوته) و (ماوری) تسمیه اش میکنند ازشمال به‌جنوب ٤٠ کیلومترطول‌دارد مساحت۳۵۰ کیلومتر مربع سکنه ۱۲۰۰۰ ثلثان اراضی کوهستان وبرکانی هوایش معتدل میزان الحراره تا ۳۱ درجه میرسد بارانش از تشرین ثانی تا مایس زیاد محصولات (نی‌شکر) (قهـوه) (پنبه) (کاکاؤ) وسایره واهالی از عرب و زنکباری و ماد اغسقاری و هندی مرکب اند لسانشان باخیلی ازکلمات عربیه مخلوط شده شبیه به لسان اهالی سواحـل زنگبار است وهمین لسان مختلط را باخط عربی مینویسند متمدنین ودرس

خوانده ومکتب دیده‌هاشان عربی فصیح هم میدانند ودرمکاتب ومدارس خودشان لسان عربی‌را تحصیل میکنند بر مکاتب فرانسه نمیروند اهالی عموما مسلم ذکی ومستعد وقانع وحکومت ازطرف فرانسه عبارت ازیك قوماندان ومامورین ملکیه وعدلیه ومجلس اداره است وخود جزیره بر چهـار مدیریت منقسم واردات ومصارف سنویه‌اش ۲٤۱۰۰۰ فرانقست

(نوسی به)

جزیره‌ایست تابع‌فرانسه درمقابل شمال‌غربی ساحل‌ماداغسقار بمسافت ۱۲ کیلومتر ازساحل دورتر مساحت ۲۹۳ کیلومتر مربع نفوس ۹۵٤۰ واراضی اکرچه برکانی‌الاصل‌است لیکن ازجهة کثرت میاه‌جاریه زیاده ازحد منبت واهالی از طایفـهٔ (سقالاد)ماداغسقار تجارت‌دست مسلمانهای‌عرب‌وهند وبندر خوب ومقداری هم خط اهن دارد

(ماداغسقا ر)

جزیره‌ایست دربحر محیط هندی در مقابل شرقی افریقایـے جنوبی بمسافت ۳۹۰ کیلومتر ازساحل دورتر و بزرگترین جزائر افریقا بلکه بعدازجزیره (اوسترالیا) و (غرونلاند) بزرگترین جزائر دنیااست طولش از شمال به جنوب ۱۵۱۵

ومنتهای عرضش ۶۰۰ وعرض وسطش ۴۷۰ کیلومتر مساحتش مثل نفوسش خلافی است مساحت‌را پانصد ونود هزار و۵۹۱۹۷۰ وپانصد ونودودو هزاروصد وششصدهزار وششصد ونود هزار گفته نفوسش‌راهم ۲،۶۴۴،۶۷۲ و ۳ ملیون و ۴ ملیون و ۶ ملیون نوشته‌اند درهرحال وسعتش از فرنسا بیشتر است

بعضی احتمال داده‌اند که اهالی اینجا اول از افریقا بعد ازان ازجزیرة العرب آمده‌اند دخول دین اسلام هم باین جزیره از عرب جزیرة العرب است عموم اهالی به ۲۰ قوم و قبیله منقسم شده یکی از اینها که طایفهٔ (آنتایمور) است اصلا از مکه معظمه هستندوبعضی ازسیاحان دربیش اینها ازنسخ قدیمهٔ کتب عربیه پیدا کرده‌اند وازاقوام‌معروفه‌اش یکی‌هم (ساقالاو) یا (سقلاوی) است تمام اهالی بایك لسان متکلم شده بلسان (ملایی) شباهت زیاد دارد وخط‌مخصوص ندارند اکثرشان خط عربی مینویسند ودردستشان بالسان محلی و مخلوط باکلمات وتعبیرات عربی کتب سحر وافسون وادعیه دارند ازنجاه و شصت سال باین طرف بالسان (لاتین) تحریر میکنند در اوایل بواسطهٔ نفوذ تجار و ملاحان عرب دین اسلام داخل ماداغسقار شد دران حینیکه اهالی پرتعدن اسلامیت‌مایل‌وراغب

بوده اند بواسطهٔ جدیت دعات مسیحیین طایفهٔ (هووه) دین عیسویت‌را وسما قبول کردند مقدم براین هر قبیله یکرئیس داشت ودرمسایل مهمه ازاعیان و بزرگان وپیره مردها مجلس تشکیل میدادند دراواخر طایفهٔ (هووه) برجزیره حاکم شده اصول اداره اولیه را برچیده رؤساء واعیان وشیوخ را بادری تخت بعنوان حبس نظر نگهداشته حتی ماذون نبودند که برسر املاك وزراعتشان بروند ازانجاییکه این جور حکومت دوامی وثباتی ندارد دولت فرانسه بیك وسیله سوق عسکر کرده جزیره‌را درتحت حمایه گرفته جزء مستملکات خود قرار داد ازانجاییکه حکومت (هووه) شامل همهٔ جزایر نیست در سایر نقاط هم حکومت مستقله خیلی دارند عاصمهٔ مملکت ومقر دولت هووه (تاناناریوه) است که (۱۰۰) هزارنفوس دارد

قدما جغرافیون یونان ورومان ابدا ازاین جزیره معلومات نداده‌اند اول معرف این جزیره بر اهل دنیا جغرافیون عرب بوده‌است ازقدیم عربها باین جزیره امد وشد نموده در سواحل مهجری برای تجارت اتخاذ نموده بودند از جغرافیون اسلام مسعودی باین جزیره (جفونه) و ادریسی (شزبزه)

نام داده اول کسیکه باین جزیره نام (مداغسقار) داد سیاح
شهر (مارقوبولو) بوده ودر اوروپا هم این نام شهرت نمود
بعد از عرب در (۱۵۰۶) مسیحی پورتغال کشف این
جزیره نموده در (۱۶٤٤) م فرنساویها درسواحل مصارف
تجاریه تاسیس نموده انکلیز در (۱۸۱۱) مسیحی برمؤسسات
فرانسه مستولی شده دولت (هووه) استرداد نمود بعدازانکه
دین عیسویت را قبول نمودند راه اوروپائیان باینجا باز شده
تختهٔ دولتشان دست اوروپائیها گیر کرد تادر (۱۸۸۵) م
بموجب معاهده داخل حمایهٔ فرانسه شده در (۱۸۹۵) م
بعد ازنقض (هووه) معاهده را ومحاربه‌اش بافرانسا براملاك
فرانسه منضم شد وامروزها مقداری خطاهن‌دارد فرانساویها
هم در توسعهٔ تجارت اینجا میکوشند

(قافرستان)

صحیحش کافرستان اگرچه کافرستان‌را درخرایط در جزء
مستعمرات افریقای جنوبی انگلیزی دومنتهی الیه ساحل شرقی
افریقا درمابین مستعمره (قاپ) وحصهٔ از (اورانژ) غرباً
و (اورانژ) و (ناتال) شمالا و (محیط هندی) شرقا و
جنوبا رسم میکنند لیکن در حقیقت کافرستان عبارت ازمحل

سکنای طایفهٔ کافراست که ازجنوب منصب نهر (زامبز) بطول
ساحل شرقی ممتد است تاحدود راس امید و از کنار
دریاتاپشت سلاسل جبال که بیابانها ویلاقهای داخلی افریقارا
ازهم جدا میکند واعطاء وموهبت اسم کافر براین طایفهٔ از
ازعربهای یمن وعمان است که درزنجبار وساحل الذهب مهجر
تاسیس کرده بودند و اسلام هم بواسطهٔ ایشان داخل این
مملکت شده‌است وقتیکه پورتغالها این سواحل را کشف نمودند
کافروا علم ظن نموده بدون التفات برمعنی آن ازدهن عربها
اخذ کرده داخل‌اصطلاح جغرافیا نموده کم کم کاف‌واهم‌تبدیل
بقاف کرده قافر گفتند مجموع محل سکنای طایفهٔ کافر طولا
ازشمال بجنوب (۲۰۰۰) کیلومترعرضا مابین(۲۰۰) و(۲۵۰)
کیلومتراست اگر ازکافرستانیکه داخل پورتغال‌است اغماض نمائیم
کافرستانیکه درجنوب خلیج (دلاغوآ) واقع است بدو قسم
منقسم‌است قسم جنوبش که از (۱۸٤۷) مسیحی باین‌طرف
انگلیزها ضبط نموده وکافرستان انگلیز معروف شده‌است مساحت
سطحیه‌اش (۶۳۰۰) کیلومترمربع ونفوسش (۱۱۷۱۵۵)
مرد است کهدرمیانهٔ اینها فقط چندین هزار انگلیز و فلمنکست
باقی طایفهٔ (فینغو) است قسم شمالش که‌کافرستان مستقلش

گویند این‌هم از (۱۸۷۶) مسیحی بومهجروراس‌امید الحاق
گردیده بوهشت قضا منقسم‌است که‌پنجش درتحت ادارهٔ‌مامور
انکلیز وسه‌تااش درتحت ادارهٔ رؤسای محل اداره میشود
مساحت سطحیه‌اش (۴۱۰۰۰) کیلومتر مربع ونفوسش
(۴۷۵۰۰۰) مرداست و (زولولند) که جزء کافرستان
است تا (۱۸۷۹) تام الاستقلالیه بود از ان تاریخ به بعد
انگلیز براهالی این بلاد غالب امده اداره‌را بر رؤساء اهالی
درتحت مراقبت محافظ ناتال‌ترك نمود (صاحب‌بیوك جغرافیا)
بعد ازاینکه میگوید که قافرستان مملکت وسیعه‌ایست که درمابین
(قاپ) و (موزامبیك) سواحل بحر محیط‌هندی‌و االستیعاب
وناقطعه سودان کسب اتساع نموده نفوسش‌را ده‌ملیون و قسم
اعظمش‌را مسلمان نوشته و (كوزه) و (اوریان) و
(لیناقو) را ازبلاد مشهوره‌اش شمرده احقر نفهمیدم که
سند این فرمایشاتش چیست فرمایش خودرا خود بهتر میفهمد

(قاپ)

خطهٔ بزرگی‌است درمنتهای جنوب افریقا از مستملکات انگلیز
غربا با (محیط اطلاسی) جنوبا با (محیط‌هندی) شمالا بانهر
(اورانژ) شرقا باکوههای (استورم) ونهر (کی) محدود

ومحاط‌است مساحت سطحیه (۵۰۰۰۰۰) کیلومتر مربع
طول سواحل (۲۰۰۰) کیلومتر نفوس ۱ ملیون عاصمه
ومرکز تجارت وبندر معتبراش (قاپ) یا (قاپتاوون)
که (۶۰) هزار نفس دارد ومدن مشهوره اش (ایلیزابیت)
که (۲۵) هزارو (جراهمستاوون) که (۱۰) هزار و
(کمرلی) است که (۱۰) هزار نفس دارد ودر اطرافش
هم معدن الماس‌است اهالی اصلیه‌اش (هوتنت) است که
عددشان روز بروز کم میشود مقدار جزئیکه باقی است عمله
وخدمتکار وگله‌چران اوروپاییها هستند بلی ملت جاهل همینست
که‌دروطن اصلی‌خود بربیگانه خدمت کند وبیگانه براوسیادت
ومقدارکی از اهالی مسلمان هستند که بواسطهٔ امد وشد ملاحان
وتجاران عرب دین اسلام‌را قبول کرده‌اند قسم اعظم اهالی
اول ضبط‌کن این مملکت فلمنکها هستند که بواسطهٔ برزگر بودن
اینها (بویر) شان گویند انکلیزها فقط در قصبه‌ها سکنی دارند
ودرجهة شرقش ازجنس کافر بعضی ازاهالی اصلیه هستند
(احوال تاریخیه‌اش) دراین مستعمره اول‌راس امیدرا ۱۴۸۶
مسیحی ازطرف (بارتولی دیاز) نام ملاح پورتغالی کشف
شده و (راس فورطنه) نامش داد بعد از ان از طرف

(ژان دوم) قرال پورتغال (راس امید) نام داده شد مدتی اینجا ملجأ کشتی‌های پورتغال بود تاوقتیکه فلمنکیها شهر (راس‌امید) را بنا کرده وانجارا ضبط نمودند وخیلی ازفلمنکیهارا بانجا نقل وهجرت دادند وتا (۱۷۹۲) مسیحی مملکت را اداره کرده در تاریخ مذکور اهالی اصلیه انجا بوبرها بادعای استقلال قیام نموده درهرطرف مملکت اختلال پیدا شد انکلیزها به بهانه اعاده اسایش و امنیت اسطولها را سوق نموده [۱] مملکترا ضبط نمودنددر (۱۸۰۲) مسیحی انکلیزها باز مملکترا برفلمنکها اعاده دادند بعد ازچهار سال باز ضبط نموده برمستملکات خود اضافه نمودند

« ۱ » بلی درایران‌هم بادعای ترقی دادن ملت وتقویت‌سلطنت سلطنت خودرا مشروطه نمودند بواسطهٔ بعضی از مغرضین از متنفذین داخله وباشاره اجانب هم نایره فتنه درایران مشتعل شده همسایه‌های ایران به بهانه اعاده امنیت و اسایش عسکر خودرا داخل ایران نمودند حالا عسکرشان خارج خواهد شد یامثل عسکر انکلیز درمصر الی‌الابد خواهد ماند خدا میداند ۰۰۰۰ استقلال ایرانرا باقی خواهند گذاشت یاخدا نکرده نخواهد رفت بسته بعقل وفراست ایرانیانست اگر وجدانشان

(هوتانطو)

یا (هوتنتوت) مراد ازمملکت (هوتانطو) محل سکنای طایفهٔ (هوتانطو) است که درمنتهای جنوب غربی افریقا ودر راس امید ودر داخله مستعمره جنوب غربی افریقای المانی تاجهات بیابان (قالاهاری) سکنی کرفته‌اند قبل‌از آمدن‌اوروپائیها تاسواحل منتشر بودند بعدازورود ایشان خودرا بداخله کشیدند طایفهٔ (ناماقه) بسواحل که‌قریب‌ا راس‌امید) انداز جنس‌وشعب (هوتانطو) هستند طول اراضی که امروزه این طایفهٔ اشغال کرده ۸۰۰ عرضش ۲۰۰ کیلومتر قبل ازورود اوروپائیها نفوسشان بشتر بود حالا ۲۰۰۰۰ تخمین شده اند وعدهٔ قلیلی ازنفوس مسلم‌اند اگرچه صاحب بیوك جغرافیا بواسطهٔ کثرت حبیکه مثل احقر برانکلیز عدد مسلمین دارد بعدازانیکه

قبول کرد که دراین عصر تمدن وقرن نورانی سلطنت خدا دادهرا ازدست بدهند و ۸۰ ملیون شیعه مذهب یك سلطنت نداشته باشد لابد بحکم طبیعت و نص قرآن شریف (وان اصابك سیئة فمن نفسك) (و ان الله لایغیر مابقوم حتی یغیروا ما بانفسهم) منقرض خواهند شد ولکه تاریخی برگوشه تاج کیان خواهند گذاشت

هشت ونه ملیون بودن نفوس هو آنطورا اغلب احوال کفته همه اهالی‌را مسلم عد نموده وبنده نظیر فرمایش ایشانرا درکلام احدی ندیدم بلکه ضدش که همه وثنی اند دیده شده ایشان برمعنی کلام خودشان اعرف ازدیگرانند دراینجا جغرافیای ممالکیکه ازافریقا اسلام دراو داخل شده تمام کرده بذکر جغرافیای عمومی نفس افریقا برسبیل اختصار ختم کلام مینمائیم

[افریقا]

یکی ازقطعات خمسه ، سیم دنیای قدیم ودرجنوب غربی سطح ارض ودوبزرکی بعد ازاسیا وامریکا بزرگترین قطعات وشبیه بیك جزیره غیر منتظمی است که قبل ازفتح جدول « سویش » شبه جزیره وبابرزخ سویش که ۱٤۰ کیلو متر بود براسیا مربوط بود وبعد ازفتح جدول این مربوطیت زایل شده شکل یك جزیره بزرگیرا تشکیل داد ازشمال به بحر ابیض وبوغاز جبل طارق وازشرق باجدول سویش وبحر احمر وبوغاز باب المندب وبحر محیط هندی وازجنوب بااوقیانوس جنوبی و ازغرب بابحر محیط اطلانتیك محدود است واقعی نقطه‌اش از طرف شمال راس طیب درتونس وازطرف جنوب راس المسلات است که درشرق راس امید واقع گشته ومسافت مابین

دونقطه ۸ هزار کیلومتراست واقصی نقطه‌اش درشرق راس « غوآردافوی » یا راس عسیر ودرغرب راس اخضر ومسافت مابین نقطتین ۷۵۰۰ کیلومتر است چون معلومات قدما، یونان فقط منحصر به شمال این قطعه بوده اول اسمیکه باین قطعه دادند لیبیا بود بعد ازان افریقی نام دادند که بلسان یونانی بمعنی « غیرسرما » یعنی مملکت حاره‌است وبعضی گفته‌اند که افریقا مأخوذ ازاسم آوریقا است که درطرف تونس طایفهٔ ازبربر هستند رومانیها این نام‌را بطرف تونس که محل سکنای قرتاجیین بود داده بودند عربهای قدیم و جغرافیون اسلام هم ازایشان اخذ کرده افریقیه‌را مخصوص بسمت تونس نمودند ولهذا درکتب قدما، جغرافیون اسلام اسم افریقا که برتمام قطعه دلالت بکند نیست اخیرا ازاوروپا اخذ شده‌است وبعضی دیکر درتسمیهٔ کفته اند که از « ابریکی » ماخوذ است که درلغهٔ لاتین بمعنی معرض شمس است وبعضی دیگر گفته که افریقیه اسمی‌است برای قرتاجنه ودر لغهٔ قرتاجیین بمعنی مستعمره‌است که قرتاجیین ازصور امده شهر قرطاجنه واطراف

آنرا از بلاد تونس برای خود مستعمره ساخته بودند و بعضی دیگر کفته که بواسطهٔ تفرقه دادن اواست شرق‌را از غرب و کیف کان مساحتش تقریبا ۳۰ ملیون کیلومتر مربع که سه‌برابر اوروپا وسه ربع اسیااست ودرنفوسش خیلی باختلاف سخن رانده‌اند علی اختلاف الاقوال صد یا صد وبیست‌وپنج یا صدوچهل یا صدوچهل‌ودو یا صدوهشتادودو یا دویست یا دویست‌وبیست یا دویست‌وچهل یا سیصد ملیون است ودویك یا صد ملیونش مسلم وعدهٔ قلیلی ازمهاجرین اوروپا نصاری ومقداری ازسکنهٔ قدیم یهود وباقی وثنی است

صاحب بیوك جغرافیا باز اغراق فرموده بعد ازانیکه نفوس افریقارا از دویست تا دویست‌وچهل ملیون تخمین میکند دویست ملیونش‌را مسلم ٥ ملیون‌را نصاری ٣ ملیون یهودی وباقی‌را مجوس کفته یقینا لفظ مجوس از اغلاط طبعست مراد وثنی‌است اگراین مقدار هم مبالغه باشد شکی دراین نیست چنانچه ازمطاوی کلمات بنده درضمن شرح جغرافیای بلادوممالك متقدمه ازافریقا معلوم شد که‌دین غالب درافریقا اسلام است

اسامی انهار	طولش	اراضی که‌اسقاء میکند		منبع	منصب
نیل	٦٠٠٠	٢٨٠٠٠٠٠	کیلومتر	بحیرهٔ اوکریوه	بحر سفید
قونغو	٤٦٤٠	٣٦٦٩٠٠٠٠	ك م	بحیرهٔ بانغووه‌ئولو	محیط اطلاسی
نیژر	٤١٨٠	٢٥٠٠٠٠٠	ك م	جبل دارو	محیط اطلاسی
زامبزی	٢٦٦٠	١٣٣٠٠٠٠	ك م	یلاق لوندا	محیط هندی
اورانژ	٢٠٥٠	٩٦٠٠٠٠	ك م	جبل قاتلامبا	محیط اطلاسی
لیمپوپو	١٦٠٠	٤٠٠٠٠٠	ك م	جبل ویت‌واتر	محیط هندی
سنه غال	١٤٣٠	٤٤٠٠٠٠	ك م	جبال سیرالئون	محیط اطلاسی

(بحیره‌های افریقا)

اسامی بحیره‌ها	مساحت سطحیه‌اش	
اوکریوه	٧٥٠٠٠	کیلو متر
طانغانیقا	٣٥٦٠٠	ك م
نیاسا	٢٦٥٠٠	ك م
چاد	٢٥٤٠٠	ك م
رودولف	١٠٢٥٠	ك م
البرادوار	٥٠٠٠	ك م
نقامی	٧٠٠	ك م
بانغووه‌ئولو	١٠٠٠٠	ك م
آلبر	٥٦٠٠	ك م

سلاسل جبال معروفه افریقا

هفت است ۱ اطلس یعنی سلسله درن در شمال غربی ۲ قونغ درطرف غرب درمابین سواحل کینه ووادی نیجر ۳ جبال حبش درشرق ٤ جبال قمر دروسط ٥ لوپاته درشرق جنوبی ٦ بوفند درطرف جنوب که بطول سواحل از شرق بغرب ممتد شده است ۷ سلسله قونغو و آنغوله درطرف غرب جنوبی

ممالك معروفه افریقا

مصر طرابلس تونس الجزائر مراکش نوبه حبشه سودان سنغال غمبیا کینه سومال زنگبار قونغو موزامبیق کافرستان جزیرهٔ ماداغسقار ترانسوال اورانژ قاپ هوتانطو انکولا

اجناس اهالی افریقا

جنس	محل سکنی
عرب — وبربر	درساحل بحر احمر وحبش وافریقای شمالی
حبش	درحبشستان وسودان داخلی وافریقای وسطی
زنجی	درشرق افریقا وغرب جنوبی ان

خطوط حدیدیه افریقا هفده هزار وسیصد وهفتاد کیلومتر

خطوط تلگرافی نودوهشت هزار وهشتصد کیلومتر داخل هشتاد ونه ملیون صادر هفتاد ودو ملیون لیرهٔ عثمانیه است

حکومات حالیه افریقا

که اغلبشان حکومات اسلامیه وهنوز همهٔ مملکتشان جزء مستعمره اجانب نشده است ازاین قراراست فاس مصر عثمانی حبش قونغو زنگبار داهومی اشانتی لیبریا ماسینا بامبارا سقطو بورنو وادای باغیرمی اگرچه اغلب اینها هم بلکه همه غیر ازحبش ومصرعثمانی ولیبریا درتحت حمایه ویادرمنطقه نفوذ اجانب واقع شده است بلکه مصر عثمانی هم امروزه بعد ازسی سال احتلال عساکر انگلیز درمنطقه نفوذ انگلیز است ولیبریاهم بنظر دقیق درتحت حمایهٔ دول متحده امریکااست بنا براین درتمام افریقا باین وسعت مملکت غیر از حبش حکومتی و مملکتی نیست که در منطقه نفوذ اجانب واقع نشده باشد واما امثال حکومات ترانسوال و اورانژ وغیرهما گذشته از تحت الحمایه گی مملکتشان هم جزء مستعمره اجانب است وازعرایض سابقه معلوم شد که دین اسلام درتمام نقاط و اطراف واقطار افریقا منتشراست منتهی درتمام سواحل شمالی وسواحل غربی تاجمهوری لیبریا وسواحل بحر احمر وبحر محیط هندی تاموزامبیق و بلاد

نوبه وصحرای کبیر وسودان شرقی ووسطی وغربی بطور عمومیت واغلبیت ودرافریقای وسطی وجنوبی بطور اقلیت است این انتشار خود بخوداست وبواسطهٔ جمعیت دعوت اسلامیه نیست زیرا که ماسلمانهادر تمام نقاط دنیا یك جمعیت دعوت نداریم اما ازمسیحیین درنفس افریقا فقط ٤١ جمعیت دعوت وششصد مرکز وهفتصد مرسل هست ایشان بدین خود مابخود دعوت میکنیم چه وقت از خواب غفلت بیدار خواهیم شد خدا میداند همین قدر از خداوند احدیت خواهانیم که برماسلمانها این مقدار حس عطا بفرماید که ازقیمومت اجانب برهیم واداره امور وخانه خودرا خود بکنیم وممالك ازدست رفته‌را اگر استرداد نمی کنیم اقلا باقی‌مانده‌را ازدست ندهیم حالا بذکر بعض ان ممالکیکه ازاوروپا اسلام برانجا جبراً یااختیارا داخل شده است شروع میکنیم وچون درقطعات افریقا از دایرهٔ اختصار که وعده شده بود خارج شدیم لهذا بعدازاین جغرافیای بلاد وباکمال اختصار عرض خواهد شد

(پورتکیز)

یا (پورتغال و یا (پرتوغال) یا (پرتغال) یا (پرتکال) یا پرتغال) مملکتی است درمنتهای غرب جنوبی اوروپا و دولت

جمهوریه است ازدرجه دوم دول اوروپا که بکمال قبل دولت مشروطه بود شرقا وشمالا با اسپانیا وجنوبا وغربا با بحر محیط اطلانتی محدود است طول وسطش ازشمال بجنوب ٥٤٠ و طول اعظمش از جنوب غربی تاشمال شرقی ٥٨٨ وعرض اعظمش ٢٢٠ و جای خیلی کم عرضش ١١٣ کیلومتراست ومحیطش (٢٠٦٠) کیلومتر است مقدار ٨٦٠ کیلومترش سواحل باقی حدود بریه است بااسپانیا حد طبیعی ندارد یك مملکت شبیه اند وبوهردو شبه جزیرهٔ ایبریا کویند مساحت سطحیه و نفوسش در اوروپا وسائر قطعات دنیا ازمستعمراتش بروجه ذیل است

قطعات	مساحت باکیلومترمربع	نفوس
اوروپا	٨٨٩٥٤	٥٠١٦٢٦٧
آسیا	٣٦٧٠	٦١٠٤٢٥
افریقا	٢٠٧٢٢٦٤	٦٨٦٦٣٩٢
اوقیانوسیه	١٦٢٤٨	٢٠٠٠٠٠
جمعا	٢١٨٢١٣٦	١٢٦٩٣٠٨٤

مرکز مملکت (ایزبون) یا (لیسبون) یا (اشبون) که ٣٠٠ هزار نفس دارد اهالی درجنسیت لاتین ودرلغت پرتغالی که ازلاتین قدیم ماخوذ است ودر دیانت مسیحی کاتولیکی ودرمعارف متاخرودرصد نفر هفتاد

وپنج مکتب ندیده دارند باهمهٔ اینها از ممالك اسلامیهٔما مکاتبشان بیشتراست (۱) دارالفنون (۹) مکاتب‌عالیه ۱۹ اختصاصیه ۱۷ اعدادیه ۵۲۰۰ ابتدائیه ودرهمه ۲۵۸۲۰۰ طلبه‌دارند واردات (۱۱۶۵۸۱۳۹) مصارف (۱۱۶۸۵۶۸۰) قرض (۱۸۹۳۳۸۰۷۵) ادخالات (۱۲۲۹۷۲۴۵) اخراجات (۶۰۸۰۸۰۰) لیره عثمانی‌است طول خط اهن (۲۳۹۴) کیلومتر مربع سفائن‌تجاریه (۵۷۴) مراکز تلغراف (۴۷۲) طول خط (۸۵۵۴) طول سیم نوزده هزار وسیصد وهفتاد ودو عدد مخابرات سه ملیون وصد وهفتاد ویکهزار وهشتصد وهشت مراکزپوستهٔ سه‌هزار ودویست وچهل ونه مرسولات پوسته ازمکتوب وجراید و مجلات وبطاقات وغیرها (هشتادوشش‌ملیون وچهل وچهارهزار قوه بحریه‌اش هنگام صلح پنجاه‌هزار .وهنگام حرب صد وپنجاه هزار (احوال تاریخیه‌اش) پورتکیز تاقرن دهم میلادی مملکت علیحدهٔ نبود و در قدیم بر پورتغال و اسپانیا (ایبریا)نام میدادند ومسکن‌اقوام (ایبر) و (کلت) بودند فنیقیین وقارتاجیین بعضی از مستعمرات در (ایبریا) تاسیس نموده بعدازان‌مملکت بدست رومانیها وسوآویهاوویزیغوتیها افتاده

از قارئین کرام استدعا میشود بجهـة کثرت اغلاط کتاب هنکام مطالعه برغلطنامه مراجعه یا قبل از مطالعه تصحیح نسخه بفرمایند

(غلطنامه خطابه)

صحیفه	سطر	غلط	صحیح
۳	٤	تا نهر تورس	تا شهر تور
۳	٤	و ۳۳	و ۲۳۳
٤	۷	ادا ماوه	ادماوه
٤	۱۰	متل	مثل
٦	٥	ودبر بچه	دو بر بچه
۷	۱	جزائز	جزائر
۸	۲	یراق	پراق
۸	۱۲	قونی	قوتی
۹	۱۸	معلون	معلوم
۱۰	۱۱	سیصدملیون	سیصد وپنجاه ملیون
۱۱	٦	معاف	معارف
۱۱	۱۷	نخالل	نخل
۱٥	۱۰	ابن قوزك	ابن فورك
۱٦	۲	توبیت	تربیت
۱۷	۱	کتابها از میان	کتابها هم از میان
۱۷	۱۰	کنند	کنبد
۱۸	۱۰	کوههای	کوهها
۱۹	٥	فرانك	فرنك
۲۰	٥	بك	يك
۲۱	٥	يه	به

صحیفه	سطر	غلط	صحیح
٣١	١٨	صد	هزار
٢٧	٣	ایفیسه	ابوبسه
٢٧	٧	فشم	قشم
٢٧	٩	ششصد	هشتصد
٣٠	٤	١٥ هزار دینار	٧ هزار وپانصد دینار
٣٣	١	زلفا	زلقاء
٣٣	٢	از همهٔ	از همه
٣٣	١٣	وزین هزار	وزین ٣ هزار
٣٤	٦	دخل دار الضرب	مضروب دار الضرب
٣٤	٧	که این دخل	که دخل این
٣٤	٨	قاهرهٔ ومصر	قاهرهٔ مصر
٣٤	١٤	٨٠	١٨٨
٣٥	١	١٤	٢٨٠
٣٥	١	١٧	٣٤
٣٥	١	٢٠٠	٤٠٠
٣٥	١٥	که داده	که هرماه داده
٣٧	١٦	صف	صف
٣٨	١	٣٧	٣٨
٣٩	٤	کرفتند	گرفتند
٣٩	٦	٩٦٩٥٠	٩٦٧٢٥
٣٩	٨	امپراطور اربتی	امپراطوره ایربتی
٣٩	١١	حیوان وصد	حیوان سواری وصد
٣٩	١١	٤٥	٥٤

صحیفه	سطر	غلط	صحیح
٤٠	١٤	اوروپا	اوروپای
٤٢	٧	رتمکن امنیت	وتمکن از امنیت
٤٢	١١	باهم متحد	متحد
٤٣	٢	ایون	ایوان
٤٤	١٤	ابری	اثری
٤٤	١٨	برکستان	ترکستان
٤٦	١٠	ناخلف	ناخلف
٤٦	١٢	تنزل نمود	تنزل تنزل نمود
٤٧	٥	لکد یك	لکد کوب یك
٤٩	٤	است وبیشتر	است بیشتر
٥٠	١٣	دراه	در راه
٥٠	١٧	امها ومتحقق	انها ومتخلق
٥١	٢	تهیه نموده اندوبرای	تهیه وبرای
٥١	١٦	چوقت	چه وقت
٥٤	١٥	بخنی ها	عجمی ها
٥٤	١٥	مرده هاي نجف	مرده های ایشان درنجف
٥٤	١٨	نجف	عجم
٥٥	٦	بول	پول
٥٧	٥	تنمابد	نکنند
٥٩	٢	ودراموات	ودر امورات
٦٠	٤	سیصدوپنجاه مسلمان	سیصدوپنجاه ملیون مسلمان
٦٠	٧	مسلمانیم درمساعدت	مسلمانیم باید درمساعدت
٦٠	١٢	تمت	تم

غلطنامه ملحقات خطابه

صحیفه	سطر	غلط	صحیح
٦١	٩	قباریه	قناریه
٦١	١٧	٢٥٨٥٦٤	٣٥٨٥٦٤
٦٢	٥	ماندها	مانده‌ها
٦٣	٧	صد هزار	صد وپنجاه هزار
٦٣	٩	ادبیة	ادبیه
٦٤	١٥	٥٠	٥
٦٤	١٨	مایات	مالیات
٦٥	١٧	تارتاج	قارتاج
٦٦	١٧	فرانست	فرانسا
٦٦	١٧	راض	راضی
٦٦	١٨	تتصیل	تفصیل
٦٧	٣	اتقلال	استقلال
٦٧	٨	هزار است	هزار کیلومتر مربع است
٦٧	١٣	هنام	همنام
٦٨	١٢	متنظم	منتظم
٦٨	١٥	اتش	اش
٦٩	١٧	٤٢	٤٣
٧٠	٣	٨١٨	٨٧٨
٧١	٩	فرانسهٔ	فرانسه
٧٢		نفس عدد صحیفه ٨٢	٧٢
٣٧	١١	بکی چری ما	بکی چری ها
٧٣	١٤	مایات	مالیات

صحیفه	سطر	غلط	صحیح
٧٥	٧	بصاریه	بطاریه
٧٦	٥	قرتاح	قرتاج
٧٦	١٢	متل	مثل
٧٦	١٦	٠٣٥	٥٣٥
٧٩	١٠	بخروچ بلیا	بخروج بلغار
٧٩	١٦	جهات	جهالت
٨٠	٧	١٥٠٠٠٠٠	١٥٠٠٠٠٠٠
٨٠	٩	٣٠٠٠٠	٣٠٠٠٠٠٠
٨٢	٣	امالی	اهالی
٨٢	٥	عبرانبون	عبرانیون
٨٢	٦	ملاسبتی	مناسبتی
٨٢	٨	مصر است	مصر
٨٢	١١	درنعه	درلغة
٨٣	١٠	اوکریوه	اوکربوه
٨٦	١٦	قابش	قابس
٨٦	١٧	کیحسرو	کیخسرو
٨٧	٣	حکمراتی	حکمرانی
٩٢	١٢	جزیر	جزیره
٩٢	١٣	وجزیرهٔ	وجزیرهٔ
٩٢	١٥	سده‌ها از ساحل می‌اید	سده‌ها می‌اید
٩٣	١١	١٥٠	١٥٠٠
٩٤	٦	سواحل ضمیمه	سواحل اش ضمیمه
٩٥	٧	پید	پیدا

صحیفه	سطر	غلط	صحیح
٩٥	١٦	نجاسی	نجاشی
٩٦	٣	حبث بیش	حبشه پیش
٩٧	١	تاجره	تاجوره
٩٨	٥	کنینه	کینه
٩٩	٣	وسطی	وسطی است
٩٩	١٨	خزطوم	خرطوم
١٠٢	٧	ملوم	ملیون
١٠٣	١٠	باستغناء	باستثناء
١٠٤	١٦	وسودان انکلیز	ومستعمرات انکلیز
١٠٥	٩	خیلج	خلیج
١٠٦	١٢	سیهاهای	سیاهھای
١٠٩	٩	داقور	دارفور
١٠٩	١٣	متمهدی ز.	متمهدی باز
١١٠	٦	ویر	نوبر
١١١	٦	ملیوی	ملیون
١١٢	٨	پحیره	بحیره
١١٢	١٢	الف	هزار
١١٣	٦	تیل	نیل
١١٣	٧	برزقو	بورقو
١١٤	٣	ذا القدابه	ذا القدایه
١٢١	١	این	بود واین
١٢١	١	متل	مثل
١٢٢	٦	جهل	چهل

صحیفه	سطر	غلط	صحیح
١٢٤	١٧	٥٧٥٢٠٠	٥٧٥٣٠٠
١٢٧	١٠	٥٣٨٢٠٠	٢٨٣٥٠٠
١٢٨	٣	قوز	قونغ
١٢٨	٥	ماینکه	مالینکه
١٢٨	١٢	دوات	دولت
١٢٨	١٧	ماندینع	ماندینغ
١٣٤	٤	براز قازوزث	پراز قازورات
١٣٦	١١	مبعون	مبعوثان
١٣٧	٦	١٦١٦	١٦٢٦
١٣٧	٧	نبادرا	بنادررا
١٤٠	١٤	اسقطرن	اسقطری
١٤٠	١٧	١١٠	١١٥
١٤٦	٥	طانقانیفا	طانقانیقا
١٥٢	٣	تترك	ترك
١٥٧	١٢	قری‌را	قری
١٥٧	١٥	جزایر	جزایررا
١٥٩	١٨	١٠١٠	١٥١٥
١٦١	٦	پادری	درپای
١٦٢	٢	شهر	شهیر
١٦٢	٨	کبر	کبیر
١٦٣	٤	طایفه از	طایفه
١٦٥	٦	١٠	١٥
١٦٥	١٧	دهاز	دباز

صحیفه	سطر	غلط	صحیح
۱٦۸	۱۰	جزیره	مثلث
۱٦۸	۱۱	۱٤۰	۱٤٥
٦۹	۳	۷۰۰	۷٥۰۰
۷۲	٥	نیوهد	نیوفلد
۷۲	۱۱	قوذو	قونغو
۷٤	۱٤	وباکال	باکال
۱۷٥	۱	مشرط	مشروطه بود
۱۷٥	۲	محدد	محدود
۱۷٥	۱۱	۱۸۹٥٤	۸۸۹٥٤
۱۷٥	۱۳	۲۰۷۲۲٦٤	۲۰۷۳۲٦٤
۱۷٥	۱٥	۲۱۸۲۱۲٦	۲۱۸۲۱۳٦
۱۷٦	۱٥	۱۱٦۹۳۰۸٤	۱۲٦۹۳۰۸٤
۱۷٦	۱۰	پوستهٔ	پوسته

وبعض اغلاط دیگری هم مثل زیادتی وکمی نقطه ونکرفتن حروف هنکام طبع داشت که بقرائن چون معلوم بود اغماض شد

اعلان

ازعزت دیروز ذات امروز یازده فورمه که بر جغرافیای تمام بلاد اسلامیه افریقائیه ومقدار هم ای زممالکت اسلامیه اوروپاویه که پرتغال باشد مشتمل است طبع شده وبعد ازاین بواسطه کثرت اشغال مؤلف ومسافرت اش باستانبول وقفقاز فرصت تحریر نشد فعلاً انچه طبع شده به پنج غرش ساغ درنجف درد کان جناب اقای اقا سید فتاح واقای اقا شیخ صادق بفروش میرسد طالبین بانجا مراجعه بفرمانید انشاء الله باقي را یاهنکام سفر یابعد ازاستقرار در مسقط الرأس نوشته طبع نموده بیك مجیدی فروش خواهد شد هر کسی که پیشکی نسخه موجودهٔ مطبوعه را به نصف مجیدي بخرد بعد از ختام باقی هم برای او فرستاده شده تمام اش به همین نصف مجیدی حساب خواهد شد